

هنوالمحبوب

با امید استمرار بهار

نظام و مردم، امروز از جوانان می‌خواهند که بر روی سکوه‌های خود باوری و اعتماد به نفس محکم بایستند و با حفظ هویت خود، آینده سرافراز، درخشان و پیشرفته ایران اسلامی را رقم بزنند. جوانان برومند ایران اسلامی، هرگز نباید «مرعوب» غرب یا «ذوق زده» در برابر دستاوردهای دیگران شوند. داشتن قدرت اقتباس و خود باوری و اعتماد به نفس شرط پیشرفت یک ملت و کشور است.

«ریاست محترم جمهوری / ۲۰ دیماه ۱۳۷۹»



روبه سبزی، بهار، طراوت و سال جدید داریم. در زلال باورمان به «روشنایی» و «پیشرفت» وقتی می‌توان عینیت آنرا در وجودمان حس کنیم که «مرعوب» دیگران نشویم. اگر «اعتماد به نفس» رخت برکشد، «درماندگی» جایگزین قطعی است. شهامت مقاومت در برابر سختی‌ها را اگر نتوانیم در وجودمان به پرورانیم بی‌تردید کسی برای «پایداری» زیر بازوانمان را نخواهد گرفت هر ملتی،

خود باید تصمیم بگیرد که ماندنی است یا فراموش شدنی و «نخبگان» علمی هر کشور در «ماندگاری» آن کشور یا فلاکت و نابودی اش بی تردید مؤثرند. که اگر بخواهند «گلیم» خود را از آب بیرون کشند، دیگر چه کسی «سیل گیر» و سد این زمانه «انفجار اطلاعات» و دانش شود.



لذت تلاش را در این یافته‌ایم که عاشقانه وبا یاد محبوب واقعی، در کنار همکارانمان بدون تردید در طی مسیر، از کلام هر ملامتگری به ادامه راه بیندیشیم که اگر غیر از این اندیشه کنیم باید «عقل» محاسبه گر را به مدد بخوانیم و آن، بیگانه با «عشق»، راهی را در مقابل چشمانمان قرار می دهد، که انتهایش خودخواهی است نه اندیشیدن به «جمع» که «یدالله مع الجماعة» و جمع نخبگان، قطعاً کارآمدی آنها تردید بردار نیست و آیه‌های قرآن کریم به آنان بیشتر توجه دارد که «می‌اندیشند» و با اندیشیدن انتهای راه را روشن تر - هر چند سخت باشد - می‌بینند. همه روزهایتان، نوروز باد.

مدیر مسئول

هگزاگون

نتایج مراحل اول، دوم و کشوری ۶ المپیاد فیزیک، ریاضی، شیمی

کامپیوتر، زیست و ادبی دانش آموزی برای سال ۱۳۸۰

جواد ازهای

اشاره:

در این مقاله سعی شده است از وضعیت کل داوطلبان المپیادهای ۶ گانه دانش آموزی جمهوری اسلامی ایران برای سال ۱۳۸۰ که مراحل مقدماتی آن در سال ۱۳۷۸ و تا مرحله کشوری در شهریور ۱۳۷۹ مشخص شده است، به بیان آماری گزارشی ارائه گردد.



از جمله نکات قابل توجه در این بررسی کاهش تعداد شرکت کنندگان نسبت به سال قبل است که با وجود کاهش شرط معدل در چند المپیاد که به پیشنهاد «باشگاه» مورد تأیید هیئت امناء قرار گرفت این امر قابل تأمل است. بطوریکه در دوره قبل ۹۹۸۴۱ داوطلب برای پنج المپیاد وجود داشته‌اند و امسال این تعداد به ۹۲۰۵۰ نفر کاهش یافته است. عمده کاهش در بین داوطلبان فیزیک (از ۱۳۶۳۶ نفر به ۱۰۶۱۸ نفر) و ریاضی (از ۴۹۸۸۹ نفر به ۳۶۳۸۵) می‌باشد. در عوض کامپیوتر و زیست افزایش داوطلب داشته‌اند و در شیمی تغییر مشهودی دیده نمی‌شود.

○ سمپاد و تکمیل موفقیتها

قابل تصور نبود که سمپاد در المپیاد ادبی با ۱۳ شرکت کننده در مقابل ۵۶۲۵ داوطلب

(بیست و سه صدم درصد) بتواند یک طلای کشوری ادبی را برای اولین بار از دبیرستان «فرزانگان تهران» بخود اختصاص دهد. (جدول ۱) این یعنی فرزنانگان تهران را به یک حدنصاب دست نیافتنی رساندن و این در حالی است که مراکز مدعی علوم انسانی در این دوره نتوانسته‌اند موفقیت چشمگیری کسب کنند و نصف طلای کشور ادبی را دبیرستانهای غیرفرهنگ بدست آورده‌اند.

جدول ۱- برندگان مدال طلا در سیزدهمین المپیاد ادبی

نام و نام خانوادگی	مدال	دبیرستان	شهر	حوزه
اعظم ایرانمنش	طلا	فرهنگ	کرمان	کرمان
محمدرضا جلانی پور	طلا	فتح شاهد	تهران	شهر تهران
داود عمارتی مقدم	طلا	شاهد فردوسی	مشهد	خراسان
زینب کاظمی خالدی	طلا	فرزانگان	تهران	شهر تهران
امیربهنام معصومی	طلا	فرهنگ	تهران	شهر تهران
بهدخت نژاد حقیقی	طلا	فرهنگ	شیراز	فارس

○ مقایسه‌ها:

داده‌ها، پذیرفته شدگان مرحله اول پنج المپیاد برای سال ۱۳۸۰ را نسبت به سال قبل برای سمپاد بیشتر نشان می‌دهند. در سال قبل ۱۱۰۰ پسر و ۵۰۶ دختر سمپادی، جمعاً ۱۶۰۶ نفر، در مرحله اول المپیادهای پنجگانه حضور داشته‌اند. در این میان علامه‌حلی تهران که سال قبل ۱۹۲ نفر در این مرحله داشت با ۲۲۸ نفر رکورد دیگری را به مجموع افتخارات خود افزود. بعد از علامه‌حلی تهران، فرزنانگان تهران با ۱۲۶ نفر، شهیدآزاده‌ای اصفهان با ۱۰۶ نفر، شهیدهاشمی نژاد مشهد با ۸۷ نفر و شهید سلطانی کرج با ۷۵ نفر، فرزنانگان امین اصفهان با ۵۱ نفر، شهیددستغیب شیراز، شهیدبهشتی ساری و فرزنانگان کرج با ۴۴ نفر، شهیدبهشتی شهرری با ۴۲ نفر و شهیدبهشتی بابل با ۴۰ نفر بالاترین تعداد قبولی را داشته‌اند.

در این دوره در مجموع تهران، شهرری و اسلامشهر ۴۳۹ نفر از پذیرفته‌شدگان مرحله اول را به خود اختصاص داده‌اند که در مرحله بعد نیز ۶۴ نفر از ۲۳۲ پذیرفته شده مرحله دوم از این مراکز هستند. (جدول ۲) برای بررسی وضعیت مراکز در سال قبل و امسال جدول ۲ این گزارش را با جدول ۱ شماره ۳۳ مجله، صفحه ۷۶ مقایسه نمایید.

جدول ۲- راه یافتگان مرحله اول کشوری از مراکز سمپاد به پنج المپیاد

فیزیک، شیمی، ریاضی، کامپیوتر و زیست‌شناسی برای سال ۱۳۸۰

مراکز دخترانه				مراکز پسرانه			
تعداد	شهر	تعداد	شهر	تعداد	شهر	تعداد	شهر
۱۱	فرزانگان ساری	۹	فرزانگان اراک	۴۴	شهید بهشتی ساری	۱۷	علامه حلی اراک
۷	فرزانگان سبزوار	۰	فرزانگان اردبیل	۷	شهید بهشتی سبزوار	۱	شهید بهشتی اردبیل
۴	فرزانگان سمنان	۱۳	فرزانگان ارومیه	۸	شهید بهشتی سمنان	۲۳	شهید بهشتی ارومیه
۷	فرزانگان سندج	۱۱	فرزانگان اسلامشهر	۱۲	شهید بهشتی سندج	۱۷	شهید رجایی اسلامشهر
۱۰	فرزانگان شاهرود	۵۱	فرزانگان امین‌اصفهان	۹	شهید بهشتی شاهرود	۱۰۶	شهید زه‌ای اصفهان
۱۵	فرزانگان اهواز (س) شهرری	۱۰	فرزانگان اهواز	۴۲	شهید بهشتی شهرری	۲۰	شهید بهشتی اهواز
۱۰	فرزانگان شهرکرد	۰	فرزانگان آمل	۱۴	شهید بهشتی شهرکرد	۲	شهید بهشتی آمل
۲۶	فرزانگان شیراز	۱	فرزانگان ایلام	۴۴	شهید دستغیب شیراز	۰	شهید بهشتی ایلام
۱۸	فرزانگان قائمشهر	۲۱	فرزانگان بابل	۱۱	شهید بهشتی قائمشهر	۴۰	شهید بهشتی بابل
۸	فرزانگان قزوین	۱۰	فرزانگان بروجرد	۳۱	شهید بابایی قزوین	۱۳	شهید بهشتی بروجرد
۱۳	فرزانگان قم	۲	فرزانگان بجنورد	۳۷	شهید قدوسی قم	۱۱	شهید بهشتی بجنورد
۴۴	فرزانگان کرج	۱	فرزانگان بندرعباس	۷۵	شهید سلطانی کرج	۲	شهید حقانی بندرعباس
۶	فرزانگان کرمان	۵	فرزانگان بوشهر	۱۹	علامه حلی کرمان	۱	شهید بهشتی بوشهر
۷	فرزانگان کرمانشاه	۴	فرزانگان بیرجند	۲۹	شهید بهشتی کرمانشاه	۲۴	شهید بهشتی بیرجند
۱	فرزانگان گرگان	۱۶	فرزانگان تبریز	۲	شهید بهشتی گرگان	۲۹	شهید مدنی تبریز
۴	فرزانگان لار	۱۲۶	فرزانگان تهران	۱۰	شهید بهشتی لار	۲۲۸	علامه حلی تهران
۲۵	فرزانگان مشهد	۴	فرزانگان خرم‌آباد	۸۷	شهید هاشمی‌نژاد مشهد	۹	شهید بهشتی خرم‌آباد
۲	فرزانگان نیشابور	۹	فرزانگان دزفول	۲۲	شهید بهشتی نیشابور	۱۰	شیخ انصاری دزفول
۱۷	فرزانگان همدان	۱۱	فرزانگان رشت	۲۰	علامه حلی همدان	۲۱	میرزا کوچک خان رشت
۱۴	فرزانگان یزد	۲	فرزانگان زاهدان	۳۵	شهید صدوقی یزد	۵	شهید بهشتی زاهدان
		۳	فرزانگان زنجان			۱۳	شهید بهشتی زنجان
۵۵۸	قبولشدگان سمپاد (دختر)			۱۱۵۰	قبولشدگان سمپاد (پسر)		
۱۴۳۸	کل قبولشدگان ایران (دختر)*			۲۸۴۴	کل قبولشدگان ایران (پسر)*		

* مبنا در پنج المپیاد می‌باشد.

○ سمپاد و المپیادها

□ شیمی:

در شیمی در مقایسه با سال قبل تعداد داوطلبان پسر سمپاد از ۱۲ درصد به ۱۱ درصد کاهش یافت هرچند عدد ۴۵۶ نفر به ۴۴۹ نفر فقط ۷ نفر کاهش را نشان می‌دهد. در بخش دختران هم کاهش ۴۳۲ نفر داوطلب نسبت به ۴۹۸ نفر (۶۶ نفر کاهش) را مشاهده می‌کنیم. در مرحله دوم در مجموع، پذیرش سمپاد از ۲۸ نفر به ۲۲ نفر کاهش یافته است، البته کل راه‌یافتگان به مرحله

کشوری نیز به جای ۴۲ نفر به ۳۸ نفر کاهش یافته است. (جدول ۳) در شیمی کاهش راه یافتگان به مرحله دوم مربوط به فرزانه‌گانیها است که از ۱۳ نفر در سال قبل به ۶ نفر رسیده‌اند و پسران از ۱۵ نفر به ۱۶ نفر افزایش یافته‌اند. (جدول ۴)

○ در این المپیاد از ۶ برنده طلای کشوری شادی رجیبی و مونا فلاح تفتی از فرزانه‌گان همدان و سپهر فدایی از علامه‌حلی تهران هستند. از سوی دیگر در المپیاد شیمی صد درصد دختران دریافت‌کننده مدال طلای کشوری از سمپاد می‌باشند. (جدول ۹)

جدول ۳- کلیه شرکت‌کنندگان در شش المپیاد به تفکیک جنس همراه با پذیرفته شدگان سمپاد و درصد آن در هر مرحله برای سال ۱۳۸۰

المپیاد*	جنس	کل داوطلبان	داوطلب سمپاد	درصد سمپاد	پذیرفته شده مرحله اول	پذیرفته شده سمپاد	درصد سمپاد	پذیرفته شده مرحله دوم	پذیرفته شده سمپاد	درصد سمپاد
شیمی	پسر	۴۱۱۳	۴۴۹	۱۰/۹۲٪	۲۶۶	۱۱۲	۴۲/۱۰٪	۳۱	۱۶	۵۱/۶۱٪
	دختر	۷۵۵۷	۴۳۲	۵/۷۲٪	۱۸۰	۱۰۰	۵۵/۵۵٪	۷	۶	۸۵/۷۱٪
	کل	۱۱۶۷۰	۸۸۱	۷/۵۵٪	۴۴۶	۲۱۲	۴۷/۵۳٪	۳۸	۲۲	۵۷/۸۹٪
فیزیک	پسر	۵۳۷۶	۵۶۶	۱۰/۵۳٪	۶۰۳	۲۳۹	۳۹/۶۳٪	۴۱	۳۰	۷۳/۱۷٪
	دختر	۵۲۴۲	۳۴۳	۶/۵۴٪	۱۵۴	۷۳	۴۷/۴۰٪	۳	۳	۱۰۰٪
	کل	۱۰۶۱۸	۹۰۹	۸/۵۶٪	۷۵۷	۳۱۲	۴۱/۲۱٪	۴۴	۳۳	۷۵٪
ریاضی	پسر	۱۵۶۹۸	۱۲۳۰	۷/۸۳٪	۹۵۳	۳۰۰	۳۱/۴۸٪	۴۰	۲۶	۶۵٪
	دختر	۲۰۶۸۷	۸۰۶	۳/۹۰٪	۴۹۲	۱۱۸	۲۳/۹۸٪	۳	۲	۶۶/۶۷٪
	کل	۳۶۳۸۵	۲۰۳۶	۵/۶۰٪	۱۴۴۵	۴۱۸	۲۸/۹۳٪	۴۳	۲۸	۶۵/۱۲٪
کامپیوتر	پسر	۸۱۶۵	۱۲۰۸	۱۴/۷۹٪	۷۸۲	۳۶۷	۴۶/۹۳٪	۳۰	۲۶	۸۶/۶۷٪
	دختر	۹۷۳۸	۷۴۴	۷/۶۴٪	۲۵۹	۱۴۸	۵۷/۱۴٪	۲	۱	۵۰٪
	کل	۱۷۹۰۳	۱۹۵۲	۱۰/۹۰٪	۱۰۴۱	۵۱۵	۴۹/۴۷٪	۳۲	۲۷	۸۴/۳۷٪
زیست‌شناسی**	پسر	۲۴۲۶	—	—	—	۲۴۰	—	—	۱۸	۶۶/۶۷٪
	دختر	۱۳۰۴۸	—	—	—	۳۵۳	—	—	۸	۶۶/۶۷٪
	کل	۱۵۴۷۴	—	—	—	۵۹۳	—	—	۲۶	۶۶/۶۷٪
ادبی	پسر	۶۶۷	۵	۰/۷۵٪	۱۳۱	۳	۲/۲۹٪	۸	—	—
	دختر	۴۹۵۸	۸	۰/۱۶٪	۶۳۱	۶	۰/۹۵٪	۲۸	۱	۵/۹۰٪
	کل	۵۶۲۵	۱۳	۰/۲۳٪	۷۶۲	۹	۱/۱۸٪	۳۶	۱	۲/۷۸٪
جمع شش المپیاد	پسر	۳۶۴۴۵	۳۴۵۸	۹/۴۹٪	۲۹۷۵	۱۱۵۰	۳۸/۶۵٪	۱۷۷	۱۱۶	۶۵/۵۴٪
	دختر	۶۱۲۳۰	۲۳۳۳	۳/۸۱٪	۲۰۶۹	۵۵۸	۲۶/۹۶٪	۵۵	۲۱	۳۸/۱۸٪
	کل	۹۷۶۷۵	۵۷۹۱	۵/۹۳٪	۵۰۴۴	۱۷۱۲	۳۳/۹۴٪	۲۳۲	۱۳۷	۵۹/۰۵٪

* منبع ارقام «باشگاه دانش پژوهان جوان» می‌باشد. مبنای ارقام ستونهای ۱، ۲، ۴ و ۵، جمع ارائه شده توسط باشگاه می‌باشد ولی متأسفانه در تفکیک جنس، داوطلبان دختر و پسر کمتر از مجموع بوده‌اند. مثلاً در ستون یک در شیمی ۲۵۱ نفر، در فیزیک ۵۰۲ نفر، در ریاضی ۱۲۹۱ نفر، در کامپیوتر ۵۵۰ نفر، در زیست ۱۰۸۹ و در ادبی ۵۰۰ نفر داوطلبان دختر و پسر کمتر از رقم جمع گزارش بوده است که براساس پذیرش عدد جمع به نسبت داوطلبان هر المپیاد به ارقام جزء (دختر و پسر) اضافه شده است تا خواننده نکته‌سنج به اشکال برنخورد.

** آمار کل داوطلبان سمپاد در المپیاد زیست‌شناسی موجود نبود، لذا از قبولیهایی مرحله اول به بعد محاسبه شده است.

جدول ۴- برگزیدگان دهمین المپیاد شیمی مرحله کشوری برای سال ۱۳۸۰

ردیف	نام و نام خانوادگی	دبیرستان	شهر- منطقه	حوزه
۱	نیما استادرحیمی	دانش دولتی	تهران- ۳	شهر تهران
۲	سامان امیرپورامرائی	علامه حلی	تهران- ۱۱	شهر تهران
۳	حمیدرضا امینی	علوی	شیراز- ۲	فارس
۴	سهند باباپورفراخوان	شهید بهشتی	ارومیه- ۲	آذربایجان غربی
۵	زهرا باصدا	فرزندگان	تهران- ۶	شهر تهران
۶	آریا بهادری	شهید هاشمی نژاد	مشهد- ۴	خراسان
۷	ایمان بهمنش	شهید بهشتی	ساری	مازندران
۸	سیدفخرالدین ترابی	علوی	شیراز- ۲	فارس
۹	فاطمه جهانشاهی فر	فرزندگان امین	اصفهان- ۳	اصفهان
۱۰	پیمان حبیب‌الهی	شهید مدنی	تبریز- ۱	آذربایجان شرقی
۱۱	گیو حیدری باطنی	میرزا کوچک خان	رشت- ۱	گیلان
۱۲	رسول خوش نیت	امام خمینی	تهران- ۱۶	شهر تهران
۱۳	شادی رجیبی	فرزندگان	همدان- ۱	همدان
۱۴	یاشار رجوی	علامه حلی	تهران- ۱۱	شهر تهران
۱۵	احسان سعیدی	شهید هاشمی نژاد	مشهد- ۴	خراسان
۱۶	حجت سلماسیان	شهید اژه‌ای	اصفهان- ۳	اصفهان
۱۷	مصطفی شریف زاده	شاهد	بابلسر	مازندران
۱۸	وجیهه شفیعی	فرزندگان امین	اصفهان	اصفهان
۱۹	محمد رضا صابری مقدم	آیت اله آملی	آمل	مازندران
۲۰	میلاد عبائیان	شهید بهشتی	اهواز- ۴	خوزستان
۲۱	سید مهدیار عباس جهرمی	علوی	شیراز- ۲	فارس
۲۲	حمیدرضا عبدالوند	نمونه رشد	تهران- ۱۶	شهر تهران
۲۳	محسن عبدالهیان منصورآباد	پیش دانشگاهی سرداران آذربایجان	ارومیه- ۲	آذربایجان غربی
۲۴	سیامک عبدی	علامه حلی	تهران- ۱۱	شهر تهران
۲۵	همایون علی بابایی	شهدای کارگر	ری- ۱	شهرستانهای تهران
۲۶	امیرمحمد فاضلی	علامه حلی	تهران- ۱۱	شهر تهران
۲۷	سپهر فدایی	علامه حلی	تهران- ۱۱	شهر تهران
۲۸	مونا فلاح تفتی	فرزندگان	همدان- ۱	همدان
۲۹	منصوره گرگین زاده	فرزندگان	تهران- ۶	شهر تهران
۳۰	رضا لطفی	علامه حلی	تهران- ۱۱	شهر تهران
۳۱	علی اصغر محمدی	نمونه امام حسین	تهران- ۱۸	شهر تهران
۳۲	آزاده مرشدزاده	حاج علی اکبر بهادر	شیراز- ۳	فارس
۳۳	مسعود مؤدبی فرد	نمونه آیت اله خامنه‌ای	قوچان	خراسان
۳۴	سیدعلیرضا مصطفی	رشد	تهران- ۱۶	شهر تهران
۳۵	هادی میشکارمطلق	صنعتی فر	تهران- ۱۵	شهر تهران
۳۶	کسری نیکویه	علامه حلی	تهران- ۱۱	شهر تهران
۳۷	میثم هنرورنظری	البرز	تهران- ۶	شهر تهران
۳۸	علیرضا یزدانی	علامه حلی	تهران- ۱۱	شهر تهران

دانش آموز از مراکز «سمپاد» می باشد.

□ فیزیک:

در سال قبل ۷/۷۷ درصد داوطلبان این المپیاد (۱۰۶۰ نفر) را سمپادها تشکیل می‌دادند (کل داوطلبان ۱۳۶۳۶ نفر). در ارقام این گزارش کاهش بسیار کم در بین سمپاد (از ۱۰۶۰ نفر سال قبل به ۹۰۹ نفر) و کاهش چشمگیر در بین سایر داوطلبان - که می‌تواند از کاهش «معدل» یا کاهش «رغبت» نشأت گرفته باشد - وجود دارد. بطوریکه ۱۳۶۳۶ نفر سال قبل به ۱۰۶۱۸ در این سال رسیده است که عمده این کاهش - ۲۰۷۳ نفر - مربوط به دختران است که در صورت ادامه یافتن در سالهای بعد قابل مطالعه می‌باشد. در مورد پسران تعداد داوطلب از ۶۳۲۱ به ۵۳۷۶ کاهش یافته است که قابل تأمل است.

○ اما نسبت راه یافتگان در مرحله اول با وجود کاهش پذیرفته شدگان مرحله اول از ۸۹۵ نفر به ۷۵۷ نفر برای سمپاد از ۴۰ درصد به ۴۱ درصد افزایش یافته است. (جدول ۳)

○ در مرحله دوم - کشوری - هم سهم سمپاد از ۶۷ درصد به ۷۵ درصد و از ۳۱ نفر به ۳۳ نفر افزایش یافته است که کاهش پذیرفته شدگان فرزانه‌گانی از ۷ نفر به ۳ نفر و افزایش پسران سمپادی از ۲۴ نفر به ۳۰ نفر را در پی داشته است. (جدول ۵)

○ در مرحله کشوری در سال قبل صددرصد طلای کشوری فیزیک از سمپادها بود با دو فرزانه‌گانی و امسال از هفت راه یافته به این مرحله یک نفر سمپادی نیست و بقیه هم فقط از پسران تشکیل شده‌اند، علامه حلی تهران ۴ نفر، شهید بهشتی شهرری ۱ نفر و شهید هاشمی نژاد مشهد ۱ نفر. (جدول ۹)

□ ریاضی:

○ در ریاضی هم کاهش چشمگیر داوطلب در این دوره مشهود است و با ارقام کاهش داوطلبان فیزیک همخوانی دارد و علل قابل بررسی است. در این سال داوطلبان از ۴۹۸۸۹ نفر سال قبل به ۳۶۳۸۵ نفر - یعنی ۱۳۵۰۴ نفر کمتر - کاهش یافته‌اند. این کاهش در بین داوطلبان سمپاد هم دیده می‌شود که از ۲۹۳۰ نفر به ۲۰۳۶ نفر رسیده است. البته سمپاد همان ۵ درصد داوطلب را در دو سال حفظ کرده است (جدول ۳)، لذا به نظر می‌آید این امر پدیده عمومی است و عامل «عدم رغبت» می‌تواند در آن مؤثر باشد، که برای کشور ما بسیار نامطلوب می‌باشد.

○ در مرحله اول این المپیاد در سال قبل ۳۷ درصد پذیرفته شدگان از سمپاد بوده‌اند (۳۸۴ نفر) ولی امسال این عدد با وجود افزایش به ۴۱۸ نفر از نظر درصدی به ۲۹ درصد کاهش یافته است. (جدول ۳)

جدول ۵- برگزیدگان سیزدهمین المپیاد فیزیک مرحله کشوری برای سال ۱۳۸۰

ردیف	نام و نام خانوادگی	دبیرستان	شهر - منطقه	حوزه
۱	مهرداد آقابزرگی صحاف بزدی	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۲	ایمان آگج	شهیدهاشمی نژاد	مشهد-۴	خراسان
۳	مهران اسلامی نیا	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۴	احسان باصفا	شهیدهاشمی نژاد	مشهد-۴	خراسان
۵	نجمه سادات بطحایی	فرزانگان	تهران-۶	شهر تهران
۶	سارا بهرامیان	فرزانگان	تهران-۶	شهر تهران
۷	فرهاد بیات	نمونه سبقیه	ملایر	همدان
۸	جواد تقی زاده فیروزجایی	فیروزجایی	بابل-بندی شرقی	مازندران
۹	حسین توحیدی	امام صادق	تهران-۲	شهر تهران
۱۰	مهدی جدلیها	شهیدبابایی	قزوین-۱	قزوین
۱۱	نوید چهررازی	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۱۲	حسین حمضی	علامه حلی	اراک-۲	مرکزی
۱۳	حسین خدیوی هریس	شهیدمدنی	تبریز-۱	آذربایجان شرقی
۱۴	سیمین خضرای	فرزانگان	کرج-۳	شهرستانهای تهران
۱۵	سعید دانشمند	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۱۶	علیرضا دستغیب	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۱۷	محمدحسین رحمتی	انژی انمی	تهران-۶	شهر تهران
۱۸	مهدی رسولی	شهیدقدوسی	قم	قم
۱۹	علیرضا رفیعی	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۲۰	صدرا ساده	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۲۱	مهدی سعیدی فر	امام خمینی	تهران	شهر تهران
۲۲	دانیال شاه زمانیان	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۲۳	سید پیمان شریعت پناه	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۲۴	سیدمحمد شفیق شیرین فر	شهیدآژه ای	اصفهان-۳	اصفهان
۲۵	جواد صامعی	انژی انمی	تهران-۶	شهر تهران
۲۶	آرش صبوری	شهیدهاشمی نژاد	مشهد-۴	خراسان
۲۷	جواد عبداللهی قلقاچی	شهیدبهشتی	ارومیه	آذربایجان غربی
۲۸	محمد عرف چینی	شهیدآژه ای	اصفهان-۳	اصفهان
۲۹	سهیل عظیمی	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۳۰	آرمین علافی	نمونه دولتی بقية الاعظم	گنبد	گلستان
۳۱	حامد علیخانی	شهیدبهشتی	ری-۲	شهرستانهای تهران
۳۲	علیرضا غفارخواه	توحیدشبانه روزی نمونه ۱	شیراز-۲	فارس
۳۳	علی فراهانچی	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۳۴	نویدرضا فروتنیان	شهیدآژه ای	اصفهان-۳	اصفهان
۳۵	حامد فرهادی	شهیدبهشتی	بیرجند	خراسان
۳۶	وحید کاظمی	شاهدیزد	یزد-۱	یزد
۳۷	کیوان کریمی دهکردی	شهیدبهشتی	شهرکرد-۲	چهارمحال بختیاری
۳۸	ایمان کمال زاده	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۳۹	ایمان لشگری	شهیدبابایی	قزوین-۱	قزوین
۴۰	سیدصفا متشرعی	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۴۱	محمد مروتی شریف آبادی	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۴۲	پیمان معماری نمین	رشد	تهران-۱۶	شهر تهران
۴۳	محسن ملکی گریک	امام خمینی	تهران-۱۶	شهر تهران
۴۴	علی وکیلی	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران

دانش آموز از مراکز «سمپاد» می باشد.

جدول ۶- برگزیدگان هجدهمین المپیاد ریاضی مرحله کشوری برای سال ۱۳۸۰

ردیف	نام و نام خانوادگی	دبیرستان	شهر - منطقه	حوزه
۱	امین رضا ابراهیمی صبا	شهیدهاشمی نژاد مشهد	مشهد- ۴	خراسان
۲	سیامک احمدپورترکمانی	امام خمینی	تهران- ۱۶	شهر تهران
۳	محمدکاظم انوری	آیت الله کاشانی	مشهد- ۵	خراسان
۴	آرش یهودی	کمال	تهران- ۸	شهر تهران
۵	مهدی بهزادی	شهیدبهشتی	ری - ۲	شهرستانهای تهران
۶	بهمن بهمنی	علامه حلی	تهران- ۱۱	شهر تهران
۷	محمود پری آذر	امام خمینی	تهران- ۱۶	شهر تهران
۸	علی اکبر پورپرورداری اسفندآبادی	امام جعفر صادق	تهران- ۹	شهر تهران
۹	محمد مهدی جانی	شهیدبهشتی	ری - ۲	شهرستانهای تهران
۱۰	امین جعفریان	شهیدبهشتی	شهرکرد- ۲	چهارمحال بختیاری
۱۱	سیدمحسن جمالی	شهیدبهشتی	ساری- ۱	مازندران
۱۲	میرامید حاجی میرصادقی	علامه حلی	تهران- ۱۱	شهر تهران
۱۳	ایمان حبیبی	احسان	شیراز- ۱	فارس
۱۴	بهار خادم حسینی	فرزادگان	تهران- ۶	شهر تهران
۱۵	مجید درویشان	شهیدسلطانی	کرج- ۳	شهرستانهای تهران
۱۶	وحید ریاضی	میرزا کوچک خان	رشت- ۱	گیلان
۱۷	محمد زاتری امیرانی	شهید اژه‌ای	اصفهان- ۳	اصفهان
۱۸	هادی زرکوب	شهید اژه‌ای	اصفهان- ۳	اصفهان
۱۹	وحید زمانی	شهیدرجایی	اسلامشهر- ۲	شهرستانهای تهران
۲۰	ایمان ستایش	علامه حلی	تهران- ۱۱	شهر تهران
۲۱	سیدحسام‌الدین سعیدی	شهیدصدوقی	یزد- ۲	یزد
۲۲	محمد شریفی	امام خمینی	تهران- ۱۶	شهر تهران
۲۳	هژیر شکری رزاقی	شهیدسلطانی	کرج- ۳	شهرستانهای تهران
۲۴	مرتضی عالمگیر	شهید اژه‌ای	اصفهان- ۳	اصفهان
۲۵	محمود عباسی	امام صادق	تهران- ۹	شهر تهران
۲۶	کوشیار عظیمیان	شهیدهاشمی نژاد	مشهد- ۴	خراسان
۲۷	احسان فخار ایزدی	شهیدهاشمی نژاد	مشهد- ۴	خراسان
۲۸	حمید فروغی	شهید صدوقی	یزد- ۲	یزد
۲۹	حسین کاهوکار طوسی	شهید هاشمی نژاد	مشهد- ۴	خراسان
۳۰	مصطفی کرمی	شهدای کارگر	ری - ۱	شهرستانهای تهران
۳۱	محمد محرمی	علامه حلی	تهران- ۱۱	شهر تهران
۳۲	سید حسن محسنی صالحی	روزبه	تهران- ۳	شهر تهران
۳۳	وحید محمدنیا	سعدی	تبریز- ۲	آذربایجان شرقی
۳۴	مهدی محمدی	شهیدبهشتی	ری - ۲	شهرستانهای تهران
۳۵	آرمین مرئی	علامه حلی	تهران- ۱۱	شهر تهران
۳۶	مصطفی مسگر مشهدی	شهیدبهشتی	ری - ۲	شهرستانهای تهران
۳۷	آیدین منظوری کریم‌آباد	دکتر مفتاح	تهران- ۱۱	شهر تهران
۳۸	محمدحسین موسوی	علامه حلی	تهران- ۱۱	شهر تهران
۳۹	سپیده‌سادات میررحیمی	فرزادگان	کرج- ۳	شهرستانهای تهران
۴۰	سیدعلی نظام‌الدینی	دانش	تهران- ۳	شهر تهران
۴۱	امید نقی‌زاده	علامه حلی	تهران- ۱۱	شهر تهران
۴۲	مرضیه وریشی	مجتهدامین	بروجن	چهارمحال بختیاری
۴۳	علی ولی زاده	ابوریحان	تهران- ۱۴	شهر تهران

دانش آموز از مراکز «سمپاد» می‌باشد.

○ در مرحله کشوری بجای ۴۶ نفر سال قبل، امسال در این المپیاد ۴۳ راه یافته مشاهده می شود که به نظر می آید مربوط به عدم حضور سال دومی ها می شود. (جدول ۶) همانطور که در این جدول مشاهده می شود از ۲۸ نفر سمپادی ۲ نفر دختر هستند و خارج از مراکز سمپاد تنها یک دختر قبول شده است. در مجموع در این مرحله سمپاد در مقایسه با سال قبل از ۳۱ پذیرفته شده امسال ۲۸ نفر قبولی داشته است ولی همانند سال قبل در بین کسب کنندگان طلای کشوری ریاضی فقط یک نفر غیر سمپادی دیده می شود. (جدول ۹) علامه حلی تهران ۳ نفر، شهید اژه ای اصفهان، شهید هاشمی نژاد مشهد، شهید بهشتی شهرری، شهید صدوقی یزد و شهید بهشتی شهرکرد هر مرکز یک نفر. بنابراین در نهایت همان درصد داوطلب و همان درصد طلای کشوری در دو سال برای المپیاد ریاضی سمپاد ثبت شده است.

□ کامپیوتر:

برخلاف ریاضی، داوطلبان کامپیوتر در این دوره بیش از سال قبل بودند و تعداد داوطلبان از ۱۴۶۶۷ نفر به ۱۷۹۰۳ نفر رسید که در هر دو جنس افزایش را نشان می دهد. (جدول ۳) بنظر می آید عامل اصلی سرمایه گذاری بیشتر آموزش و پرورش و مدارس غیرانتفاعی در این زمینه است. اما این رقم برای سمپاد برعکس می باشد به طوریکه در دوره قبل ۱۴/۶۲ درصد داوطلبان با ۲۱۴۴ نفر (۱۲۲۶ پسر و ۹۱۸ دختر) از سمپاد بوده اند و در این دوره ۱۰/۹ درصد داوطلبان سمپادی بوده اند (۱۹۵۲ نفر که ۱۲۰۸ پسر و ۷۴۴ نفر دختر بودند).

○ برگزیدگان دور اول این المپیاد در مجموع ۱۰۴۱ نفر بودند که ۵۱۵ نفر آنها را سمپادها تشکیل می دادند. از این تعداد ۳۲ نفر به مرحله کشوری راه یافتند که اسامی آنها و شهرهایشان در جدول ۷ آمده است که از این تعداد ۲۷ نفر به تعداد سال قبل سمپادی هستند (۲۶ پسر و ۱ دختر) منتها سال قبل، ۲۰ پسر و ۷ دختر به مرحله کشوری راه یافتند، که در اینجا نیز با کاهش حضور دختران روبرو می شویم.

○ بالاخره در این المپیاد ۷ نفر به کسب مدال طلا نایل شدند که یک نفر از آنها - سماء گلیائی - یکی از دو راه یافته دختر به مرحله کشوری از فرزندگان تهران بود، بقیه برندگان طلای کشوری کامپیوتر همه از «سمپاد» هستند علامه حلی تهران ۴ نفر، شهیدسلطانی کرج و شهید صدوقی یزد هر کدام ۱ نفر. (جدول ۹)

جدول ۷- برگزیدگان دهمین المپیاد کامپیوتر مرحله کشوری برای سال ۱۳۸۰

ردیف	نام و نام خانوادگی	دبیرستان	شهر - منطقه	حوزه
۱	هادی احمدی فولادی	شهید بهشتی	ساری	مازندران
۲	علی اخوان بی تقصیر	شهید اژه‌ای	اصفهان-۳	اصفهان
۳	آرش اسدپور رحیم آبادی	شهید بابایی	قزوین	قزوین
۴	بهنام اسفهد میرحسین زاده سرابی	شهید بهشتی	ساری	مازندران
۵	مهدی امانی	شهید بهشتی	بجنورد	خراسان
۶	سیاوش بن عباس	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۷	عباس ثروتی	شهید بهشتی	ری - ۲	شهرستانهای تهران
۸	ایمان حاجی رسولیها	شهید اژه‌ای	اصفهان - ۳	اصفهان
۹	مهران حیدرزاده	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۱۰	سید امیرعلی دانش	تدبیر	تهران-۳	شهر تهران
۱۱	محمد عرفان دانش جعفری	روزبه	تهران-۳	شهر تهران
۱۲	مجتبی شفقی	شهید بهشتی	ری - ۲۰	شهرستانهای تهران
۱۳	مهرزاد صمدی	شهید سلطانی	کرج-۳	شهرستانهای تهران
۱۴	محمد طوسی اردکانی	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۱۵	اسماعیل عصارنیا	شهید هاشمی نژاد	مشهد-۲	خراسان
۱۶	سعید علایی	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۱۷	مرتضی علمی عقدانی	شهید صدوقی	یزد-۲	یزد
۱۸	کاوه قاسملو	شهید بهشتی	ارومیه-۲	آذربایجان غربی
۱۹	محمد مهدی کرامتی تولایی	شهید هاشمی نژاد	مشهد-۲	خراسان
۲۰	کیوان کشکولی نژاد	شهید سلطانی	کرج-۳	شهرستانهای تهران
۲۱	روژین کنعانی	هدف	تهران-۱	شهر تهران
۲۲	سما گلپایانی	فرزادگان	تهران-۶	شهر تهران
۲۳	علی محمدزاده	شهید بهشتی	ری - ۲	شهرستانهای تهران
۲۴	مجتبی محمدی نصیری	شهید قدوسی	قم - ۱	قم
۲۵	سید احسان محمودی	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۲۶	فرید ملازم تبریزی	شهید بهشتی	قائم شهر	مازندران
۲۷	عبدالعلی مومنائی	علامه حلی	کرمان-۱	کرمان
۲۸	آرش مهابادیان	نور	تهران-۲	شهر تهران
۲۹	سیدرضا میرقادی	روزبه	تهران-۲	شهر تهران
۳۰	حمید ناظرزاده	شهید سلطانی	کرج-۳	شهرستانهای تهران
۳۱	بهروز نوری زاده	علامه حلی	تهران-۱۱	شهر تهران
۳۲	امیر هدایتی	شهید بهشتی	ارومیه	آذربایجان غربی

دانش آموز از مراکز «سمپاد» می باشد.

□ المپیاد زیست‌شناسی:

در این دوره تنها المپیادی که حدود پنجاه درصد افزایش داوطلب داشته است، المپیاد زیست‌شناسی می‌باشد. در این المپیاد در دوره قبل جمعاً ۱۰۴۴۵ نفر داوطلب حضور داشتند که امسال به ۱۵۴۷۴ نفر افزایش یافتند.

○ از این تعداد ۵۹۳ نفر به مرحله اول راه یافتند که ۲۴۱ نفر آنها سمپادی بودند، ۱۲۸ پسر و ۱۱۳ دختر. در مرحله دوم ۳۹ نفر به مرحله کشوری راه یافتند (۲۷ پسر و ۱۲ دختر در مقابل ۱۹ پسر و ۱۶ دختر سال قبل) از این عده ۲۶ نفر (۶۷، ۶۶ درصد) سمپادی بودند، ۱۸ پسر و ۸ دختر. سال قبل ۱۹ نفر از سمپاد در این المپیاد به مرحله کشوری راه یافتند. (جدول ۸)

○ و این بار «علامه‌حلی تهران» از ۶ طلای کشوری ۴ عدد را به خود اختصاص داد و یک طلا هم سهم فرزنانگان تهران شد و از شهرستانها فقط علامه‌حلی کرمان یک سهم را نصیب خود کرد. با این وضعیت - کسب ۱۶ طلای کشوری - تا سالهای سال کسی رکورد یک مرکز پسرانه را در آسیا در حد علامه‌حلی تهران نخواهد شکست. در ایران که جای خود دارد. در رده بعد فرزنانگان تهران و همدان، شهید بهشتی شهرری و شهید هاشمی‌نژاد مشهد هر کدام با دو طلای کشوری، ۸ طلا را بخود اختصاص دادند، علامه حلی کرمان، شهید صدوقی یزد، شهید سلطانی کرج، شهید اژه‌ای اصفهان و شهید بهشتی شهرکرد هم ۶ طلای دیگر را بدست آوردند و از مجموع ۳۵ طلای کشوری پنج طلا هم به مدارس امام خمینی، رشد و نمونه امام حسین (ع) از تهران، علوی از شیراز و آیت‌اله آملی از آمل رسید. (جدول ۹). سال قبل از ۳۶ طلای کشوری، ۹ نفر از دیگر مدارس و ۲۵ نفر سمپادی بودند (ر.ک. به جدول ۵ شماره ۳۳ مجله، صفحه ۸۱) و علامه حلی تهران هم ۷ مدال طلای کشوری داشت.

○ همانطور که در هر بخش اشاره شد نزدیک به ۷۸۰۰ داوطلب در مجموع در مقایسه با دوره قبل در این دوره کاهش داوطلب نشان داده می‌شود که اگر افزایش زیست و کامپیوتر را از آن کم کنیم در فیزیک و ریاضی جمعاً ۱۹۵۲۲ نفر نسبت به دوره قبل کاهش داوطلب داریم. (نمودار ۱)

جدول ۸- برگزیدگان سومین المپیاد زیست‌شناسی مرحله کشوری برای سال ۱۳۸۰

ردیف	نام و نام خانوادگی	دبیرستان	شهر - منطقه	حوزه
۱	شهاب ابطحی	علامه حلی	تهران - ۱۱	شهر تهران
۲	مریم اسکروچی	فرزانگان	شیراز - ۱	فارس
۳	امیر اسماعیل نیا	شهید بهشتی	بابل	مازندران
۴	الهام اسماعیلی شاندیز	فرزانگان	مشهد - ۴	خراسان
۵	ساسان امینی	علامه حلی	تهران - ۱۱	شهر تهران
۶	امین امینیان	دکتر حسابی	تهران - ۶	شهر تهران
۷	لیلا اوریادی زنجانی	فرزانگان	تهران - ۶	شهر تهران
۸	علی باقرپور	ملک‌نابت	یزد - ۱	یزد
۹	ستاره‌السنادات بنی حسینی	فرزانگان	تهران - ۶	شهر تهران
۱۰	نجمه پروین آبادی	نیکان	گرگان	گلستان
۱۱	حسام حسن‌زاده کاشانی	شهید اژه‌ای	اصفهان - ۳	اصفهان
۱۲	کسری حسنی	علامه حلی	تهران - ۱۱	شهر تهران
۱۳	بنت‌الهدی خلایقی	فضیلت	شمیران - ۱	شهر تهران
۱۴	سهیل خوشنویس	علامه حلی	همدان - ۱	همدان
۱۵	مسعود درویش زاده	علامه حلی	تهران - ۱۱	شهر تهران
۱۶	احمدعلی رجب‌پور	سهروردی	ساری - ۲	مازندران
۱۷	اسماعیل رحمانی	شهید هاشمی‌نژاد	مشهد	خراسان
۱۸	زیبا رهبر	فرزانگان	تهران - ۶	شهر تهران
۱۹	سهیل سیزواری	شهید بهشتی	سبزوار	خراسان
۲۰	پدرام شکوه	امام محمد باقر(ع)	اصفهان - جی	اصفهان
۲۱	حسین شمشیری	کوثر	تهران - ۶	شهر تهران
۲۲	زینا صادقی	فرزانگان	تهران - ۶	شهر تهران
۲۳	الهه طالبی خرمنی	فرزانگان	قم - ۱	قم
۲۴	علی طارسیان	کمال تهران - ۸	شهر تهران	
۲۵	سعید عارفیان	شهید صدوقی	یزد - ۲	یزد
۲۶	آزاده علمی	فرزانگان	تهران - ۶	شهر تهران
۲۷	مرتضی فاضلی نیاکی	دکتر معین	آمل	مازندران
۲۸	محمدهادی قریب	استرآبادی	گرگان - گرگان	گلستان
۲۹	محمدحسین کاظمی	شهید سلطانی	کرج - ۳	شهرستانهای تهران
۳۰	کیوان مرادی	علامه حلی	تهران - ۱۱	شهر تهران
۳۱	رضا معصومی	علامه حلی	کرمان - ناحیه	اکرمان
۳۲	محمد مهربان اشتهاردی	شهید سلطانی	کرج - ۳	شهرستانهای تهران
۳۳	زهره سادات میرشاکلی	معصومیه	قم - ۱	قم
۳۴	سید امین میرصادقی	علامه حلی	تهران - ۱۱	شهر تهران
۳۵	امیر ناظم	شهید هاشمی‌نژاد	مشهد	خراسان
۳۶	محمدحسین نبیان	علامه حلی	تهران - ۱۱	شهر تهران
۳۷	نادر نوشاد	شهید دستغیب	شیراز - ۲	فارس
۳۸	انوشیروان وکیلی	نمونه	سبزوار	خراسان
۳۹	مریم هوشمند عباسی	پرفسور حسابی	تهران - ۵	شهر تهران

دانش آموز از مراکز «سمپاد» می‌باشد.

جدول ۹- برندگان مدال طلای کشوری در پنج المپیاد برای سال ۱۳۸۰

ردیف	نام و نام خانوادگی	دبیرستان	شهر	استان	المپیاد
۱	شهاب ابطجی	علامه حلی	تهران	تهران	زیست شناسی
۲	ساسان امینی	علامه حلی	تهران	تهران	
۳	لیلا اوریادی زنجانی	فرزانگان	تهران	تهران	
۴	کسری حسینی	علامه حلی	تهران	تهران	
۵	رضا معصومی	علامه حلی	کرمان	کرمان	
۶	محمدحسین نبیان	علامه حلی	تهران	تهران	
۷	مهران حیدرزاده	علامه حلی	تهران	تهران	کامپیوتر
۸	محمد طوسی اردکان	علامه حلی	تهران	تهران	
۹	سعید علایی	علامه حلی	تهران	تهران	
۱۰	مرتضی علمی عقدانی	شهید صدوقی	یزد	یزد	
۱۱	محمدهادی فروغمند اعرابی	علامه حلی	تهران	تهران	
۱۲	سماء گلپایانی	فرزانگان	تهران	تهران	
۱۳	حمید ناظرزاده	شهیدسلطانی	کرج	شهرستانهای تهران	
۱۴	سیامک احمدپور ترکمانی	امام خمینی	تهران	تهران	ریاضی
۱۵	مهدی بهزادی	شهید بهشتی	ری	شهرستانهای تهران	
۱۶	امین جعفریان	شهید بهشتی	شهرکرد	چهارمحال بختیاری	
۱۷	میرامید حاجی میرصادقی	علامه حلی	تهران	تهران	
۱۸	محمد زائر امیرانی	شهید اژه‌ای	اصفهان	اصفهان	
۱۹	ایمان ستایش	علامه حلی	تهران	تهران	
۲۰	حمید فروغی	شهید صدوقی	یزد	یزد	
۲۱	محمد مهدی کرامتی تولایی	شهید هاشمی نژاد	مشهد	خراسان	
۲۲	سید محمدحسین موسوی	علامه حلی	تهران	تهران	
۲۳	ایمان آگنج	شهید هاشمی نژاد	مشهد	خراسان	
۲۴	سید پیمان شریعت پناهی	علامه حلی	تهران	تهران	فیزیک
۲۵	حامد علیخانی	شهید بهشتی	ری	شهرستانهای تهران	
۲۶	علی فراهانچی	علامه حلی	تهران	تهران	
۲۷	سیدصفا متشرعی	علامه حلی	تهران	تهران	
۲۸	پیمان معماری نمین	رشد	تهران	تهران	
۲۹	علی وکیلی	علامه حلی	تهران	تهران	
۳۰	سیدفخرالدین ترابی	علوی	شیراز	فارس	شیمی
۳۱	شادی رجبی	فرزانگان	همدان	همدان	
۳۲	محمد رضا صابری مقدم	آیت‌اله آملی	آمل	مازندران	
۳۳	سپهر فدایی	علامه حلی	تهران	تهران	
۳۴	مونا فلاح تفتی	فرزانگان	همدان	همدان	
۳۵	علی اصغر محمدی	نمونه امام حسین(ع)	تهران	تهران	

دانش آموز از مراکز سمپاد نمی‌باشد.

□ وضعیت دختران در این المپیادها

از بین ۵۶۷۲ داوطلب دختر در پنج المپیاد ریاضی، کامپیوتر، فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی برای مسابقات جهانی سال ۱۳۸۰، تعداد ۱۴۳۸ نفر در مرحله اول گزینش شدند که نسبت به کل راه یافتگان این مرحله (۴۲۸۲ نفر) حدود ۵۸ / ۳۳ درصد راه یافتگان را تشکیل می‌دادند. از این عده ۲۷ نفر به مرحله دوم و مرحله کشوری راه یافتند. (کل راه یافتگان به مرحله کشوری ۱۹۶ نفر بودند) که ۲۰ نفر آنها از سمپاد بودند. البته این ارقام جدا از ارقام مربوط به «المپیاد ادبی» است که تکلیف نهایی افراد آنها در شهریور ۱۳۷۹ مشخص گردید و برندگان طلای کشوری با خیال راحت در مهر سال ۱۳۸۰ بدون کنکور و بدون اضطراب رقابت ۶ ماهه نیمه دوم سال ۱۳۷۹ جهت مسابقات جهانی که بقیه المپیادها دست به گریبان آن هستند، به انتظار ورود به دانشگاه خواهند نشست.

نمودار ۱- مقایسه کاهش و افزایش تعداد داوطلبان در پنج المپیاد جهت سالهای ۷۹ و ۱۳۸۰ (منبع: باشگاه دانش پژوهان جوان)

○ همانطور که جدول ۱۰ نشان می‌دهد برای سال ۱۳۷۹ در مجموع ۶ دانش‌آموز دختر طلای کشوری را کسب نمودند که ۵ نفر از آنها سمپادی بودند. امسال مجموع دست یافتگان دختر به طلای کشوری چهار نفر هستند که هر چهار نفر سمپادی می‌باشند، ۲ نفر از فرزندانگان

تهران و ۲ نفر از فرزانشان همدان که آرزوی حضور آنها را در تیمهای ملی داریم.

جدول ۱۰- وضعیت کلیه داوطلبان و داوطلبان دختر به تفکیک المپیاد در مراحل اول، دوم، کشوری و تیم ملی

در مقایسه با «سمپاد» برای سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰

مرحله	المپیاد		ریاضی		کامپیوتر		شیمی		فیزیک		زیست‌شناسی		جمع	
	سال	کل	دختر	کل	دختر	کل	دختر	کل	دختر	کل	دختر	کل		
داوطلب	کل	۷۹	۵۱۳۰	۲۸۱۵	۱۴۹۱۷	۷۷۶۸	۱۱۲۰۴	۷۳۳۴	۱۳۶۳۶	۷۳۱۵	۱۰۴۴۵	۸۹۵۰	۱۰۱۳۳۲	۵۹۵۸۲
		۸۰	۳۶۳۸۵	۲۰۶۸۷	۱۷۹۰۳	۹۷۳۸	۱۱۶۷۰	۷۵۵۷	۱۰۶۱۸	۵۷۴۲	۱۵۴۷۴	۱۳۰۴۸	۹۲۰۵۰	۵۶۲۷۲
	سمپاد	۷۹	۲۹۲۵	۱۳۱۹	۲۱۴۹	۹۱۸	۹۵۴	۴۹۸	۱۰۶۰	۴۱۳	۵۴۳	۴۱۶	۷۶۴۶	۳۵۶۴
		۸۰	۲۰۳۶	۸۰۶	۱۹۵۲	۷۴۴	۸۸۱	۴۳۲	۹۰۹	۳۴۳	—	—	—	۵۷۷۸
مرحله اول	کل	۷۹	۱۰۳۴	۳۵۶	۹۹۲	۲۷۵	۶۵۲	۲۶۵	۸۹۵	۱۹۰	—	—	۳۵۷۳	۱۰۸۶
		۸۰	۱۴۴۵	۴۹۲	۱۰۴۱	۲۵۹	۴۴۶	۱۸۰	۷۵۷	۱۵۴	۵۹۳	۳۵۳	۴۲۸۲	۱۴۳۸
	سمپاد	۷۹	۳۸۴	۱۱۲	۵۶۲	۱۶۸	۲۹۶	۱۴۲	۳۶۳	۸۴	—	—	۱۶۰۵	۵۰۶
		۸۰	۴۱۸	۱۱۸	۵۱۵	۱۴۸	۲۱۲	۱۰۰	۳۱۲	۷۳	۲۴۱	۱۱۳	۱۷۰۳	۵۵۲
مرحله دوم	کل	۷۹	۴۶	۵	۳۱	۷	۴۲	۱۳	۴۶	۹	۳۵	۱۶	۲۰۰	۲۵
		۸۰	۴۳	۳	۳۲	۲	۳۸	۷	۴۴	۳	۳۹	۱۲	۱۹۶	۲۷
	سمپاد	۷۹	۳۰	۵	۲۷	۷	۲۸	۱۳	۳۴	۷	۲۰	۹	۱۳۹	۴۱
		۸۰	۲۸	۲	۲۷	۱	۲۲	۶	۳۳	۳	۲۶	۸	۱۳۶	۲۰
مرحله کشوری	کل	۷۹	۹	۲	۷	—	۶	۱	۷	۲	۶	۱	۳۵	۶
		۸۰	۹	—	۷	۱	۶	۲	۷	—	۶	۱	۳۵	۴
	سمپاد	۷۹	۸	۲	۵	—	۴	۱	۷	۲	۲	—	۲۶	۵
		۸۰	۸	—	۷	۱	۳	۲	۶	—	۶	۱	۳۰	۴

البته علاوه بر ۴ نفر فوق که در سه تیم حضور دارند طلای المپیاد «ادبی» فرزانشان تهران را هم باید اضافه نمود که سمپاد همانطور که در ابتدای مقاله آمد با ۱۳ داوطلب در این المپیاد حضور یافت، ۹ نفر آنها در مرحله اول پذیرفته شدند و از بین این ۹ نفر در مقایسه با ۷۶۲ راه یافته به مرحله دوم در مرحله طلای کشوری ۱ نفر از سمپاد موفق به کسب طلا گردید. اینجاست که دلهره عدم حضور سمپادها در این المپیاد مشهود می‌گردد. گرچه در کارزار دانش آنچه ارزش دارد «رقابت سالم» است، هرکس توانمندتر با ارزش‌تر، بخصوص اگر در تربیت او ارزشها حضور جدی داشته باشند. خواه «سمپادی» خواه «غیرسمپادی»، ایران اسلامی و موفقیت‌های جهانی او برای فرد فرد ما ارزشمند است و همه از یک خانواده هستیم.



رابطهٔ توکل به خدا و رهیافتهای مقابله‌ای دیگر با اضطراب و افسردگی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی*

(قسمت دوم)

طبقه‌بندی تعاریف توکل به خدا

با وجود اینکه طبقه‌بندی تعاریف در مقوله‌های کاملاً مستقل و مجزا، بدلیل وجوه اشتراک و جنبه‌های همپوش آنها دشوار است ولی می‌توان به یک تمایز نسبی در این خصوص دست یافت بنابر این می‌توان کلیه تعاریف را به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

الف- عده‌ای توکل به خدا را اعتماد به خداوند می‌دانند که سبب کاهش اضطراب در صورت عدم حضور اسباب ظاهری در رسیدن به هدف می‌شود.

ب- در برخی از تعاریف توکل به مفهوم سپردن امور به خداوند متعال و قطع امید کردن از دیگران آمده است.

ج- عده‌ای نیز توکل را به عنوان رابطه با خداوند تعریف می‌کنند.

* این مقاله توسط مجله استعدادهای درخشان از پایان‌نامه آقای میرمحمود میرنسب که به راهنمایی آقای دکتر باقر غباری بناب و مشاورت آقایان دکتر جوادزهی و دکتر مرتضی نصفت در تاریخ ۲۲ تیرماه ۱۳۷۹ در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران دفاع گردیده، اقتباس شده است.

نظریه اسناد عمومی

در انسان یک تمایل اساسی وجود دارد و آن نیاز به جستجوی توضیحات در باره آن چه برای خود و یا در محیط خارج روی می‌دهد می‌باشد. بدین ترتیب، در مواقعی که انسان با موقعیتی مواجه می‌شود، در صدد تبیین و توضیح علل رویداد برمی‌آید. این تمایل انسانی از زمانهای قدیم مورد توجه قرار گرفته است. بطوری که ارسطو «میل به دانستن» را مطرح می‌سازد و بسیاری از روان‌شناسان و فلاسفه به نیازهای انسانی مشابهی توجه می‌کنند. جان دیویی^۱ نیاز به دانستن را به عنوان «کاوش برای یقین»^۲ شرح می‌دهد. مزلو^۳ در سلسله مراتب نیازهای انسانی، نیاز به دانستن را بیان می‌کند. بنابر این، می‌توان نیاز به دانستن و اکتساب معنا را به عنوان تمایل جهانی در نظر گرفت. روان‌شناسان این تمایل انسانی را «اسناد» نام می‌نهند. نظریه اسناد جایگاه عمده‌ای در روان‌شناسی اجتماعی کسب کرده است و سپس به عنوان یک موضوع هماهنگ وارد روان‌شناسی مذهب شده است. (اسپیلکا و همکاران ۱۹۸۵)

ریشه‌های نظریه اسناد را می‌توان در کار هایدر^۴ یافت وی معتقد است که افراد از این لحاظ برانگیخته می‌شوند تا جهان خود را قابل پیش بینی و قابل کنترل ببینند، یعنی نیاز به فهم علیت دارند. سپس کلی^۵ آن را گسترش می‌دهد و نظریه اسنادی را که آشکارا تعریف می‌شود بیان می‌کند. هایدر منابع عملی بالقوه را به انواع «شخصی درونی»^۶ و «محیطی برونی»^۷ تقسیم می‌کند از نظر وی کار ادراک کننده آنست که تصمیم بگیرد آیا عمل معینی ناشی از چیزی در خود فرد است که آن عمل را انجام می‌دهد (توانایی، شانس، قصد) یا چیزی در خارج از وجود او می‌باشد (دشواری تکلیف و شانس و...) از نظر هایدر، فهم مجموعه عواملی که باید برای تعبیر و تفسیر رفتار شخص بکار روند جهان ادراک کننده را قابل پیش بینی تر می‌سازد و به او احساس کنترل بیشتری می‌دهد.

طرح پژوهش

طرح پژوهش، از نوع پس رویدادی (علی مقایسه‌ای - همبستگی) می‌باشد، در این طرح، متغیرها پس از وقوع مورد مطالعه قرار می‌گیرند این طرح به مواردی اشاره دارد که در آن علت از پیش رخ داده است و مطالعه آن در حال حاضر از طریق اثری که بر متغیر دیگر (که معلول خوانده می‌شود) گذارده و بر جای مانده است، امکان دارد در این تحقیق، «اضطراب» و «افسردگی» به

عنوان معلول می‌باشند و ما تأثیر «توکل» را روی آنها مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانش‌آموزان تیزهوش و عادی مقطع دبیرستان در شهر «تبریز» می‌باشند. نمونه پژوهش نیز، شامل ۲۴۰ نفر از دانش‌آموزان تیزهوش و عادی پسر و دختر بوده‌اند. بدین صورت که از جامعه آماری دانش‌آموزان تیزهوش ۱۲۰ نفر (۶۰ پسر و ۶۰ دختر) انتخاب و از جامعه آماری دانش‌آموزان عادی نیز به همان ترتیب ۱۲۰ نفر (۶۰ پسر و ۶۰ دختر) تعیین شدند.

روش نمونه‌گیری

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است. نحوه کار به این صورت بوده است که از کل مناطق آموزش و پرورش شهر تبریز (۵ منطقه) دو منطقه ۲ و ۳ به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس از هر منطقه دو مدرسه انتخاب گردید که در مدارس دخترانه ۶۰ آزمون و در مدارس پسرانه نیز ۶۰ آزمون اجرا گردید. در مدارس سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان، از دبیرستان پسرانه شهیدمدنی تبریز دو کلاس بصورت تصادفی انتخاب شد و هر کلاس ۳۰ نفر مورد آزمون واقع شدند از دبیرستان دخترانه فرزنانگان تبریز هم دو کلاس (۶۰ نفر) مورد آزمون قرار گرفتند.

ابزارهای پژوهش

۱- پرسشنامه راهیابی در حوادث و رخداد‌های زندگی

جهت بررسی متغیر مستقل (توکل به خدا) از «پرسشنامه راهیابی در حوادث و رخداد‌های زندگی» که توسط گروه پژوهش‌های روان‌شناسی مذهب دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران تهیه شده است استفاده گردید. پرسشنامه اصلی که توسط گروه پژوهش تهیه شده بود مشتمل بر ۱۰ موقعیت فرضی بود که در این تحقیق بدلیل حجم زیاد آزمون‌ها، دو موقعیت از آن حذف شد و بعلاوه تغییراتی جزئی در محتوای آزمون داده شد تا بتوان آن را برای گروه مورد نظر متناسب ساخت. هر موقعیت مفروض، به سه قسمت (الف، ب و ج)

تقسیم شد. بدین ترتیب، نخست یک موقعیت مفروض که تا حدی غیر قابل کنترل و از حیثه اختیار و توان فرد خارج بود ارائه می‌شد و بدنبال آن سه سؤال کلی مطرح می‌شد؛ در قسمت الف اقدام عملی فرد و در برخورد با آن موقعیت سؤال می‌شد و سپس سؤالات اقدام در قالب پنج مقوله (توکل به خدا، تفویض، خود، دیگران و طبیعت) مطرح می‌شدند، در قسمت ب از فرد سؤال می‌شد که وقوع آن رویداد یا حادثه را به چه عاملی نسبت می‌دهد و همان مقوله‌ها (توکل، تفویض، خود، دیگران و طبیعت) به عنوان الگوهای «اسنادی» فرد ارائه می‌شدند. در قسمت ج نیز حالت‌های «احساسی» فرد در مقابل رویداد یا موقعیت (اعم از حالات مثبت یا منفی) در قالب سه بُعد سؤال می‌شد که عبارت بودند از: «امیدواری در مقابل ناامیدی»، «آرامش در مقابل اضطراب» و «صبر در مقابل اعتراض».

۲- سیاهه افسردگی بک (BDI)

این پرسشنامه در سال ۱۹۶۱ توسط بک، وارد، مندلسن^۹، ماک^{۱۰} و ارباف^{۱۱} تهیه و در سال ۱۹۷۱ مورد تجدید نظر واقع شد و سپس در سال ۱۹۷۸ انتشار یافت. این پرسشنامه دارای دو فرم ۲۱ سؤالی و ۱۳ سؤالی است. شکل کوتاه آزمون بک این مزیت را دارد که اجرای آن بجای ده دقیقه، پنج دقیقه طول می‌کشد. انتخاب مواد در این آزمون نیز براساس تحلیل و ایازی است که میزان تراکم مواد را بدون از دست رفتن قابلیت اعتماد و درستی آزمون فراهم می‌سازد (پرون^{۱۲} و پرون، ۱۹۸۰، ترجمه منصور و دادستان، ۱۳۷۶).

آزمون بک برای سنجش شاخصهای وابسته به افسردگی، بصورت گسترده‌ای هم برای بیماران روانپزشکی و هم برای افسردگی افراد بهنجار بکار رفته است. شهرت این ابزار تا حدی است که در طول ۳۰ سال بعد از انتشار آن حدود ۱۰۰۰ پژوهش در مورد آن صورت گرفته است.

۳- پرسشنامه خودسنجی (پرسشنامه اضطراب اشپیلبرگر STAI-Y)

در این تحقیق «اضطراب»، متغیری است که به عنوان رگه یا صفت با استفاده از پرسشنامه اضطراب اشپیلبرگر سنجیده می‌شود. نخستین فرم این پرسشنامه در سال ۱۹۷۱ تهیه شد. این پرسشنامه به سنجش اضطراب آشکار و پنهان می‌پردازد. اضطراب آشکار و پنهان به عنوان سازه‌های قابل سنجش ابتدا توسط کاتل^{۱۳} مطرح شدند و سپس توسط اشپیلبرگر گسترش یافتند (مهرام، ۱۳۷۲).

نتایج حاصل از اجرای پرسشنامه راهیابی در حوادث و رخداد‌های زندگی

به منظور سنجش متغیر «توکل به خدا»، پرسشنامه راهیابی در حوادث و رخداد‌های زندگی روی ۲۴۰ نفر آزمودنی اجرا شد و میانگین و انحراف معیار از مودنی‌ها برای هر یک از محورهای بُعد «اقدام» و «اسناد» و حالات بدست آمد. در این پرسشنامه توکل به خدا یک خرده مقیاس می‌باشد.

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمرات را برای هر یک از محورهای «اقدام»، «اسناد» و «حالات» در دانش‌آموزان «تیزهوش» و «عادی» نشان می‌دهند.

بطوریکه ملاحظه می‌شود در دانش‌آموزان تیزهوش «اقدام شخصی» دارای بالاترین میانگین ($M=36/86$) می‌باشد و سپس «اقدام توکلی» ($M=35/03$) قرار دارد و «اقدام طبیعی» پایین‌ترین میانگین ($M=24/65$) را دارد. در بعد «اسناد» برای دانش‌آموزان تیزهوش اسناد توکلی ($30/70$) و اسناد تفویضی ($30/70$) (اسنادهای مذهبی‌گرا) در مقایسه با اسناد شخصی، اجتماعی و طبیعی (اسنادهای غیر مذهبی‌گرا) میانگین بالاتری دارند.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار محورهای «اقدامی»، «اسنادی» و «حالاتی» به تفکیک دانش‌آموز «تیزهوش و عادی»

شاخصها محورها	ابعاد	دانش‌آموزان تیزهوش		دانش‌آموزان عادی	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
شخصی	اقدام	۳۶/۸۶	۲/۴۸	۳۶/۹۳	۲/۶۴
	اسناد	۲۵/۹۸	۳/۶۱	۲۷/۳۶	۴/۰۳
اجتماعی	اقدام	۳۱/۷۵	۳/۵۱	۳۳/۱۵	۳/۵۱
	اسناد	۲۸/۲۲	۴/۲۵	۲۸/۹۸	۴/۶۴
طبیعی	اقدام	۲۴/۶۵	۵/۶۳	۲۶/۸۴	۵/۴۴
	اسناد	۲۸/۳۴	۳/۴۵	۲۹/۸۹	۳/۸۵
تفویضی	اقدام	۲۵/۸۴	۵/۹۷	۳۱/۴۴	۵/۲۷
	اسناد	۳۰/۷۰	۶/۰۷	۳۲/۶۶	۵/۰۲
توکلی	اقدام	۳۵/۰۳	۴/۰۳	۳۶/۵۸	۲/۱۷
	اسناد	۳۰/۶۵	۴/۶۲	۳۳/۴۵	۲/۵۳
امیدواری \neq ناامیدی	حالات	۳۱/۶۱	۶/۵۰	۳۱/۳۲	۶/۲۳
آرامش \neq اضطراب	حالات	۲۲/۴۲	۷/۰۲	۲۴/۱۸	۷/۱۹
صبر و تحمل \neq اعتراض و عصیان	حالات	۲۷/۵۹	۶/۵۰	۲۹/۳۱	۶/۵۰

در دانش آموزان عادی، محور اقدام شخصی (۳۶/۹۳) میانگین بالاتری از سایر محورها دارد و پس از آن اقدام توکلی (۳۶/۵۸) می باشد و اقدام طبیعتی (۲۶/۸۴) دارای پایین ترین میانگین می باشد. در دانش آموزان عادی نیز اسنادهای مذهبی گرا (توکلی ۳۳/۴۵ و تفویضی ۳۲/۶۶) در مقایسه با اسنادهای غیر مذهبی گرا (شخصی ۲۷/۳۶ اسناد اجتماعی ۲۸/۹۸ و اسناد طبیعتی ۲۹/۸۹) میانگین بالاتری دارند. میانگین محورهای بُعد اقدام و اسناد در دانش آموزان عادی، در کل بالاتر از دانش آموزان تیزهوش می باشند. فاصله بین اقدام و اسناد شخصی در دانش آموزان عادی و تیزهوش، از محورهای اقدامی و اسنادی دیگر بیشتر است.

جدول ۲ نتایج محاسبه میانگین و انحراف معیار را برای محورهای ابعاد «اقدام»، «اسناد» و «حالات» در دانش آموزان پسر و دختر «تیزهوش» ارائه می دهد. در دانش آموزان پسر تیزهوش، اقدام شخصی (۳۶/۷۲) بالاترین میانگین را دارد و پس از آن اقدام توکلی (۳۴/۳۵) قرار دارد و محور اقدام طبیعتی (۲۴/۰۷) پایین ترین میانگین را برای پسران تیزهوش دارد. در بُعد «اسناد» برای دانش آموزان پسر تیزهوش، محور اسناد توکلی (۳۱/۵۳) بیشترین میانگین را دارد و سپس اسناد تفویضی (۲۹/۷۹) می باشد و اسناد شخصی (۲۶) دارای کمترین میانگین می باشد.

در دانش آموزان دختر تیزهوش، محور اقدام شخصی بالاترین میانگین (۳۷) را دارد و محور، اقدام توکلی (۳۵/۶۲) و اقدام طبیعتی (۲۵/۲۲) دارای پایین ترین میانگین هست. در بعد اسنادی برای دانش آموزان دختر تیزهوش، اسناد تفویضی (۳۱/۶۲) و سپس اسناد توکلی (۲۹/۷۹) میانگین بالاتری دارند و پایین ترین میانگین به اسناد شخصی (۲۵/۹۷) تعلق دارد.

جدول ۲ همچنین نشان می دهد که در محورهای شخصی، اجتماعی و توکلی میانگین «اقدام» از اسناد بالاتر است ولی در محورهای طبیعتی و تفویضی، میانگین «اسناد» بیشتر از اقدام می باشد. و این امر بیانگر آن است که دانش آموزان تیزهوش موقع مواجهه با موقعیت، بیشتر بصورت فعال وارد عمل می شوند ولی در «اسناد» آن، اغلب به اسنادهای منفعلانه روی می آورند. همچنین در دانش آموزان دختر و پسر تیزهوش، اسنادهای مذهبی گرا (توکلی و تفویضی) در مقایسه با اسنادهای غیرمذهبی گرا (شخصی، اجتماعی و طبیعتی) میانگین بالاتری دارند.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار محورهای اقدامی، اسنادی و حالاتی در دانش‌آموزان تیزهوش به تفکیک جنسیت

شاخصها محورها	ابعاد	دانش‌آموزان تیزهوش		دانش‌آموزان عادی	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
شخصی	اقدام	۳۶/۷۲	۲/۸۰	۳۷/۰۰	۲/۱۴
	اسناد	۲۶/۰۰	۳/۳۸	۲۵/۹۷	۳/۸۴
اجتماعی	اقدام	۳۱/۴۸	۳/۱۹	۳۲/۰۲	۳/۸۲
	اسناد	۲۸/۹۸	۴/۰۰	۲۷/۴۸	۴/۳۸
طبیعی	اقدام	۲۴/۰۷	۵/۹۲	۲۵/۲۲	۵/۳۲
	اسناد	۲۸/۶۵	۳/۷۸	۲۸/۰۳	۳/۰۸
تفویضی	اقدام	۲۴/۷۴	۷/۱۸	۲۶/۹۳	۴/۲۲
	اسناد	۲۹/۷۵	۷/۱۸	۳۱/۶۲	۴/۶۰
توکل	اقدام	۳۴/۳۵	۵/۲۳	۳۵/۶۲	۲/۲۰
	اسناد	۳۱/۵۳	۵/۲۷	۲۹/۷۹	۳/۷۴
امیدواری \neq ناامیدی	حالات	۳۱/۹۸	۵/۴۷	۳۱/۲۴	۷/۴۰
آرامش \neq اضطراب	حالات	۲۳/۴۹	۶/۳۱	۲۱/۳۸	۷/۵۴
صبر و تحمل \neq اعتراض و عصیان	حالات	۲۸/۱۸	۶/۴۲	۲۷/۰۲	۶/۵۸

نتایج حاصل از اجرای سیاهه افسردگی بک و پرسشنامه رگه اضطراب اسپیلبرگر علاوه بر اجرای پرسشنامه راهیابی در حوادث و رخدادهای زندگی، سیاهه افسردگی بک (فرم ۱۳ ماده‌ای) و پرسشنامه رگه اضطراب اسپیلبرگر برای ۲۴۰ آزمودنی اجرا شد. جدول ۳ میانگین و انحراف معیار نمرات را در آزمون افسردگی بک به تفکیک جنسیت و نوع دانش‌آموز (تیزهوش و عادی) نشان می‌دهد. چنانچه در این جدول می‌بینیم میانگین دانش‌آموزان دختر تیزهوش در سیاهه افسردگی بک از دانش‌آموزان پسر تیزهوش بیشتر است. همچنین در دانش‌آموزان عادی نیز میانگین افسردگی دختران از پسران بیشتر است. مقایسه دانش‌آموزان پسر و دختر عادی و تیزهوش، نشان می‌دهد که بین میانگین افسردگی پسران تیزهوش و عادی تفاوت چندانی وجود ندارد ولی در مورد دختران می‌توان گفت که در دانش‌آموزان دختر عادی، میانگین افسردگی از دانش‌آموزان دختر تیزهوش بیشتر است.

جدول ۳- میانگین و انحراف معیار آزمون افسردگی به تفکیک جنسیت و نوع دانش آموز

جنسیت	نوع دانش آموز		دانش آموزان تیزهوش		دانش آموزان عادی	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
دانش آموزان پسر	۴/۹۴۹۲	۴/۳۲۸۸	۵/۹۵۰۰	۵/۴۳۸۲		
دانش آموزان دختر	۵/۲۳۷۳	۶/۱۵۱۳	۸/۵۲۴۵	۶/۶۷۶۰		
جمع کل	۵/۰۹۳۲	۵/۲۹۷۹	۷/۲۲۰۳	۶/۱۸۹۵		

بحث

هدف عمده این تحقیق، بررسی رابطه بین «توکل به خدا» با «اضطراب» و «افسردگی» در دانش آموزان «تیزهوش» و «عادی» بود. که در این تحقیق، رابطه معنی داری بین توکل به خدا با اضطراب و افسردگی در سطح دانش آموزان تیزهوش و عادی و دختر و پسر بدست نیامد، ولی به نظر می رسد که این نتیجه نمی تواند بر عدم وجود رابطه معنی دار بین توکل به خدا با اضطراب و افسردگی در گروههای دیگر از جمله دانشجویان دلالت کند.

اینکه چرا رابطه معنی داری بین توکل با اضطراب و افسردگی در سطح دانش آموزان بدست نیامد، دلایل متعددی می تواند داشته باشد که ما به برخی از مهمترین آنها می پردازیم:

۱- به نظر می رسد که مفهوم «توکل به خدا» به عنوان یک موضوع انتزاعی سطح بالا، مستلزم پی ریزی شناختی قویتری باشد، و برای رسیدن به آن، سطح رشد بهینه ای لازم است که از آن سطح به بعد، مفهوم توکل به خدا بسشتر مطرح می شود. بنابراین، می توان گفت احتمالاً دانش آموزان به آن سطح از رشد تفکر انتزاعی نرسیده اند که بتوانند مفهومی واقعی از توکل به خدا را به صورت یک «رهیافت مقابله ای» منعکس کنند.

۲- حتی اگر بپذیریم که افراد توکل به خدا را به عنوان یک «رهیافت مقابله ای» در موقعیتهای بحرانی زندگی مد نظر قرار می دهند با این وجود، «برداشت» آنان از توکل به خدا با همدیگر متفاوت می نماید.

۳- نکته اساسی دیگر در مورد یافته های تحقیق، آن است که انتخاب محورها در پرسشنامه راهیابی از میان مجموعه ای از موقعیتهای مفروض صورت گرفته است. روشن است که گزینش محوره های واکنش افراد در موقعیتهای مفروض با پاسخ آنان به موقعیتهای واقعی چندان تطبیق نمی کند. به عبارت دیگر، فردی ممکن است در موقعیتهای مفروض پاسخی را ارائه دهد که با

پاسخ او در موقعیتهای واقعی (که در آن کنشهای شناختی فرد تغییر می‌یابند) فاصله زیادی داشته باشد. مثلاً یک آزمودنی ممکن است در موقعیت مفروض، اسنادهای غیرمذهبی (طبیعتی، اجتماعی و شخصی) را بیشتر انتخاب کند اما، همین فرد، وقتی در موقعیتهای واقعی خطرناک قرارگیرد راهی جز توسل به اسنادهای مذهبی‌گرا (به خصوص اسناد به خدا) اختیار نکند. ولی چاره‌ای جز ارائه موقعیتهای مفروض نیست زیرا روند آزمون‌سازی کنونی ایجاب می‌کند که از چنین موقعیتهایی استفاده شود. طرح موقعیتهای واقعی و فراهم ساختن زمینه پاسخ آن به سادگی مقدور نمی‌باشد.

۴- نکته دیگر در مورد یافته‌های تحقیق آن است که هرچند ما معتقدیم «توکل به خدا»، «اضطراب» و «افسردگی» را کاهش می‌دهد ولی در مواردی نیز، «اضطراب بالا» و «افسردگی موجب می‌شوند تا فرد به خدا توکل کند. به عبارت بهتر، اضطراب و افسردگی فی‌نفسه باعث می‌شوند تا فرد از توکل به خدا به عنوان یک رهیافت مقابله مذهبی بیشتر استفاده کند.

۵- دلیل دیگری که می‌توان مطرح کرد آن است که «توکل به خدا» به عنوان «رهیافت مقابله مذهبی موثر»، با اعتقادات مذهبی نیز کمتر استفاده می‌کنند لذا اضطراب و افسردگی آنان همواره بیشتر خواهد بود.

علاوه بر دلایلی که مطرح کردیم، می‌توانیم یافته‌های این پژوهش را با نتایج پژوهشهای خارجی مقایسه کنیم؛ در این زمینه بیشتر به مقایسه نتایج پژوهشها در قلمرو نقش اسنادهای مذهبی و مقابله مذهبی بر سلامت روانی انسان می‌پردازیم.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در دانش آموزان «تیزهوش» اقدام شخصی و اقدام توکلی به ترتیب از سایر محورهای اقدامی بالاتر هستند و در دانش آموزان «عادی» اقدام توکلی بیشتر است. در بُعد اسنادی، اسنادهای مذهبی‌گرا (توکل به خدا و تفویض) به صورت معنی‌داری از محورهای اسنادی غیر مذهبی‌گرا (شخصی، اجتماعی، طبیعتی) میانگین بالاتری دارند. این بیان، تا حدی «فرضیه خدای خلاءها» را تأیید می‌کند، یعنی شرایط و موقعیتهایی که در این تحقیق ارائه شده است افراد را به سمت انتخاب اسنادهای مذهبی سوق می‌دهند. از میان عواملی که در شیوع بالای اسنادهای مذهبی نقش داشته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الف) موقعیتهایی که در این تحقیق ارائه شده‌اند از لحاظ توانایی آزمودنی غیرقابل کنترل بوده‌اند به عبارت بهتر، وقایعی که ارائه شدند «رویداد» بودند.

ب) موقعیتهای ارائه شده، تغییر دهنده زندگی بودند و احتمالاً این امر در افزایش اسنادهای مذهبی نقش عمده‌ای داشته است. این نتیجه که اسنادهای مذهبی در رویدادها و نیز در وقایع تغییر دهنده زندگی بیشتر مطرح می‌شوند.

○ ○ ○

یادداشت‌ها:

- | | |
|---------------|------------------------|
| 1- Dewey, J. | 2- Quest for certainty |
| 3- Maslow, A. | 4- Heider |
| 5- Kelley | 6- Internal |
| 7- External | 8- Ward |
| 9- Mendelson | 10- Mock |
| 11- Erbaugh | 12- Perron |
| 13-Cattell | |

منابع قسمت اول و دوم :

- پرون و پرون. (۱۳۷۶). روان‌شناسی بالینی. آزمایش بالینی و فرایند تشخیص، ترجمه محمود منصور و پریخ دادستان. تهران: بعثت.
- پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۷۳). فرهنگ جامع روانشناسی، روانپزشکی و زمینه‌های وابسته، تهران: آگاه.
- دادستان، پریخ. (۱۳۷۶). روان‌شناسی مرضی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) صدر حاج سیدجوادی، احمد و همکاران (۱۳۶۶). دایرةالمعارف تشیع. تهران: بنیاد اسلامی.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن (۱۳۵۹). تفسیر مجمع‌البیان. ترجمه حسن نوری و محمدمفتح. تهران: فراهانی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۶۰). اخلاق ناصری. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران خوارزمی.
- غباری، باقر (۱۳۷۷). توکل به خدا. فصلنامه قیسات. سال سوم. شماره دوم و سوم.
- غزالی، محمدبن محمد. (۱۳۶۶). کیمیای سعادت (به کوشش حسن خدیوچم) تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۷۴). بررسی تحولی تصور از خود، حرمت خود، اضطراب و افسردگی در نوجوانان تیزهوش و عادی. رساله دکتری چاپ نشده. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- کاظمی حقیقی، ناصرالدین (۱۳۷۷). خودباوری و سازگاری تیزهوش، مجله استعداد‌های درخشان. سال هفتم. شماره ۲.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۰)، بیست گفتار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

منصور، محمود (۱۳۶۵). لغتنامه روان‌شناسی. تهران: ژرف.
مهرام، بهروز (۱۳۷۲). پژوهش‌های تجربی آزمون اضطراب اسپیلبرگر در شهر مشهد، دانشگاه فردوسی، مشهد.
نجاتی، محمد عثمان. (۱۳۶۷). قرآن و روان‌شناسی. ترجمه عباس عرب. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۶۲). معراج السعاده. تهران: رشیدی.
یزدی، ابراهیم (۱۳۷۵). بیماری‌های قلب آدمی. (ضمیمه کتاب خدا در ناخودآگاه) تهران: رشد

- Bjork, J. P., Lee, Y. S. & Cohen, L. H. (1997). Control beliefs and faith as stress. Moderators for Korean American vs Caucasian American Protestants. *American Journal of Community Psychology*, 25 (1), 61-62.
- Gross, M. (1993). *Exceptionally gifted children*. London New York.
- Lummark, S. (1988). *Gifted population and adjustment: A literature review of gifted and conduct. Family adjustment, emotional function, social functioning and perceived competence*. Doctoral research paper in psychology. Biola University. U. S. A.. California.
- Lupfer, M. B., Tolliver, I. & Jackson, M. (1996). Explaining life-altering occurrences. A test of the "God of the Gaps hypothesis". *Journal for the Scientific Study of Religion*, 35(4). P. 379-85.
- Robinson, E. A. (1996). Causal attribution about mental illness: Relationship to family functioning, *American Journal of Orthopsychiatry*, 66(2). P. 282-95.
- Spilka, B., Hood, R, Gorsuch, R. (1985). *The psychology of religion: An empirical approach*. NJ: Prentice- Hall.



خلاقیت: جنبه‌های شناختی، شخصی، تحویلی و اجتماعی

دین کیت سیمونتین ## / ترجمه دکتر حسین شکرکن

چکیده:

ی μ°sQ, kCkjoY³, ÀÇ pAQM S ¼ÀÇ ¼k¼kQ³QPnB¼vM-BwBZ²Fn³ ¼AB¼M
³M±i .¼i nj 'jn±¼¼³ ¼ABU, S-B¼x oTv f S ow³M-C | ±~i nj »Ti BZ²Fn
E±f±« -¼³Y j oY³ À A, 195á ±Bw nj B ¼C »wBZ²Fn -a\AS wB¼ pAeA³BC¼
³Y ¼ »Tez¼Q³S« -¼/jn¼ » « S-B¼j ³Y S wA°q¼ -C pA°oTz¼¼¼³] ±UnA¼w
S ¼Ai °-S´] nj ,³¼p -¼nj x ÀU° ¼Mjn±¼¼ S w¼i nj -Bp pA, -BwBZ²Fn
:S wA²j¼ °°n³¼] nB¼a nj »zμ°sQ S -oz¼Q/k¼¼ »¼°oç pEMk²jn°C ¥ª³M
o¼B¼Q° ±±dQ, ~ÀÇ ¼jC q¼B¼ °B¼s¼, ~Ài ¥ª nj o¼nj »Ti B¼ °¼k¼-
³ ¼BM~ Ài S ¼B -³M¼M¼ G¼¼¼ » B²T] A°B¼¼¼° j o-»fk¼ ±±¼ nj S ¼Ai
³±Ca³Y¼k¼¼ »¼y¼pAy¼M-BwBZ²Fn ¼¼k¼k¼ gw¼¼M±¼¼ »ª¼°B¼zwoQ
/k¼¼¼ » S wj °¼°²s¼¼ »BvA.¼¼M¼¼¼¼-¼¼M¼¼A

○ ○ ○

(2°1°¼²nB³{, °¼¼¼Bv, ±w¼n°j) pA¼A-¼ªa k¼¼{²Bcz¼¼¼ »wBZ²Fn° »T¼U¼±¼ >¼¼¼#

Simonton, D. K. (2000). Creativity: Cognitive, Personal, Developmental and Social Aspects. *American Psychologist*, 55(January)

/k/ > > < nB^C^l 3M-Bv^A^o B^T^B --- 1/6 1/4 1/6 -^o -1/6 T^a^' < 1/0 < p nj ^ S 1/4 Ai > , k 1/2 o U > M
 EAkM^+~d < 3Y^S wA > Te^h 1/4 v^w^o o^c^h^o 31^MA^o J BwA, -B^1/k pA^+1^a < B1^2 nA^o B1^3 Bi
 EQP^C^Y > > < B^C^Q^i , k^Q^i > < 1/0 fow h j^+i B1^3 < Bp^n > > uB -K^S^f < B^M^j^o < /k^B^v^A^n^B^T^M^o
 B^a^Q^w^3^Q^M^k^o^M^C^ < -B^C^w^A^ J B^C^Y^j^+i B^M^k^o^n > < B^h^j nB^Y^3^M^B^k^Q^i > < R^o^B^v^ < B^1^Q^+^u
 h -+1/4 1/2 U > B^E^p^B^M^P^B^ < B^Q^o B1^3 < B^o^M^k^Q^i B^C^B^U^h^2^+ { B^M^P^B1^o^1/4 -1/6 i C B^U^k^o^n > <
 o B1^2 j^n Co-3^Y^k^Q^i > < -k^h^j > < B1^2 p^+ < pA, k^p^A^o^Q > < o^L^+^B^B^Y^o^B^1/4 B^P^M^k^Q^i > < B^C^B^U
 o B1^k^ < B^Q^o^M^A^o > > < f n^+1^ 3M^1/4 B^Q^A/k^n^A^nf > < y B^3^M^h B^k^a^U^o B^C^Q^o-^o^Q^i
 3^Y^ > < B^1/4 k^+Q^A, k^+ > < < j n^A B^C^3^M^j^o < 3^Y^ > < B^B^T^i Bw /k^Q^j > < > < u^A^f ~ Ai -u^l
 -C^A^p^A^h^o-^2^h B^Q^i/k^Q^i v^u S 1/4 Ai pA > < B1^3^+^a > < c^a^u , k^Q^+^Q > < 3^Y^ > < B^w^B^S^, k^Q^h > <
 k^1/4 M^h { q^1/2 B^E^-C > < Te^o^1/4 A^nf^k^o M^1/4 C^Q^T^ma 3^M^P^o^M^A^B^Y^3^Y^S^wA-1^A^2^k^1/4 Q
 -B^a^w^3^M^Te B^1/2 j^n B^1/4 j B^1/2 M^h o { S^M^1/4 > < Te, k^R^o-^3^ < < q^p^h > < C^Q^C^3^Y^k^ { B^M^k^ < A^ <
 o^h^M^S^1/4 Ai -T^h^j , 3^Y^S^v^1/4 > < T^c^ { o^B] /k^Q^M^h -C^k^1/4 w^j n B^1/2 > < B^1^Q^+^u^h^B^j^o^C^Q^i
 o B1^2 r^o^Q^nj B^U^k^h^j nB^S^T^A^j^+i -A^+ < C^y^h^j pA-B^1^ < /j^+ > < > < s^i^U^+ 1/4 > < T~i^j^o <
 o^h^j o^B^T^i^o { nj > < h^j A-1/4 k^ < /k^Q^j -B^Z^-S^1/4 Ai^o^nk^j^+i > < wnj o B1^3 S^E^o > > < a^i
 o^k^p^B^U^o B1^2 j^n Co-B^U^k^h^j nB^S^T^A^j^+i 3 w^+U^o T^M^1/4 d^U^o B1^k^e^A^ pA^3^T^e^z^1^Q^o r^+S^+^o U
 -C^x^o^C^o^h^M^Q^i^o B1^j^o^1/4 h B^U^k^h^j > +U^j^+i > < B^h^j B^M^P^B1^k^e^A^ pA^o^k^Q^i C^e^h^i^A
 > < p^l S < A^w^pA > < B^Z^-A^E^o^3^M^k^! < A-S^1/4 Ai > , oU > ~h^ { > < d^f^w^nj /k^Q^1/4 k^Q^i^j^n Co-
 pA^3^Y^S^wA^2^k^C^k^1/4 Q > < B^E^1/4^+^o^o^Q^i o^B^B^nj C^E^A^A, >^A^ nj /j^+ > < > < s^i^U > -+B^o
 , 3 A^Q^i /k^C^k^k^C^l k^C^l n^o > < C^A^n o^B^E^p^B^w^j^+L^Q^M^k^l > < > , >^o^nj S^1/4 Ai p^h^M^m^c^m^u
 -C^S^+B^w^3^M^o^z^M^h^o^A^3^Y^k^1/4 nB^A^ { 3^M^s^1/2 nB^1/4 M^P^B^ {^o^n -C^1/0 < p nj k^A^U > < S^1/4 Ai
 /k^h^j p^h^M^h^j^+i 3^Q^4^M^y^Q^i^k^A^U > <
 C^+f^+ < 1/2 A^E^o^3^M^h -C^R^nk^-3^M^B^w^B^Z^A^n , S^1/4 Ai o^1/4 h^o-^o^ < < S^1/4 B^o^h^o^n^3^M
 .^a^Q^i -B^C^k^ pA, A^X^k^ / (1996 , R^n^B^M^S^o^r^o^L^o^T^C^A^k^C^A^T^e^C^o^S^C^nj^2^k^a^C > > z^u^s^Q^Q
 , 1956 < Bw pA^3^T^v^] o^M^a^i R^B^k^i o^h^M^B^1/6 < C > < w^B^Z^A^n -^a^ \ A^2^q^1/4 B] -B^E^k^Q^i S^B^h^j
 . S^f^C^3^M^k^k^p^u^h^B^i pA^o^k^k^a^ y^h^M^o^ >^o^h^M^A^U > < , j n^+1/4 > < > 1/2 o^- 1/2^M^B^Q^i
 C^+f^+ < 3^Q^4^A^ nB^h^T^A-1^A-B^E^k^Q^i S^B^h^j o^c^h^j , H^A^f^ < /j^h^j p^B^T^A^S^1/4 Ai > > < T^i B^Z^A^n

√«B{-BC ° Bμ³±a-/kKjoY³]±Uj±i »| ARB½dUpA» o-» zhMRn± ³MS ¼Ai
 , ^°oQM°o] , °Q4 wA" A»M'po] A nBñ , °o'Y BC-S -±`aμ »U'B-Tk ° BμS ¼-h{
 j±} ° BMkQBM «`kQY « />wk½½ ° , "YFÿ/>UkS°j , °-aBwARoMμ , °-oMPAa¼A
 nj °μ ° »|Yñ±† ³M»wBZ'An °| nj °μ -Bqªμ jn±-¼ B'Q³Y S -f -A-TMk½| , -¼A
 , »TWA ³QMS wA²j±Mñn±i oM» ÇTv] oM PAS ¼Ai y μ°sQ²s½ ° oU~hU°oª|
 , B ¼C »wBZ'An -a`-³MJ Bti , 195á »Bwnj j±i S wBñ ¼AY. Mfi nj jn±-¼
 , jn±-¼) j±{ °mLk °oTZM] ±U-S ¼AÇi >³M»Ti BZ'An R½dUnj ³YjoY BfBSU
 y μ°sQ° , kjA S Lk gwBQSWA±i nj -¼³M-BwBZ'An pA°nBwM³BhL±i /(195á
 pAu Q, -C oM°qA/k½of B± { H>A 197á³μj YFA° 196á³μj °B'Swnj S ¼Ai
 ²k½Q-¼³Mk\« °A>A -BwBZ'An , oTZMªY B/²μj ¼Rk«³M°o~Th«-± w
 -Ç ¼S, S v¼ y μ°sQ»| A-B½] ¼E±f±« S ¼Ai °μ p±Q³ QABMK'KjoY pAM
 A °nBwMKSt«y A -¼/kñA Si BQ y QpAoTZMª ¼ -C InBmj -BwBZ'An Q
 nj /j pBw»« À«oM-Bv'A. QMy Q pA²s½ Y { -¼° Bk«BQ° Bμ³TvLªμ , BkQZQInBmj
 kKk{ nBQ° ²joTvf -Bª Bμ³T± -¼³YkKk{ nBQ° ²joTvf -Bª Bμ³T± -¼A , >A
 /k{BwC³Tv] oM, ±ti pA" o °oçpBM ¼pAy ¼Pq¼a kA±U» a-³S« -¼³Y

دیدگاه کلی

√«B{-A »wBZ'An » oç-° Bμ³T{n pA³Tvμ -¼Q S ¼Ai >³M, ±M« ° Bμ³T±
 :S wA-BZ'An pnMP±d-³M½ nj WdMn±« »| AWdLk nB'a nj x oTvf °A/j±{ »«
 <> B'T] A. Qp>° , <> fk p ±±† nj ±±dU , <> ~h{ °B ¼s½> , <> Ti BQ ° BkQ»>

فرایندهای شناختی

oTZMªY j±{ »« • ¼ ±Uq¼CnAwA »Te ° p±«k« °kQ»-sq®³MK| "A~ Ai Yª >
 kj±MkŠT «³Yjj of»« pBM-BwEM-BZ'±½MBck½ -¼° ±½ o -UBUS wA» 'S' B'SA. LQ
 -QA »Ti BZ'An RBSt« »| A°B'kμ pA» ¼S wA''Aμ . 'S' i A« 'q|Tv« S ¼Ai
 -¼ç½] °oTnr »a| °-BMA -C ° , k® °nBQ³Mñ pA -¼BkQ± MÿS wA²j±M

S ¼ÀÇi c¼ÇZUBÇWUKk¼±Çÿ ° of¥¼dU-Añ -Aºz¼kAoÇ¼ ° k¼o-,Ã¼ /k¼pBv
BMkºoµ / (1997, 'ºk¼) kºMS wj " kµ -¼³M' -Vh¼kº-nj -k¼¼k¼ KveoM
~ Ài ¥ª nj k¼Mÿ »¼l ° B¼kº-œ AjA³M» wBZ'An, o B« »Ti B¼ °l y ¼k¼Q
»º½» zµ°sQ.ºp nB'a nj o¼ A°B'Foz¼Q»§ /S wA²k{ oT ¼q-nB¼MkºS ¼nBz«
nA¼w ¼°A'BA °pBw³¼kº>°, '¼ } ~hUJ BvT¼A, <~ Ài S i B¼>, '¼ <ºzºM¼Bz¼¥ z«
/kºµ °n°cjB¼

مشکل گشایی بینشمند: -Vh' S SBEzf -BwBZ'An -nmÇµn pA³ÿkj±M» BwBZ'An -
º...ÇvMbQMA j±Çi nBÿ °BM» Ti B¼ -BwBZ'An /k¼¼B¼S wj S ¼Ai . S¼« ³MyºM
oLoT¼A /k¼j oÿ °q¼»Q, ³¼Sº -¼·B¼oMk¼] »z¼k¼C °B'¼B¼ x °n x oTvf
t Bve¼R¼Be »M¼nA,pBw²j B¼ °B'Yod« °nB Twj BM-BwBZ'An / (1995 '¼-wk¼¼j °
³ÿkº»¼ œenj oT'M-±ºoÇ¼ j oMBÿ °, '¼ <±wn ° J A¼C ¥¼dU pA²j B-TwA, '¼ <-Tv¼
²sQº ³QMS ¼±Ç /k¼±{ »¼ œµB¼ ³±Çca '¼ <T'Ç k¼n» -¼j °B¼Anj ~ Ài °B'zºM
²B¼Cj±i B¼ °S¼œ œµB¼Q-¼º ³Mºj±{ '¼ <ºp¼ oQli > »z¼k¼C y ¼B', q¼AS -Ç{
'¼ o'¼kº ° '¼ oS¼Ç wA, 1995, '¼ u ¼] »«o¼kº °, '¼ -kºnB¼-, '¼ pnºB¼M¼X¼) S wA»Ti B¼
¥ª BMj BCB ÇµB¼ °, ²oŠTº o¼, »B'fB' B'¼³M, ±Mº °°j B] ° odw ¼ / (1995,
/S wA²k{ -¼Ç¼B] ²kºx oTvf '¼ <ºpBw ±B > °¼ <ºA'FwCo¼p œodº»kº±B

شناخت خلاق ¼: «pA» ¼T¼ «¼n -¼T¼» ¼j A¼n nj B¼j A¼n -¼T¼»
S ¼Ai , »zµ°sQ.ºBoM-¼TM¼ / (1995, '¼ °¼° jnA', '¼ S ¼wA S wA~ Ài S i B¼
jnA', -¼º aµ) j±{ »¼ ¥ Be »Sª « »Ti B¼ ° B¼kº-j oMBÿ pA³ÿS wA»¼l ° A¼k¼Q
ºB'z¼k¼C ³ÿ ³±Ç -B¼Ç S wnj, -C oM'ºq-A / (j±{ ³ŠeÀ« 1997, '¼ k¼ °, S ¼wA
»wB¼ x °n -B¼µ, k'¼j n°C °µº»»j C S i B¼ ³MS Lv'º o¼k¼za °B'zºM µB¼z¼k¼C
²s¼º ³M µB¼z¼k¼C RB S¼« -C, -B¼ -¼nj / j oMBÿ ³M Ài o -U. S¼« °A M-¼U» «¼
·z¼k¼A ° o¼RFz' nj kº¼U» «º <ºo~Mº¼l o¼B-¼ ³±Ça k¼j » «-Bz' ³ÿk¼q¼A±j
»µB¼z¼k¼C ° B¼y µ°sQBMv¼» nj (1992, S ¼wA°, jnA', '¼ ¼) kº¥ ¥ª ~ Ài
-Ç¼q¼Ç A-B¼¼ ¼l¼ / kºB¼Ç S M¼ »¼¼¥Ç²¼ kºpB¼ ¥¼Ç» oQº¼ ³ÿ »Aº-
-¼, -¼j±] ° BMkºB¼d« » >A S ¼Ai ³MÿS wA °pB¼B¼» j oMBÿ ¥¼B¼ B¼y ¼k¼C

y ٲ/knĀ TM A-U°j BQnj k®z®M ٲZfY z« ³M, ±M« °B'zµ°sQEMR BšdU
o -QJ, -Bw -kMS wA» §a « » Ti Bٲ °Buk® -q!Tv« , S ¼Ai nj ³TB½°\U. ٲM
/S wAo¼nQ woTwj u ȳ³aµ °oMŁošU~ Ai

» ٲٲTwA° Bj Ak TwA³ȳkĀjĀ -Bz° °j Bٲ ke nj o¼ A° Bıy µ°sQ: **اكتساب تخصص**
q¼CS M n °B' {pn° oŠ-jn±« ٲp±e ²Ai / (1996, °v ¼A » U BUK®µ » M ȳAoTzIM
c†w nj °j BTwA° » fo¼ ³M h { ³ȳ -¼pAy ¼Q, » š¼±« nj nBȳ B½ [°† { ²Ai , k { BM
-, ¼oM° q-Aj pĀ oMj oTv° ²k¼® -¼aU³M Bw²j j° ke k¼A±a « k¼S wj » B']
pA» wB¼Y M c†w °q!Tv« °j ke BUq¼S ¼Ai ³ȳk®j » « -Bz° °Ak®¼ -n±† ³MµA± {
n°-°j of B' S šz«oQHn ٲn°j -¼pAk A±U» a~ Ai . ' M » Te S wA°Š® -¼aU° x p±« C
, k®» a-k¼U-ȳ Bw³M TMA²pU° Bı³z¼k A~ Ai j A- (1991, -T±¼; 1989, °q¼) k®
y Ā pA» ® » a°e °³TB° w±UÅ Bȳ °B' UH B' « pA» fnqM ±a\ « pAk¼Mı³z¼k A-C³ |M
³M ±M R BšdU-± aµ, ~ Ai } ¼-hUpA±' « -¼k® BMk { » { B C±f ±« ³M ±M
» š!QoQMQM° ٲM y ٲ pA±C { -CA³QM¼ nj M j AÇA» ® f n±† ³M~ Ai S i Bٲ
/j± { (1998, °Ā ±MıwA° ° -wk¼Ā , °³A±µ) k®» «

pA° q-Ā° n²j B-TwApAR nEL S wAy hM¼ nB¼MȳS -oz¼-¼i C: **شبيه سازی رایانه‌ای:**
-vB] ; 1991, °-j±MS wA~ Ai k®-pA» Ti Bٲ -¼« °Bı±CŞA-±« pC °oMı³B¼
ٲnBQmj (1972) °a¼w ° °ȳA¼ ¼wÀQı . ÇoŠC , BXC -A C ³QM (1993, °j oCŞ
B' C " kµ ³ȳ S wA²j±M" BzȳA. «BoM -¼k® y ¼k¼y hMB'SA-Bv'A° » ٲZfY z«
RBBzȳA° oM Bv ¼Bi °Bı²jĀ K | "A/S wA» M\U° Bı²jĀ pA± A° -¼A • zȳ
; °B(j oM -¼w, ° » |C-j) kĀTof n° ²j B-TwAj n±« ³Tv] oM-Ak® zĀ ...w±U° k®µ
BQµ BĀ , BUKĀjn° C ȳa ³Mx ÀUoç¼ °RBA °Bı³«BoM (199a, » |C-j °° of A {
kÇpĀ oPM» š¼±« ° , RBA, o® °Bı³®p nj ~ Ai nBEn k¼UpBPMo¼ aza S ¼±«
°B aT¼±CŞA pAk®BĀ kÇnĀ y hM¼ °Ak® ³ȳ °oç¼ °Bıj o¼M / (1991, -j±M
...w±UBıj o¼M -¼A³ȳ °j±] °EM (1995, °ȳ¼ -¼Bk) ° » Tr °q¼³«BoM °¹ » Tr
nB { C²k®¼C-° A±f ³Mk j±Mk { » eA† » |a RÀ z« ȳe °oM B¼ -Ak® zĀ
k®j -Bz° ³ȳ k-pBw °µ-° Ak-pnA° Bı±CŞA S wA- a° °B\ow Bı³«BoM -¼A³ȳ j j of» «

n±†-Bμ, Rk«kMj / (1996, -T±aW) kQ» «¥a -BVA-μl nj ³±ca ~Ai kQ-
 -BwBZAn, k±{«y hS Bfn ²kQ-±d³MPA-BM °Bμ±CSA-IA°B'pBw ³L(³Y
 y ¼A-AM ozM A·aμ ~Ai »BAU³]° -¼TMM±ca ³YkMj SWA- a«HTB-
 /kQj

ویژگی‌های شخصی

njB h jA-ApA»i oMÿkAj±MkQ³,À °jo-°Bμ»fs½-C ³Mpdj pA-BwBZAn
 ³M-¼³a° WÀÿ³a,»M\U°Bμ³T±/kQj -BZ-S ¼Ai -AÇ½ pAy ¼Mj pBw»
 /S¼-h{°x±μ:k½»«°B] -A®°j o½» ¼±±d
 x±μ³MpA³a BUS ¼Ai ³YkAj±MkQ³,À E±f±«-¼³M-Bšd«pA°nB¼M هوش
 ²jB-TwBMj jof»«pEM(1925) °°-«oU° (1869) °° -Bz¼QnBÿ³Mÿ»TQ, jnA pB¼oLBM
 ³CS Ay μ°sQ,»Qul S ¼M pA»z\Q -A®°³M» {±μ °Bμ±±pC nj jA-Ajo !a pA
 °±wB— ¼,jnA Rn°of S ¼Ai pBM°BMk±μ pA»¼«C±w ³Y S wA-C pA»ÿBe
 ·TÇ / (1981, °° -TÇ¼Bμ °° °° -°nBMjnA »ÿk·±M ~Ai nBEn BMk±μ, ³BwC -¼A
 BMkM «x±μ °k M U° °nB-d'A, ²jBw ±±-«³Yj±M!Á«-¼A} ¼nzU, oLwbWA
 nBli Bw °±CS»oMk°Tz«»B S¼/j±{-¼ÇB] °k Mk° °o¼A-ol¼¼¼¼»«±-«
 °B' {±Qμ ·¼SÇ°, (1985) oLTC(Ax±μ °° «zhMw» ·¼S, (1967) jn±-¼A °°x±μ
 jnA oMj h »B¼BAUA½, S wA²kq¼C BMs½ ³Mi C ·¼S / (1983) °°ojnB ³Bek
 , »zLQ - »kM»s¼±«°B' {±μ, ÁX)k¼¼¼¼»\QAn °B'±«pC pA°nB¼» »zhMÿ
 B½» {B-¥¼ pA, S ¼Ai pA°oμBŠUMk±μ oμ, -C oM°qA/(°jo-°nj °, °jo-¼M
 / (1993, °jnB) S wA²A³μ »wBZAn

-Bμ ³MÿS wA°Ak¼QS ¼Ai ³Y S wA²k {²jA} ¼nzU-¼AS wB¼k «**شخصیت:**
 / (197a, °° oB °° t jB ÁX) Svμq¼»T¼-h{°A-¼-i, jnA »Àš ³LQ ³Y²pA-A
 °S ¼h{»MpnA-vwEknj ³Y~Ài S¼-h{³M±Mk³SAR B¼dUnj, ÁX, E±f±«-¼A
 ;1969, °°nBMÁX) k¼of nB {C Á«B¼k¼k {BVA}¼oMB¼-¼S ²Bcz¼ nj y μ°sQ
 y ¼A¼MPApA ABUS ¼Ai »T¼-h{°Bμ³TVL³M³A ³°BM(1978, °°-Qÿ «

°±Ç RBCe pAo¼Ġ A°B'SGw nj »T¼-hç{ y μ°sQ, S { Anf ±±A³Mn »Ti BQ J ÅšA
 ~ Ài S ¼-h{ pA» † HLLV~ »io²¼ ĠA-ÀÇzμ°sQ, ³\T nj /S wA²j±Mhñ±i oM
 k Tv« ²s½ ³M~ Ài | Bh{A/(1999, -T±²¼, 1989, ¥½-¼Bk, ÂX) k²j oÿ°¼woU
 °KjoTvf™¼À pAÁB²TeA, kQBMn U»Te °, ±²ª «o¼, j °²μB, ¥šTv« ³ÿkQ
 »Ti BQ ° °nBC-n °o¼nQ B† ÇAkÇ] A, k°oþBQMPBU°Bj³M\U³MS Lv~, kññ±i oM
 /kññ °oTzMPo¼nQ²o†Bh« S«B { °kQμ °oP Tv] oM
 - ³'W» °BQ½ .§B\« ²h nj y μ°sQ³ÿS wA»«B ¥«B{ , q¼-²B¼ ²s½ ³ME±f±«
 S ¼Ai ³ÿy ¼f -¼pA»ÿBe S wAS wj nj »Bÿ kμ±{ -±Q/S wA³Tj oM³±¼
 , °-v¼B] ;1995, ° °¼, ÂX) jññ „ BihA» An »wBQ K ¼C »¼« nKš« BK|“A
 k¼M°qš~ Ài j A³ÿS v¼B j A-¼Bj B« k±¼-¼, ±Be -¼ nj /(1995, ° j ½j±š
 ~ ÀĠ j AÇA(• SA: ³ÿS wA²jñ -Bz~ y μ°sQ, u oQkQBM»Ql Rz ÀTi An Baj
 ;kÇATK~ »An »wBQ K ¼C ³M°oμB ¥B²U³±Ç`¼, ²jn -¼U Bmj »Te, °nB¼M
 Bj°²¼Ç pA»Ġ oQM, kQ»Ç« o¼U~ ÀĠ S §Ç-°²¼ K veoM°oM-A¼ S Lv~ (J
 Á±ª «, kQj»«p°oM» BÇ Bz GouB ³ÿ~ Ài j A-A-C(Z; kññ »¼QHLLV~ °Bj S Lv~
 -ÇA»Te ° kQñnB« h j±i kþBw»« nj B h -BC ³ÿkññ±i oM» ¼L] »B ¼s½ pA
 nB\¼GouB ³ÿ»B ¼s½ pA°nB¼M kQ S ¼μ²kþBw °B T§ -°±w ³M RÀ¼U
 ~ B† Ay š-x o² ±±† nj j o-°nBpBw °oMj Bþ ke BUS wA-ª« »Twa ³M»»«
 ;1995, ½j±š;1997, °»¼Bj »²Tp u ¼ÿ;1969, -°nMÂX) kQBMPTj ²kQj
 S wj ³ME±f±«-¼pA• ¼« »zB²-K|“A~ Ài S ¼-h{ , »ñ nj /(199ª, ° oMUn
 ¥¼kU³QMy Q pA»| { ³M»U»« »μB »Ti Bz An Hfo-°B'- f ³±Çª ³ÿkμj»«
 /k±{

تحول در طول حیات

S wA-ª« j A³ÿS wA»T¼-h{ B»Ti BQ S ¼±~i ¼pAy ¼Pq¼« S ¼Ai >
 /kQ»« K¼Y«B U°³ w±U-Bv ARBk ±±† nj ³ÿS wA»T§-³ |MkQ o¼U-C nj
 , ÁªA/kÇj oÿ³] ±U»§±† ¥¼kU-¼·L] °j ³MS ¼Ai »§±dU»wBz An -ÀÇzμ°sQ

/S WAS MU° S ¼± -Bq^aµ Rk Bv« ¼q|Tv« ~ Ài » ¼BAU
 S ¼Ài ³±ça ³ÿ-Ak{ C±f±«-¼AJ °m\«-Bšsd«pA°nB¼M¼خلق توانایی شکوفایی
 °vv-¼BA-oM -¼BA-oM R°n;1993, oĵBĒ, ÂX) kQ» «p°oM h{ ³µ¼nBÿ±±† nj
 ° (1989) ^oMoCjnA±Cu^{va} «¼B U°B«Bš-jo ½n» | ±~hM⁶] ±U» |¼M / (1993, ^o¼nBĒ
 , » µBçz¼BçpC S {¼j B¼° ¼i³çaoTçj pA²j B-TçwABçM-Bek¼¼ç -¼¼A/S wAy ¼B a¼¼
 C±f±«-¼A» wnoM⁶M°±¼nC M⁶ oç¼° , R¼†Bi ° ¼ioTj , u ¼y ¼Q° ¼i³aoTj
 < Ài ¼jC » ~h{ k¼> -¼BA¼Q° ²k¼ ¼Q» |¼B Unj ~ Ài ° ¼i³z¼k A³±ça ³ÿk A⁶Ti ¼oQ
 ¼Bç U° k±{ » ç¼ A¼Q, k¼j °°n -C nj k¼MS ¼Ài ³ÿ «ç¼o--» B⁶T] A...¼d<°
 . B† « x °n oM-BC k¼Y FU, B¼noM-¼Ap°q¼B⁶A⁶ · L¼ / (1989, oMof ° t ç A) k¼M¼»
 nj ¼ S ¼Ài ¼a » ç±ça pATM¼ » a´-jo ½n -¼A/S wA¹ <çj o>° » -¼ÿ° jn±«
 /j pBw» «ov¼j A-A» ¼k p
 -¼Ajn±« nj q¼[^] ç B⁶M±B> Rn± ³M nqM⁶ ¼i³±a⁶ B¼» aÿ R¼B¼dU, k¼oµ
 -w° S ¼Ài -¼M†M, S wA²j oÿK|] ¼³] ±U-¼Ez¼Mÿÿ » zwoQ/S wA-A¼-Wd¼k
 nj -ç BvfnqM¼oç-jo |aç o¼¼U» ç±ça °o¼²pA⁶ A⁶B¼µB¼ / (1988, -T±a¼w) S wA
 , » ¼ÿ «, ÂX) k⁶Ti ¼oQ³¼» -¼³MAo^a ±±† nj S ¼Ài » \¼⁶A⁶n ° ¼i±«pC
 ²j pB¼M¼¼Q» ç±ça ³ÿ S wA-¼oT⁶ A⁶k jo ½n -¼, (1987, ^Bw±ÿ° ^ oLnC
 ;1953 ^ -ç⁶š, ÂXç) jo¼ç M¼» » M¼nAjn±«, -w pA» MU-A⁶° ³M Ài ° ¼i²jn°Co-
 ³ÿ S wA²jn°C S wj ³M¼ ¼B⁶¼i ° A⁶±ç ³M¼ µ°sQ-¼³ÿ B\ C pA/ (1993, ^ o¼k¼š
 j¼çA³ÿjoÿ °o¼³\¼T -¼U» «, S wA-w pA(²k°nu Q³°nA) » ¼¼» » M¼S ¼Ài
 °o¼³\¼T -¼³ÿk¼C °B¼L °oš° » M\U° ¼i³T±, k¼oµ/j±M¼A⁶h~ Ài oT¼»
 ,1991 -T±a¼w;1996, u ¼ç;1997, » ¼B¼ » aTçp u ¼ÿ) S v¼³] ±« ° A⁶B¼M
 /k¼ÿ aÿ» ¼k p ±±† nj ~ Ài ²j pB⁶nA⁶ ç-³M¼k¼» «¼a ° jk k¼¼» / (1997
 nj ¼ » aÿ° » -¼ÿ S ¼Ài pA» B¼e k¼\UH>A⁶ ³ÿ S wAov¼ ~ Ài j¼A° ¼M» T¼¼³M
 , ¼i³Tç¼-¼A³M⁶] ±¼B¼ (1989 -T±a¼w;1993, o¼k¼š) k¼j -Bz j±i » B¼Q° B¼Sw
 S v¼M-o ³ÿ-¼³M⁶ | M⁶B¼M⁶ S wA³B¼±i » ¼k poi C° B¼Sw nj S ¼Ài o¼~U
 (³uj -¼z{) » Ä¼ ° B¼Sw ³M°j » B] i ¼ pAu Q-A⁶±T²±Ej °n° k¼B¼ ° ½°

آکادمی علوم و فنون استان تهران، ۱۳۸۵، ۳۰، ۱۰۰-۱۰۵، | ±~i ۳M۱۴ U-۱A,j±Mkμ±i j±i o^a
/joÿkμ±i

زمینه اجتماعی

۳MS ¼Ài /S {Ā °jo-Ā<BĪ » μBkĳ x oĀnQ³MĪB^aUS ¼Ài ³M, ±M< . ¼Ay μ°sQ
» §±dUJ nB^U° » ~h{ °B ¼s¼ ³ÿ °keA jo--μl nj ³ÿ k{« » š!U°k<Ā-Ā<®
-¼Ā} ¼nzU³M^B°C °j B^b-BwB^z°n, 197ā . μj oi A°Anj , B/AjĀ » « °n, S {Ā K wB^R
nj /(199ā , ^-T<®B^u , ĀX) kμj » « f n <» B^T]A°A°q>nj S ¼Ài ³ÿ k j oÿE±f±<
-¼EĴ] ³ÿ kĴC k¼Q S ¼Ài pAnB {C » B^T]A» wB^z°n ¼198ā . μj nj , >A°
nj ³T^oĀnQ°B {°n /(1983, ^Y^¼M^C , ĀX) kĳof » §±dU° » >ĀTA, » Ti B^Q °B μBkĳ
Y¼dQURB §†Ĵ BQ» ĴAkĴ< °B²kμBĴz< , » μBĴz^¼pC °B^z¼pC pA, B± { . TĴn -¼Ā
» ±Q< » °o¼M..ĴĀĴĴ ³QmĴĴ R B^¼sdU-¼Ā/kĴj±Mj oT^vf[^] <» \® g¼B^¼° » >ĀTd<
<> Ĵo-- » B^T]A° <°A^T]n> , <°jo--¼Ā°B[†]kl< oM k¼ĴFU-¼Ez¼k¼B^¼° , ³T^v¼Ĵ<
/kĴTĴmf

- ¼S, S wA^T{Ā j ±} °B<®. M ĴnB^{Mj} » §AkT o¼~UpB^¼ pA³ ®ABM محیط بین فردی
S wA- °« ±¼zĀ pA/kμj » « °n » ĀĀ-S ¼Ài °jo--¼P B[†]kl< nj ³ TwAnB {C
- °« B¼kμj -Bz S ¼Ài j ±i » >BzĀ-Bd^TkAnj B/» !¼-dU±B^a¼³S< nj ³ÿ j °n nB^ŠTA
RĀB^ŠTA | Bi S ¼B, u Q/kμj p°oMS ¼Ài °nk> nB^¼nj ³ÿ j °n nB^ŠTA ofnB^¼pA³ÿ S wA
pĀMj o...w±U³ÿ j ±{ » T¼Āi nAkš< -TĴĀ pB^B¼-j oMĴ BMK lw S wA- °« °jo--¼M
, ĀX) y ĀB ° μ ° Y^¼M^C y μ°sQnj S wA- °« RBB «A-¼pA» ¼ ¼. ±^a/j j of>>
/j ±{ ³T^B¼..¼{ oĴĳ ° <RnB^Š>, <» M^¼pna, <» ĀB< RĀ¼FU | ±~i nj , (1996, Y^¼M^C
²sQ^¼ ³M . ¼ U ¼B^¼A°ĀMj p-°oM[†] j p-°nj °B[±]z< o¼FU ĴnB^{Mj} -BC R B^¼sdU
» °nj Rm^¼°ĀM » -¼ Uj Ā-A³ÿ k¼B^a» « oM^¼†< » « B<® S ¼Ài Á±^a « /k^k® {pnA
q¼Ĵ » †Ā{ , k[®]oμ/jnĀ » ¼kĀ . †M . ¼ Uj ±i B^¼ÿ » °oM^¼¼¼® °ĀM^¼k^¼j B^¼A
¼ÿ jo-S ¼Ài x oT^vf° ...vM^¼M^¼A^¼U> « j p-°oM^k q¼Ĵ ĀB^¼Ĵ nj ³ÿ k^¼j » « °n
x n°oQ¼±d⁻¼T^¼M^¼ y μ°sQ-¼/(1996, °-°oB^¼° ° ofoLq¼; 1996, Y^¼M^C) k^¼
/jnĀ °nB {C » ® f °B^¼S §j B^¼μB^¼nB^¼° t nA< nj S ¼Ài

nj h y μ°sQ» ±³BC B] k¹MPÿS wj , » B²T]A·³q^ok ME±³M-Ti ĀoQpAy ĩQ
 k¹U-Th¹Ā°^oAM μ^h-A²®³MS vh⁻ »³q¹±¹Ā -¹Ā^oĀ³°n°Cj B¹Ā¹<°q¹Ā-μl>jn±«
 ” kμ,nBT A ½M(1963, ¹n±M¹Qk { bo†«³Fv«³Ye °B¹μ°of nj ~ Āi °B¹z¹k¹Ā
 <°q¹Ā-μl>/°jo-°nj BUS wA°jo—¹M¹Q¹— ½¹M¹Ā† pAS ¼Āi j B¹Ā°q¹Ā-μl
 B¹³B-wFk / (199ā, ¹nB) S wA²k { nĀk-θ†oQ°jo ½n » BpBw ° » T¹° °B¹†Āl« nj
 nBĀ { C, kĀĀj±L -Bv^aμ × °n -¹Ā » ¼¹n pĀj±i » B¹pnAnj » zμ°sQ°B¹³T¹±³ °³ Ā
 kĀ] Ā B¹j±^aQ¹n ° B¹†^aĀ S¹±T¹wj pA» B¹i ĀE-ĀB¹CM¹†M nj B¹°q¹Ā-μl ³ÿ S wA
³ÿ-¹ĀoM¹ Q¹ oŠ⁻nB¹<A, of Be ±Be nj / (1987, ¹oMoT¹Ā° °¹ÿ¹Ā, ĀX) S wA°k¹Qj±w
³QB¹ | «B Q¹-C nj ³Ā¹ » ¼¹oT S¹°q¹Ā-μl jn±« nj » ±³ÿ y μ°sQt Bw¹M¹k °n -¹Ā
 , ¹±¹Q¹°¹ -¹Ā¹Ā¹, ¹°¹n, ĀX) S wA-^aĀ, S wA¹o¹Ā¹Ā¹, k¹Qj » « f n³Ā¹ .!¼¹°
 / (1996

ÿ^a ~ Āi j¹Āo¹Ā¹ pĀĀk] ° Āq¹Ānj ĀX¹Ā ~ Āi j¹Ā-A: محیط مربوط به رشته علمی:
 , ĀX/jo¹Ā» «Rn± » Āš B¹Ā¹ a¹ , °o¹·T¹n ½°nj nj -BC S ¼Āi³ |M¹Q¹»^a-
 °q¹T¹v« S ¼ĀĀi , k¹Āof -½kU(199ā) » ¼¹Ā¹ »^aTp u ¼¹ÿ ...w±U³ÿ B¹°B¹-²Bk¹Ā nj
 °B¹-²nBQ/jnĀoMj Ā< Āi jo>, B¹°C pA » ¼¹B¹°³ÿ, S wA¹°B¹-²nBQ³w -¹ĀB¹±Q> | «B U
 °, -¹±¹Q¹·¹Q¹Ā, k¹Ā¹ · ±^a\ « pĀK¹ÿo«³ÿ S wA,, ±¹Ā¹ » ~-dU¹°<p±e> ÿ«B¹ °°j
 , ĀX) k¹Q¹» « • ¼¹U¹Ā S ¼Āi pA» B¹i S¹Be³ÿ S wA¹o¹Ā¹Ā » ĀTAS ¼¹±-i³±foμ
²°oĀ> °±Āw °B¹Ā²nBQ/(k¹Q¹) « S ¼¹Āμ Ā nB\°M¹ | , 197ā, ¹°-μ±ÿ oŠ⁻°M¹ÿ » ¼¹ĀS¹
 °n -¹ĀpĀ°, k¹Q¹» « nB¹Ā » Bv ½> ~-hU¹p±e °nj nj ³ÿ°j¹Ā-Ā¹Ā¹Ā¹ S wA<-ĀB¹ a¹μ
 , B¹°B¹Ā²Bk¹Qj> oM¹MS wA²p±Āe -C³Q¹M¹T¹vM¹ -B¹v ½¹°B¹j±^aQ¹n °o¹Q-BC S ¼Āi
³ °ĀoĀ« S {Ā k¹μĀ¹h¹j±} ° » T¹Āi³a, k¹Q¹Ājo-S ¼Āi » ¼¹ĀB¹° °ĀM-ĀB¹ a¹μ
 ” o « »¹Q¹ ~ Āi²j n°Co-³ÿk¹Q¹B¹M¹T¹Ā¹™¹±Uk¹Qj » « ÿ¼ zU¹Ā -Āk¹¼ -C³ÿ » Bv¹ÿ
 /S wA-BC²p±e³M¹¼ A>Uk Bv«
 » ~-hU¹p±e °²°of, jo-ÿ«B U¹pAS ¼Āi³ÿk¹Qj} ¼¹n zU-Bw¹B¹Ā¹n³ÿ » «BC¹Q
 -^a« »fk¼ ĩQ-¹ĀpĀ³±^a ½¹j j of» « o¹Āk¼ ĩQnB¹w¹M¹k¼Q-¹Ā²Ā¹-C, j±{« » {B
 °±Š¹Q¹R¹B¹Anj²s¹½³Mo¹Q ĀE-Ānj Iw o¼U¹nB¹Mj (199ā)ÿ¼¹Q¹Ā¹ y μ°sQnj S wA

» \~\~An ° » z!BpC R Bš dUpAoIS aepoQnBwM-¼çB] °B {°n -1A³ÿ -1AEMk {
¥ Ee kCv~A±U a° oç½ TM½ ð± _¼ pA³ÿ k~KjA S wj ³M» ¼³TB½ kCvµ oT° AKT
·T{n ³MFTVM ·Cp pAk~A±U a° S ¼Ai ³ÿ k~KjoÿRBYA | ±~i ³MRBš dU-¼/k± {
/jjoF -Rj±i » a!

» °oM.¼d« , » a! ·T{n ° j A-A-¼PB! «B U° a! » ° ±wA-nj : محیط اجتماعی - فرهنگی
S ¼Ai ³ÿ k~Kjoÿ ð j kTWA-BwBQ ° j o° ° -BwBQ ³ «B] y ¼QB Uk «pA/jnA j ±] ° oTEnQM
° j nj B~Q- ¼š, (1944 ° oMoÿ, ÅX) S wA » ÇQo- » B°T] A° AK¼kQÂÿ³- of AHk a
o¼ b° n ³M Åi ° Bijn° BwJ ³ÿ k~Kjoÿ ° ApAk~Anj ³Q « ³MP° C -BwBZ~An ³T{mf · µj
nAqW H ±~h« ³TB½ j B~QAnj /(1984, -T± a¼w) kñA » ÇTVM-Bp o¼ A-° » ~h {
:kCvµ ° n° Cj B½

-A¼ oM» Bi » wBw ° B° t¼d« ³ÿ S wA²k { nB {C ²kC~A-° A° ±f ³ME± f ± « -1A-1
'SMJo-OMP¼šT« » wBw ° B±l±- -¼pA » i oMk~Anf » « oVAj ±i ...M½ «A±] S ¼Ai
j ± { » Ç~ ÅÇi ° B±z¼kÇA²j pBMS -AKIQw j Ç] ³ÿ » Bp kCk k~Anf » « oVA~ Åi
l±- ° B³ Ajo- ½ » fk~p k { n ¥eA « ð Åi nj oç½ » wBw RA¼FU/(1984, -T± a¼w)
nBw ¼pA -Bw -¼kM~ñA » « pBw½ kCQ » « K¼oUBA ~ Åi » B±U BvTÿ° kCQ » «
» «Bš ° B° B¼± ° Bj ±ÿ, BµnBZÿ × ±hTwj » wBw ° B¼ ³ÿ J ± { CoQ ° B° h° j nj -k«C
» Bp nj -k«C nBMoç½ ° ±w pA/(1976, -T± a¼w) j nA° ° nBpBwow S ¼Ai k { nBMS wA
³MkCQ » « » fk~p ° µ nBIS aSv « Bvÿk { BMk { °¼šUB TBAp° j Bp j Ak U° M k aU ¼ÿÿ
³¼ ³BAf » « ° B° { n± { , » A° nj /(1975, -T± a¼w) kCQ » « Rk Bv« ~ Åi » B±Uk { n
jnA ° k MPB° v° S ¼Ai nAš « ° BM TX k«BQ ° n± UBRA ° Bµn±Zÿ oçMÿow S «± e
Kvÿ pAu QY! « pA° nBwM(1969 . 1947, ° -ÿ° n±w ; 1975, -T± a¼w ; 1944, oMoÿ)
³M ¼wÄÿ ° A° ± a° -BwBMA±½ , k~Kjoÿ ³M\Ua » ¼A± ° B° h° j ³BC¼M.¼vUpA° ÅšTWA
/kµj » « S wj

» ÇQo- » j ± ç aµB, ³BAf » « -B¼± ³ÿ k { BM-¼S wA- a « oi Ck«BQ » š° ÇY¼š -2
k { BM±L\ « u Yom ³ QAOB] ³M(1994, -T± a¼w) » ÇQo- » ± ç aµ BkCQ » « K¼oUa
B° CQ] ° kCQ ° o¼Q » Bv ½-¼ » pAk~AhM » Bv ½° B° Mÿ, kCQ S Id » Bv ½-¼

S wA- a« » ÇQo-(E±Q)³Y S wA-C ° B±f o«A-1A/kñj nBñi Anj ° oTzAMPBñTaj A-A
 ½nj ~ Ài S ½B -/jnñj ±] ° E±f±«-1AS d oMpkµ±{ ° jpbw ±¼vUA S ¼Ài
 ³MRo-Bv«B½Ro] B«TM10†pA»]nBi ° Bñl±-°n³Mj±i x±°C³ ÇApAu Qi Ço-
 /(1997,-T±¹¼)jnñj y ¼A-³MñB¹U,kQ»«pBM]nBi -B¹! «oŠ-oh ±¼-dUB½ ZnBi
 BQMPH½-ÇA/j±{ »Ç B¼« ²pBU ~ Ài ° B¹LÏoU ° BM³Qp , » ÇQo-...¼d« ° pbw nBMQB
 -j±M³P¹¼Be -±` aµ ° n±«A» Æñ-AS ¼Ài RñVUFY¼ pA, » M\U[B¹pA ° P ±¹\«
 ;196ä, ±P¹ÿ, ÆX) ¼±S±ÆñARBÀTi A o «nj -Tofnñ» Te °, » ÇTMj , » «±
 ±v¹µ (1994 -T±¹¼;1987, ¹º -Aÿ ° ¹º S B;1973, ¹º -B] ±Çñ ° ¹º oÿBU, ¹º RoI²S
 /S wA

³Mñ S ¼Ài k¹U» «³ÿk¹Uñk» -Bñ » ÇQo-» B¹T] A ° Bñ o¼oÇ½ ° Bñ o¼-1A
 Æñj ³Mñ |v- S wA- a« ³ÿkñ° Ck¼kQ» ¼BUo~ » µB¹°, k¹pbw x ±Bi » T¼nj » |ÿ
 B½-joMñBMj -Bp b°n³M, ±Mk ±Y«A ³ÿjoÿk¹Uñk¹Mk¹a om/(1984, -T±¹¼) kzÿ
 -¼M¹k¹ pA- ¼k¹» «±¹ » Bi -B «B½-Bpñj ~ Ài S ½B -> |ÿc†w-jn°C-¼M
 n±† ³MS wA- a« » «±¹ ...¼d, ÆX/k¹» a°MS ¼Ài omB¹U k{nñj ° jo-° B¹P-B-U
 ± ¼ba ³ÿkµj c¼f ±Uk¹U» a-BA,k{ pB¹C B¹Pñj u Bññ ba ³ÿkµj c¼f ±U» |ÿ
 /S {ñ ° o¼M±i » B¹Pñ-ñ~ Çµ om¹\c

نتیجه گیری

³ÿS wA²k B¹BMj Bñññ, k¹ñjoÿ» -ç{ S -oz¼S ¼Ài ° -ñj -BwB¹ñ³ ÇBM
 /kññj pB¼° oTzAMPBñTaj A-A M\UoŠ-°B «A³Mj Bñ» wBwA ° B¹zwoQ, H¹ñ† «/jo¼M BñAk¹M
 :k¹Q³] ±Uo¼ ³Tw¹i ³w ³M¹X
 y ¼Qñj » Ç±† » µñ p±µ B¹T¼A° -Bpñj S ¼Ài ° -³Mk{ ¼q-BU-BwB¹ñ-1
 ³MTvMñ-ñ oñj ³ÿ³ ° C³MS Lv~ » B¹µ of-¼ñj S ¼Ài , -±¹BU199ä, ¹º -v|µkññj
 -Bz-¹º » Æç¹µ» ° ¹º » ÆñR > pA²k¼¼ Q ° RñB¹A, S wA²k{ ²kµBz« S ¼X¹Aj Ço-
 ° Ç-³M¹ÿk¹ÇCk¹A-TM-BwB¹ñ³ ÇApAy ¼/(1998, 1992, -T±¹¼) kµj » «
 -1ARBñ] k¹Mk¹T¹B½S wj -BvACE± » «B¹Unj ³¼Mÿ Ç¹pAY { -1A±¹ » Ç±Ça

/k±{ k^Qv« » M\Un±† ³M^BTuBL^Q ° B^UB-U

±dU» c±Çca BUK^Quj °B\A° oP^AoQk^QM» S±† RB S†« k^QM-BwB^Q°An -2
¼ÄYTMsdUk^Q n« » wnoMn±« » SvfnqM » A±±, » Yj±Y° B^A°nj nj M S ¼Äi
oX^YA- ¼j,joY^Q B^Lj -B{o^a ±±† °B^AUnj M jAk TwABM-B^Yj±Y pA» μ°of (1925)-«oU
u ¼Y,ÄX) k^Aj oY^k T^ko^a ±±† pA» ¼BM^F †>nj TMa U³M^Aj±i » ±^QYR^BS^QdU
,1976, » ¼S^μ» a^Tp u ¼Y^Q ° q^STC;1993, ° -S^Q ° ° ²k±^QM, » ¼B^μ» a^Tp
InB^Mj ° jB^Q ° B^μ¼a -BwB^Q°An ³MR^BS^QdU-¼³ ° ABM(1994, k^S±nC ° ° ¼^QMw
M ~ Äi » ¼BAU° B^μBC^TwBi o¼~ Uk^QAU« » o^Yj oT^vf RB S†« B^Q,k^AT^f ~ Äi ±dU
/k^pBw ¥«B^Y

Un°Co-°B^¼S^¼ | ±~inj ° oTz^M μ°sQ³Y^k k^Q k^QpB^¼-¼^Q a^μ -BwB^Q°An -3
¼S ¼±« ³M^Y³ ° CpAj±i ° ° -nj -BwB^Q°An ³ ° ABMS wAn°CS -c{/k^Qj ° B\A ~ Äi
,ÄX^Q) k^Aj n°C ¥^a ³MP^AS^eÄ« ¥^M ° B^ToZ^Q,k^Q» « Rk Bv » Ti B^Q B^Q K^¼oU
S -oz^Q ¼³M, ±M« S ¼Äi ³Y³ ° C InB^Mj p±^Q/(198ä, -T±^a¼;199ä, ¥¼ -¼h^B
° oLoT^Q{A;1989, ° y ¼B^Q{,ÄX) kⁿA » Y^kA» ¼ y A ,k^μj» « ¥¼ zU^M » a¹
/(1996, ° A^¼n±f

° B^μ³^QŠÇ -¼^QkU • ° k^QM¼ ° oTz^M]±U, » M\UR^BS^QdU • ¼ x oT^vf pAo¼
:k^QhMk^¼ ¼³a^μ pAy ¼MP^oS^Y L^Q ° j ,of^Be ±^Be nj /j±zMS ¼Äi oTM¼j ° oU «B]
° » B^Yv^A B^Qo^Qw> nj ° nAn^Q ³B^Qo^Qw ³M^jo~ B^TA» wnoM^PM^Y ° jB~ TA° B^μ±c^SA • SA
;1992, ° ± ° n ° ° -vL°n,ÄX) k±{» « o¼nj q^¼C²o[†]Bⁿ« ° B^μnB^Fn nj ° k^pA^Q» «
<J BⁿTA-n±^QU° ±^QS^Q ³Q^Y » |«B^Q U° B^μ±^QS^QAJ ° ;(1995, ° RnB^QMS ° oLoT^Q{A
° } h^Q; ~ ÄQ k^QAC^Q-pA° oT«B^YR^Bd¼f±U° B^Fwⁿ nj S ¼Äi pAA (196ä)¥^Y
° jB~ TA° B^μ³^QŠ^Q ° μ/k^Aj^Q x oT^vf ° ...vM1999, -T±^a¼;1995, ° q^¼) jⁿCo-
» M\U-±«pC ° ABM^B¼» ¼Y^Q ¼³Y » fB^¼ ° B^μ±c^SAy ¼A^QpA» |«B U° B^μ³^QŠ^Q ° μ °
/(1997, -T±^a¼)k^Q» « S^¼e ,k^ATⁱ Bw k Tv«

³a^oμ ° B^μjoM^BY ° B^Fwⁿ nj k^¼MS ¼Äi » a¹ ° ° ,³ ° a³a^μ pAoT^a « k^¼ ° ° B\bw
» Ti B^Q°An K^S] |k^¼Q ¼^BQ, » |Yⁿ±† ³M^B] ° ABMS ¼Äi >/k^Mx oT^vf oU¼«

-¼µ ³Mq¼° KpAk̄ABU/S wA° Kk̄pnA» ~h{ ° » B^aT] AnBEn, -C oM^oq-A³ |MS v¼
 /jnAj j±] ° » ~h{ S ¼Ài -joM^{BM} kµ BMBj±i J Bÿ^o ²BnBÿ^{3a}µ -C ³ÿS wAÿ¼
 ¼^a ° ©! oMÿS wA ¼^w -B^aK|“A»|^a ° Bⁱ³i Ak^o » a! y ¼ -M B { Anµ «
 ° x oTvf ³MS ¼Ài ³M, ±M« y µ^osQof A, k^oµ /S wA²k { ²k^o Ak^¼oU. ¼^w ° j oµ
 -Th¼C^o M^¼¼^o pA» a!ç ° Bⁱ³i^oŠ³ç³ç k¼^own k¼^oAi A-» B^op ,kµj ³«Aj±i E±^o
 S ¼^oç nj /k^oBwn»ç R^¼A³M^¼j±i ° k^oj±w ,²^o«p^on ° B^¼ nj S ¼Ài q¼CS ¼±«
 ³Q^¼ ³^o¼^oµ ç³ç S ¼Ài nmçµn pAk^oA^¼MS wA- ^a« ozM^¼A^oApA^ooTz^¼µ^oµ jAk U
 /k̄nAnCMy ¼^a-

○ ○ ○

یادداشت‌ها:

- | | |
|----------------------------|--------------------------------|
| 1- Guilford, J. P. | 2- Creativity |
| 3- Sternberg, R. J. | 4- Lubart, T. I. |
| 5- Kohler, W. | 6- Rogers, C. |
| 7- Skinner, B. F. | 8- Bruner, J. |
| 9- Birren, J. E. | 10- Simon, H. A. |
| 11- Campbell, D. T. | 12- McClelland, D. C. |
| 13- Muses | 14- Primary process thinking |
| 15- Gedo, J. E. | 16- Insightful problem solving |
| 17- Expertise acquisition | 18- Computer simulation |
| 19- Davdson, J. E. | 20- Feeling - of - knowing |
| 21- Protocol analysis | 22- Incubation |
| 23- Information processing | 24- Bowers, K. S. |
| 25- Farvolden, P. | 26- Mermigis, L. |
| 27- Schooler, J. W. | 28- Melcher, J. |
| 29- Subliminal stimulation | 30- Spreading activation |
| 31- Smith, S. M. | 32- Ward, T. B. |
| 33- Finke, R. A. | 34- Vaid, J. |
| 35- Visual imagery | 36- Finke, R. A. |
| 37- Ericsson, K. A. | 38- Hayes, J. R. |

- | | |
|-------------------------------|----------------------------------|
| 39- Howe, M. J. A. | 40- Davidson, J. W. |
| 41- Sloboda, J. A. | 42- Boden, M. A. |
| 43- Johnson - Laird, P. N. | 44- Newell, A. |
| 45- Simon, H. A. | 46- Problem solving |
| 47- Langley, P. | 48- Bradshaw, G. L. |
| 49- Zythow, J. M. | 50- Shrager, J. |
| 51- Genetic algorithms | 52- Genetic programming |
| 53- Martindale, C. | 54- Galton, F. |
| 55- Terman, L. M. | 56- Barron, F. X. |
| 57- Harrington, D. M. | 58- Structure-of-intellect model |
| 59- Triarchic | 60- Gardener, H. |
| 61- Dellas, M. | 62- Gaier, E. L. |
| 63- Mac Kinnon | 64- Eysenck, H. J. |
| 65- Jamison, K. R. | 66- Ludwig, A. M. |
| 67- Csikszentmihalyi, M. | 68- Rothenberg, A. |
| 69- Eisenstadt, J. M. | 70- Goertzel |
| 71- Lykken, D. T. | 72- Walter, N. G. |
| 73- Bouchard, T. J. | 74- Tellegen, A. |
| 75- Blacker, D. | 76- Root-Bernstein, R. S. |
| 77- Bernstein, M. | 78- Garnier, H. |
| 79- Evolving systems approach | 80- Gruber, H. E. |
| 81- Idiographic | 82- Nomothetic |
| 83- Arenberg, D. | 84- Costa, P. T. |
| 85- Lehman, H. C. | 86- Lindauer, M. S. |
| 87- Harrington, D. M. | 88- Amabile, T. M. |
| 89- Historometric | 90- Eisenberger, J. M. |
| 91- Cameron, J. | 92- Brainstorming |
| 93- Osborn, A. F. | 94- Farr, J. L. |
| 95- Diehl, M. | 96- Strobe, W. |
| 97- Roy, M. C. | 98- Gauvin, S. |

- | | |
|----------------------|----------------------|
| 99- Limayen, M. | 100- Domain |
| 101- Kuhn, T. S. | 102- Dunbar, K. |
| 103- Kroeber, A. L. | 104- Sorokin, P. |
| 105- Lambert, W. E. | 106- Tucker, G. R. |
| 107- d' Anglejan, A. | 108- Nemeth, C. J. |
| 109- Kwan, J. | 110- Helson, R. |
| 111- Divergence | 112- Convergence |
| 113- Rathunde, K. | 114- Whalen, S. |
| 115- Getzels, J. | 116- Subotnik, R. F. |
| 117- Shadish, W. R. | 118- Gordeeva, T. |
| 119- Rubenson, D. L. | 120- Runco, M. A. |
| 121- Lubart, T. L. | 122- Human capital |

○

○

○

عامل موفقیت در کنکور*

گفتگو با سمیرا فاروق، رتبه اول آزمون سراسری سال ۱۳۷۹ در گروه آزمایشی تجربی
دانش آموخته مرکز فرزندان تهران



- خانم فاروق، امسال رتبه اول در گروه علوم تجربی به نام شما ثبت شد، برای کسب چنین رتبه‌ای، شیوه و روش خاصی داشتید؟
- نه. تنها کاری که کردم آنطور درس خواندم که خودم دوست داشتم، زمان گذاشتم، ولی احساس سختی و تنگنا نکردم، با آرامش درس خواندم و به چیزهای منفی و یا عدم توانایی فکر نکردم. فکر کردم که می‌توانم موفق شوم و باید قبول شوم.
- گویی برنامه ریزی و نحوه عملکردتان را با مؤسسات کمک آموزشی که در ارتباط با کنکور فعالیت می‌کنند هماهنگ کرده بودید، از نحوه برنامه‌ریزی آنها راضی بودید؟
- اولاً برنامه‌ریزی خاصی برای خواندن نداشتم و به صورتی درس می‌خواندم که عادت داشتم، ثانیاً، هیچ مؤسسه یا مرکزی برای من برنامه‌ریزی نکرده بود. من فقط با خودم هماهنگ بودم. آدم باید به خودش اطمینان داشته باشد، تکیه کردن به مؤسسه یا مرکزی که برای انسان برنامه‌ریزی کند نمی‌تواند در نهایت موفقیت انسان را رقم بزند. به خودم بیشتر اطمینان داشتم.

○ یعنی از هیچ یک از کلاسها و مؤسسات کنکور استفاده نکردید؟

● از کلاس کنکور نه. چون مدرسه، همکلاسیان و دبیرانمان همگی خوب بودند و نیازی به کلاس یا دبیر خصوصی نداشتم، هر مشکلی که داشتم از طریق مدرسه حل می‌کردم. ولی بعد از عید در آزمونهای مختلفی که به صورت آزمایشی و تمرینی توسط مؤسسات خصوصی برگزار می‌شد شرکت می‌کردم، که خیلی هم خوب بود و من با شرکت در این آزمونها با نحوه آزمون و جو آزمون آشنا شدم. از آن گذشته در این گونه مؤسسات بیشتر تمرین می‌کردم و خود این مطلب باعث شد که در کنکور سراسری با آمادگی بیشتری شرکت کنم.

○ در منزل هم می‌توانستید از انواع کتابها و جزوات تست استفاده کنید و شرایط کنکور را برای خودتان مهیا کنید و از این طریق خودتان را بسنجید. اگر از این امکانات استفاده نمی‌کردید، گمان می‌کنید باز هم رتبه اول می‌شدید؟

● من نمی‌توانم پیش‌بینی کنم ولی فقط می‌توانم بگویم استفاده مفید و خوب از آزمونها و تست‌های مختلف می‌تواند به انسان کمک کند. من اگر از این کلاسها و آزمونها استفاده نمی‌کردم باز هم قبول می‌شدم. به نظر من آدم باید کاری انجام دهد که احساس آرامش کند و از هر موضوع و مطلبی که باعث می‌شود که آرامش انسان سلب شود دوری‌گزینند. در ضمن درست است که در منزل هم می‌توانستم تست تمرین کنم یا خودم شرایط یک آزمون را فراهم کنم، ولی در اینگونه مؤسسات جو شبیه کنکور بود و انسان در یک محیط خاص کنکوری قرار می‌گرفت، که چنین چیزی را در منزل نمی‌توان تجربه کرد.

○ به نظر شما استفاده از کلاسها و مؤسسات کنکوری ایجاد آرامش می‌کند یا آرامش داوطلب را برهم

می‌زند؟

● این بستگی به خود داوطلب دارد. البته خیلی از کلاسهای کنکور واقعاً آرامش انسان را برهم می‌زند. الان در بازار داغ کلاسهای کنکور شرایطی هست که می‌خواهند فقط سود ببرند و به دنبال سودجویی هستند و به این خاطر آرامش داوطلبان کنکور را برهم می‌زنند. ولی در کل زمان کنکور یک حالت استرس و نگرانی بین داوطلبان کنکور وجود دارد، و اکثراً فکر می‌کنند که اگر از فلان مؤسسه یا فلان معلم خصوصی استفاده کنند می‌توانند موفقتر باشند. این حالت خصوصاً در دختران بیشتر از پسران دیده می‌شود. از این گذشته برخی از معلمین و یا مؤسسات می‌گویند که وابسته به سازمان سنجش هستند، این تبلیغات باعث می‌شود تا انسان به طرف این

مؤسسات کشیده شود. اما من می‌گویم که انسان هرکاری که می‌خواهد، بکند ولی کاری انجام ندهد که آرامشش برهم بخورد. اگر کسی فکر می‌کند از فلان معلم که استفاده کند می‌تواند موفقتر باشد، استفاده کند، اما اولاً مواظب باشد که وقتش به هدر نرود و کار آیی خود و معلم و کلاس و... را در نظر بگیرد و ثانیاً مواظب باشد که آرامش روحی و روانی‌اش برهم نخورد. هرکاری را که فکر می‌کند آرامشش را برهم می‌زند کنار بگذارد.

○ گویا برای درس ریاضی از معلم خصوصی بهره بردید. مگر در این درس ضعیف بودید؟
● نه، من در هیچ درسی ضعیف نبودم. فقط برای رفع اشکال از معلم استفاده می‌کردم. مثلاً برای درس ریاضی از معلم استفاده کردم، چون احساس می‌کردم که اگر اینطور عمل کنم به نفع من است.

○ گفتید که ار فروردین امسال به بعد در بیشتر آزمونهای تستی که برگزار می‌شد شرکت می‌کردید. چه رتبه‌هایی در این آزمونها کسب می‌کردید؟

● معمولاً رتبه بین ۴ تا ۱۶ بود. ولی خیلی از آزمونها استاندارد نبود و بسیار هم غلط داشت.
○ فرض کنید در یکی از این آزمونها رتبه خیلی ضعیفی به دست می‌آوردید. آن وقت چه می‌کردید؟
این موضوع آرامش شما را برهم نمی‌زد. یا اینکه فکر کنید در کنکور سراسری هم ممکن است رتبه تان بد شود؟

● نه اصلاً، انسان نباید تلقین‌های منفی به خود راه دهد. اگر هم یک وقت چنین اتفاقی بیفتد باید آنرا به موضوع‌های دیگری ربط داد. هرگز نباید منفی فکر کرد. چون همینکه انسان به خود تلقین کند که ممکن است قبول نشود و یا رتبه‌اش بد شود احتمالش زیاد است که چنین اتفاقی بیفتد.

○ از کی مطالعه جدی را برای کنکور آغاز کردید؟

● تقریباً از زمانی که مدرسه شروع شد. کلاسهای من از ۱۳ شهریور شروع شد و تقریباً از همان زمان به صورت جدی مطالعه‌ام را آغاز کردم.

○ از ابتدا برنامه‌ریزی مدونی داشتید؟

● نه اصلاً، برنامه‌ریزی مدون نداشتم هرگز برنامه‌ریزی نمی‌کردم که من را تحت فشار قرار دهد. به این صورت نبود که بگویم از فلان ساعت تا فلان ساعت باید درس بخوانم. دوست داشتم تا جایی بخوانم که درس مربوطه را به جایی برسانم. دوست نداشتم که یک اجبار بیرونی

روی من باشد، اصلاً اینطور عادت نداشتم.

درس خواندن را دوست داشتم به همین خاطر هم هیچ فشار یا اجباری را احساس نمی‌کردم. در حقیقت از درس خواندن لذت می‌بردم.

○ روزانه تقریباً چند ساعت درس می‌خواندید؟

● مهم نیست که انسان در روز چند ساعت بخواند. یعنی اگر کسی روزانه ۱۸ ساعت درس می‌خواند، نمی‌توان قبولی او را تضمین کرد. بازدهی ساعات مطالعه خیلی مهمتر است. اینکه من روزانه چند ساعت می‌خواندم بعد از کنکور به آن فکر کردم، خصوصاً زمانی که رتبه‌ام را فهمیدم. چون که می‌دانستم که از من خواهند پرسید روزانه چند ساعت درس می‌خواندم. دوستان نیز این سؤال را از من می‌پرسیدند و با جواب منفی من که روبرو می‌شدند گمان می‌کردند دروغ می‌گویم. ولی در واقع هیچ وقت حساب ساعات درس خواندنم را نداشتم. من در زمانی که مدرسه می‌رفتم تا ساعت ۳ بعد از ظهر مدرسه بودم ساعت ۴ هم که به خانه می‌رسیدم و کمی استراحت می‌کردم، حدوداً روزی ۶ ساعت مطالعه داشتم و بعدها که مدرسه نمی‌رفتم تقریباً روزی ۱۲ ساعت درس می‌خواندم.

○ به چه صورت می‌خواندید؟

● معمولاً هر روز که می‌خواستم شروع کنم می‌دانستم که چه درسی را باید بخوانم، چه درسی را خوب بلدم و چه درسی را کمتر بلدم و می‌دانستم چه تستی را باید بزنم. البته تا قبل از عید خیلی نگران نبودم. آن هم به خاطر اینکه برنامه‌ریزی مدون نداشتم و فکر می‌کردم باید یک برنامه‌ریزی خاصی داشته باشم ولی بعد فهمیدم که اینطور نیست بلکه آنطور که راحتم، باید درس بخوانم.

○ قبل از کنکور گمان می‌کردید که چنین رتبه‌ای را کسب کنید؟

● زیاد به این موضوع فکر نکردم. هدف من رتبه آوردن نبود. هدف من این بود که در رشته پزشکی دانشگاه تهران قبول شوم و می‌دانستم که به این هدف می‌رسم. البته اوایل فکر می‌کردم رتبه‌ام زیر ۱۰۰ بشود، بعداً که امتحان دادم و درصدهایم را حساب کردم دیدم که ممکن است رتبه‌ام زیر ۱۰ بشود به هر حال آدم همیشه فکر می‌کند دیگران بهتر امتحان داده‌اند.

○ چرا پزشکی؟ به این رشته علاقه‌مند بودید؟

● فکر کنم هرکسی که با هر رشته‌ای تا حدی آشنایی داشته باشد به آن علاقه پیدا می‌کند یا

لااقل به آنطرف سوق پیدا می‌کند. خانواده و بیشتر آشنایانم در این رشته تحصیل کرده‌اند و مسلماً با این رشته بیشتر از سایر رشته‌ها آشنا بودم. به همین خاطر یک علاقه و حس خاصی نسبت به این رشته در من بوجود آمده بود.

○ یعنی اگر خانواده شما در چند رشته متفاوت تحصیل کرده بودند، شما هم به چند رشته علاقه‌مند می‌شدید؟ در این صورت کدامیک را برمی‌گزیدید؟

● نه، منظورم این نبود که به خاطر خانواده‌ام به این رشته گرایش پیدا کردم من گفتم به دلیل آشنایی بیشتر با این رشته به این طرف تمایل پیدا کردم، خودم واقعاً به آن علاقه دارم. در مدرسه هم وقتی به آزمایشگاه زیست می‌رفتم در کار تشریح ماهی یا قورباغه علاقه خاصی داشتم. من درس زیست‌شناسی را خیلی دوست دارم.

○ غیر از رشته پزشکی به هیچ رشته دیگری فکر نکردید؟

● تقریباً از اول دبیرستان به فکر رشته پزشکی بودم و بجز این رشته به هیچ رشته دیگری فکر نکردم.

○ اکنون شما در آغاز راه هستید و قصد دارید در این رشته فعالیت کنید چه تصویری از این رشته در ذهن دارید؟

● چیز خاصی نمی‌دانم. تقریباً به همان اندازه که با آن آشنا هستم می‌دانم. شاید یک سری چیزها قابل بیان نباشد ولی این حس قشنگی است که انسان احساس کند می‌تواند به دیگران برای بدست آوردن و برگرداندن سلامتیشان کمک کند. وقتی به این فکر می‌کنم که من می‌توانم باعث شوم انسانی سلامتی خودش را بدست آورد، یک حس قشنگی در من بوجود می‌آید.

○ این حس را در سایر رشته‌های غیر پزشکی نمی‌توانستید درک کنید؟

● فکر نمی‌کنم. پزشکی هم گسترده‌تر است، هم علمی‌تر و در ضمن نوعی هنر است. در ضمن به این رشته علاقه‌مند بودم و هستم.

○ چند درصد از انتخاب رشته شما براساس موقعیت شغلی آینده یا پرستیژ اجتماعی این رشته بوده است؟

● می‌توانم بگویم صفر درصد. تازه الان وضعیت کاملاً برعکس شده. کسی که می‌خواهد این رشته را انتخاب کند در ابتدا به آینده تاریکی که برای پزشکی تصور می‌شود نگاه می‌کند.

○ اگر قرار بود بجز پزشکی رشته دیگری برگزینید، چه رشته‌ای را انتخاب می‌کردید؟

● حتماً رشته هنر، به تئاتر خیلی علاقه دارم.

○ فکر نکردید که رشته هنر را برگزینید و تئاتر را ادامه دهید؟

● ببینید، من فکر می‌کنم جو هنر در جامعه ما چندان جالب نباشد. در ضمن گمان می‌کنم این رشته را به صورت مکمل و هم زمان با رشته دیگری هم می‌توان ادامه داد.

○ گفتید خانواده شما نیز تحصیله رشته پزشکی هستند. یعنی بجز والدین سایر افراد خانواده نیز تحصیله این رشته هستند؟

● بله، پدرم متخصص زنان هستند و مادرم متخصص کودکان. من دو خواهر دیگر نیز دارم که خواهر کوچکم اکنون در سال دوم دبیرستان تحصیل می‌کند و خواهر بزرگترم نیز اکنون دانشجوی سال پنجم رشته پزشکی دانشگاه تهران است.

○ به نظر شما تحصیلات و موقعیت مالی خانواده تا چه حد در موقعیت فرزندان آنها تأثیرگذار است؟

● این که تحصیل و موقعیت خانواده در موفقیت فرزندان تأثیر مثبت دارد، یک مسأله نسبی است، و بیشتر به خود فرد بستگی دارد. من فکر می‌کنم خیلی از افرادی که در زمینه‌های مختلف، حتی در کنکور و دانشگاه موفق بوده‌اند، خانواده‌هایشان دارای تحصیلات و موقعیت مالی خوب هم نبوده‌اند.

فکر می‌کنم افرادی که در خانواده‌هایی که تحصیلات کمتر دارند، باید زحمت بیشتری بکشند چون تمام مسئولیت روی شانه‌های خود فرد است. هیچ‌کس نیم تواند ادعا کند به خاطر اینکه خانواده‌اش تحصیلات نداشته موفق نشده است.

○ هیچ وقت برای شما پیش آمده است که خواب، تفریح و یا مسافرت شما تحت تأثیر کنکور حذف شود و یا کم شود؟

● ببینید، در این یک ساله که قرار است داوطلب کنکور خود را برای آزمون آماده کند، باید نهایت تلاش خود را به کار بندد و مطمئن شود که آمادگی لازم را پیدا کرده است. در این ارتباط مسلماً خیلی چیزها تحت تأثیر این مسئله قرار می‌گیرد. ممکن بود تفریح و یا گردش من هم تحت تأثیر درس خواندن کم یا حذف شود اما احساس سختی و فشار نمی‌کردم. احساس می‌کردم الان به نفع من است که درس بخوانم. احساس وظیفه می‌کردم و این حس وظیفه من را به خواندن بیشتر تشویق می‌کرد، و به همین خاطر هم احساس لذت می‌کردم.

○ درصدهایی که در کارنامه شما ثبت شده بود بخاطر دارید؟

● بله، ریاضی ۹۶٪، فیزیک ۱۰۰٪، شیمی ۱۰۰٪، عربی ۹۴٪، ادبیات ۹۵٪، معارف ۹۵٪، زبان ۱۰۰٪.

○ شما چه تعریفی از موفقیت دارید؟

● به نظر من آدم موفق کسی است که به هدفش برسد. هدف هر کسی هم به خودش بستگی دارد. اگر آدم اول خودش را و علاقه‌اش را بشناسد، موقعیت خود را بداند و رشته‌ای را در نظر بگیرد که به آن علاقه دارد حتماً می‌تواند فرد موفق‌تری باشد. اگر در ابتدا انسان خود را بشناسد می‌تواند به رشد خودش نیز کمک کند.

○ در انتها اگر صحبت خاصی دارید بفرمایید.

● همانطور که ابتدا گفتم، بچه‌ها سعی کنند به هر صورت ممکن آرامش خود را حفظ کنند و در این زمینه خانواده نقش مؤثری می‌تواند داشته باشد. به نظر من کسی نباید فکر کند نهایت تلاشش را انجام داده و موفق نشده. انسان باید روی اشتباهاتش فکر کند و ناامید هم نشود. آدم باید جنبه‌های مثبتی را که در گذشته داشته است در نظر بگیرد تا کاملاً ناامید و ناتوان نشود.
○ خانم فاروق بسیار سپاسگزارم از اینکه دعوت هفته‌نامه پیک سنجش را پاسخ گفتید و در این گفتگو حاضر شدید. موفق و سربلند باشید.

○ ○ ○

رسانه‌ها و استعدادهای درخشان

حمایت از دانش تنها راه جلوگیری از فرار مغزها*

منابع انسانی آموزش دیده به عنوان رکن اصلی توسعه هر کشور عامل اصلی پیشرفت هستند. براساس تحقیقات سازمان برنامه‌ریزی و توسعه ملل متحد، توسعه منابع انسانی از ضروری‌ترین برنامه‌های کشورهای در حال توسعه است و پرورش مغز از غنایمی است که به هیچ وجه نابود نمی‌شود. از دلایل بارز اهمیت مغزها در توسعه، ظهور آلمان و ژاپن به عنوان قدرتهای برتر اقتصادی طی ۱۰ سال پس از نابودی در جنگ دوم جهانی است. مهمترین دلایل پیشرفت کره جنوبی و مالزی را نیز پرورش مغزها می‌دانند. زمانی که کره جنوبی در اواخر دهه ۱۹۶۰ برنامه توسعه خود را اعلام کرد، مهمترین اصل آن را گروههای هوشمند (دانشمندان و کارشناسانی که فارغ از هرگونه تعلق فکری بودند) تشکیل می‌دادند.

برنامه‌ریزیهای گذشته ایران نشان می‌دهد متأسفانه به این اصل مهم در کشور ما توجه نشده است. بررسی قوانین برنامه‌های اول و دوم و نیز برنامه سوم توسعه حاکی از آن است گروههای هوشمندی که باید ستون اصلی توسعه را تشکیل دهند، نادیده گرفته شده‌اند. نادیده گرفتن گروههای هوشمند و همچنین مغزهای تربیت یافته که برای پرورش آنها هزینه‌های هنگفت

شده است باعث شده است این افراد یا به خارج مهاجرت کنند، یا این که در داخل کشور گروه‌های سرخورده‌یی را تشکیل دهند که عمدتاً در حرفه‌ای به غیر از حرفه خود مشغول هستند.

بحث فرار مغزها که امروزه بحث جدی بسیاری از جوامع توسعه نیافته است، به دلیل از دست دادن ارزشمندترین سرمایه‌ها و منابع انسانی و به مخاطره انداختن توسعه کشور قابل اهمیت است.

کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته متحمل هزینه‌های بسیار سنگین در تربیت نیروی انسانی خود می‌شوند تا بتوانند با پرورش این استعدادها و خلاقیتها، قدمی در جهت توسعه و پیشرفت خود بردارند. علیرغم سرمایه‌گذاریهای فراوان در آموزش و پرورش نیروی انسانی متخصص در این کشورها، متولیان قادر به حفظ اکثر این سرمایه‌های ارزشمند نیستند و بسیاری از آنها یا به کشور خود باز نمی‌گردند و یا مدتی کوتاه پس از بازگشت مجدداً جلائی وطن می‌کنند. اهمیت حفظ و جذب سرمایه‌های انسانی کمتر از پرورش آنها نیست.

روند شتابان فرار مغزها در ایران خصوصاً در سالهای اخیر نشان دهنده وضعیت نگران‌کننده توسعه و پیشرفت کشور در آینده است. آمارها حاکی از آن است که روند فرار مغزها طی سالهای اخیر در کشور ما سیر صعودی دارد. بیش از ۸۰ درصد برگزیدگان المپیادهای علمی و اکثر رتبه‌های دو رقمی قبولشدگان دانشگاهها جذب بهترین دانشگاههای کشورهای توسعه یافته شده‌اند (مجله استعداد‌های درخشان، سال نهم، شماره ۱). آمریکا پر جاذبه‌ترین کشور برای المپیادیهای ایران شناخته شده است. ۴۲ نفر از المپیادیهای ایران در رشته ریاضی، فیزیک، شیمی و کامپیوتر در این کشور زندگی می‌کنند. هنر آمریکا برای جذب مغزها نسبت به کشورهای اروپایی، علاوه بر ارائه تسهیلات و امکانات تحقیقی و رفاهی، یافتن راههای جدید کار تیمی تحقیقاتی و آسان نمودن بوروکراسی اداری در سیستمهای تحقیقاتی خود است.

آمارهای صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد طی سالهای اخیر ۱۰۵ هزار ایرانی با تحصیلات عالی فقط به آمریکا رفته‌اند که نسبت به جمعیت سایر کشورها، ایران از این نظر در صدر قرار دارد و در واقع سالانه ۲ میلیارد دلار سرمایه به این طریق از کشور خارج می‌شود که حاصل آن ضعف بنیه علمی و آموزشی کشور، صدمات سنگین به تولید، کاهش بهره‌وری و

ضربه به شالوده‌های توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی است. آمار دیگری حاکی است که ۱۸۰ هزار پرونده برای مهاجرت به کانادا در سفارت این کشور در تهران تشکیل شده است که بخش مهمی از آنان را مدیران میانی دولت تشکیل می‌دهند. (مجله استعداد‌های درخشان، سال نهم، شماره ۱) براساس یک تحقیق ۸/۲ درصد بیسوادان کشور و ۲۸/۳ درصد دارندگان مدرک لیسانس و بالاتر ابراز تمایل کرده‌اند از ایران مهاجرت کنند و در همین راستا عده بسیاری از تراشکاران، جوشکاران و جوانانی که دوره‌های فنی - حرفه‌ای را گذرانده‌اند برای مهاجرت و کار به کشورهای عربی و آسیای جنوب شرقی چشم دوخته‌اند (صبح امروز ۷۸/۱۰/۲۹). آمار می‌گوید از تابستان ۷۸ تا حال بیش از ۳۰ درصد استادان دانشگاه‌های کشور از دانشگاه‌هایشان تقاضای مرخصی بدون حقوق کرده‌اند تا به خارج از کشور بروند و آنجا ساکن شوند (ایران ۷۹/۸/۱۰). بنابراین به جای این که کشور عزیز ما ایران از سرمایه‌گذاری هنگفت کشور در پرورش استعدادها بهره‌مند شود در خدمت به غرب توسعه یافته قرار می‌گیرد تا فاصله و شکاف ما را با آنها از نظر توسعه و پیشرفت علمی - اقتصادی بیشتر و عمیق‌تر سازد.

ایرانیان چه در عرصه‌های علمی و چه در اقتصاد نشان داده‌اند، در کشورهای غربی، در مقایسه با سایر گروه‌های قومی مهاجر از ضریب هوشی بسیار بالا برخوردار هستند. بنابراین جزو موفق‌ترین آنها هستند. جراحان و پزشکان متخصص ایرانی در آلمان یا امریکا شهرت جهانی دارند و در بسیاری از شرکتها و مراکز علمی بزرگ امریکا ایرانیان پیشرفت شگرفی کرده‌اند (ایران ۷۹/۴/۲۰) از نظر حجم سرمایه‌های قومیت‌های مختلف، چینی‌ها با سرمایه‌ای در حدود ۵۰۰ میلیارد دلار برای رتبه نخست و ایرانیان با حدود ۲۰۰ میلیارد دلار رتبه دوم را به خود اختصاص داده‌اند. دولت چین برنامه‌های متعدد برای جذب نیروهای انسانی و سرمایه‌های مالی چینی‌های مهاجر به سرزمین مادری در دست اجرا دارد. بی‌تفاوت بودن نسبت به چنین حجم بزرگی از سرمایه‌های انسانی و مالی کشور ما در خارج از کشور و در حفظ پتانسیل‌های موجود در کشور، خیانت به تاریخ و نسل آینده است. (ایران ۷۹/۴/۲۰)

دکتر ظریفیان شفیعی معاون وزیر علوم در این زمینه می‌گوید: آمارها نشان می‌دهد عده قابل توجهی از نیروهای متخصص که از کشور خارج شده‌اند، به هیچ‌وجه با نظام سیاسی ما در تضاد نیستند، بلکه دنبال محیطی می‌گردند تا بتوانند در آن فضا با آرامش خاطر به

فعالیت‌های علمی خودشان پردازند. برای فرار مغزهای کشور، علل متفاوت عنوان می‌شود ولی می‌توان در عوامل اصلی تأکید کرد که عبارتند از:

۱- توجه کافی نداشتن به تحصیلکرده بالاخص نیروهای علمی و نخبه کشور و فراهم نبودن امکانات کار و رشد برای این قشر.

متأسفانه نادیده انگاشتن و سرمایه‌گذاری نکردن برای جذب نخبگان باعث بی‌بهره ماندن از این منابع غنی است. نگرش‌های منفی درباره فرهیختگان و دانشگاهیان، شفاف نبودن جایگاه علم و عالم از عواملی است که باعث می‌شود جذب نیروهای متخصص که در مؤسسات تحقیقاتی پیشرفته دنیا به آسانی ممکن می‌شود در ایران مشکل باشد و مشکلات پیش‌پای پژوهش و نیز بازخواست‌های فراوان حاصل از پژوهش موجب شود عوامل دافعه در گرایش به تحقیق در ایران بسیار بیشتر از جاذبه آن باشد.

۲- ضعف ساختاری برنامه‌ریزی و مدیریت: به طور کلی توسعه نیافتگی، ناکارآمدی و بسیاری از ضعف‌های ساختاری نظام برنامه‌ریزی و مدیریت کشور، ناامنی و موانع متعدد در راه اشتغال و فعالیت‌های علمی و پژوهشی نخبگان به وجود می‌آورد که هر یک نقش مؤثر در افزایش روند مهاجرت مغزها به خارج کشور دارد. فقدان برنامه‌ریزی و استراتژی جامع در کشور، شکاف میان نظام آموزشی و ساختار شغلی، مشارکت نداشتن نخبگان در تصمیم‌گیری و مدیریت، بوروکراسی عریض و طویل اداری و بی‌قاعدگی اجتماعی از جمله عوامل مهم تأثیرگذار بر فرار مغزهاست.

۳- ناآرامی‌های سیاسی: فضای متلاطم و ناآرامی‌های سیاسی - اجتماعی همانگونه که مانع سرمایه‌گذاری بلند مدت برای تولید می‌شود. جامعه را از حضور افرادی که نمی‌خواهند سرمایه‌های ذهنی‌شان در محیط‌های متلاطم هدر برود محروم خواهد کرد. در واقع به میزانی که جامعه دچار تلاطمات سیاسی و فرهنگی و شغلی بیشتری می‌شود فرار مغزها رشد تصاعدی می‌یابد.

۴- وضعیت رفاهی نامطلوب محققین و اعضای هیأت علمی: پایین بودن سطح معیشتی محققان و اساتید دانشگاهها و آمارهای تکان دهنده در اختلاف درآمد دانشگاهیان با سایر اقشار جامعه و نادیده گرفتن منزلت اجتماعی دانش‌آموختگان از جمله عوامل مهاجرت نخبگان به خارج از کشور است. نداشتن سطح مطلوب رفاه موجب می‌شود بسیاری از

محققان و اساتید در چندین جا اشتغال داشته باشند که مغایر با اصول و مبانی یک زندگی علمی است.

۵- حاکمیت روابط بر ضوابط و خویشاوند (باند) سالاری: تعریف معیارهای غیر علمی برای نصب و انتصاب و نیز وجود حصارهای امنیتی برای عده‌ای خاص که دارای نفوذ سیاسی یا ارتباط شخصی با صاحبان نفوذ هستند و نهایتاً اولویت‌های غیر تخصصی از عوامل اصلی عقب ماندگی علمی کشور تلقی می‌شوند. چیرگی روابط برای پیشبرد امور در ادارات و تضعیف شدید ضابطه‌مندی موجب دلسردی بسیاری از تحصیلکرده‌های کشور مخصوصاً آنهایی می‌شود که از خارج کشور آمده‌اند. گریز نیروهای متخصص از کشور لطامات سنگین به کشور وارد ساخته است و در آینده کشور را وارد بحران خواهد ساخت. از نشانه‌های بارز عوارض حاصله، بروز بحرانهای جدی در تولیدات کشور و وابستگی شدیدتر کشور به خارج است.

برای جلوگیری از روند روبه رشد فرار مغزها به خارج از کشور، ایجاد اصلاحات اساسی از نظر اشتغال، تأمین امکانات رفاهی، دوری از تشنجه‌ها و بی‌ثباتیهای سیاسی، گسترش امکانات تخصصی و پژوهشی، اختصاص بودجه مناسب برای احداث فضاهای تحقیقاتی، توجه به شأن و منزلت اندیشمندان و فکر و اندیشه آنان کاملاً ضروری است.

پژوهشگران و متخصصان، ارزشمندترین منابع کشور هستند و موجب رشد، توسعه و پیشرفت کشور. از اینرو ضرورت دارد مسؤولان تدابیری بیندیشند که راههای فرار مغزها را مسدود کنند. تدوین نکردن یک استراتژی ملی برای ایجاد فضای علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مناسب برای جذب، حفظ و استفاده از نخبگان و مغزهای علمی برای توسعه کشور به صورتی عاجل و فوری، در نهایت خیانت به نسلهای آینده ایران است.

دانش آموزان تیزهوش کیستند؟*

شناخت دانش آموز تیزهوش کاری نه چندان ساده است. این کار بسیار ساده‌تر بود اگر آموزگاران می‌توانستند جلوی کلاس بایستند و بگویند: «دانش آموزان تیزهوش لطفاً بایستند.»

البته شناسایی دانش آموزان دارای توانایی‌های شناختی استثنایی، بسیار پیچیده‌تر است. در واقع چنانچه چنین پرسشی از جوانان امروز شود، بسیاری از دانش آموزان واقعاً تیزهوش در سایه دانش آموزان زرنگ قرار می‌گیرند، یعنی یا از شناخته شدن می‌ترسند یا از استعداد خود بی‌خبرند.

جامعه همواره میزان هوش افراد را براساس نمره امتحانات سنجیده است و نمره بالا را مساوی هوش بالا فرض کرده است. این در حالی است که کارشناسان آموزش اکنون معتقدند بسیاری از دانش آموزان باهوش ضرورتاً کسانی نیستند که نمره بالا می‌گیرند.

در حال حاضر، بحثهایی در مورد تعریف و منشأ «هوش» در جریان است و بسیاری افراد بر این اعتقادند که هوش را می‌توان با سنجش بهره هوشی معین کرد. اما عده‌ای دیگر طرفدار آن هستند که تعریف گسترده‌تری از هوش شود. هاوارد گاردنر روانشناس از جمله این افراد است که نظریه هوش چندگانه را مطرح کرده است. به اعتقاد گاردنر، چند نوع مختلف هوش وجود دارد، مانند هوش زبانی، فضایی، موسیقی، منطقی - ریاضی، بین فردی و درون فردی. صرفنظر از چگونگی تعریف هوش، پژوهشگران بر این نکته اتفاق نظر دارند که هوش هم به عوامل محیطی و هم به عوامل ژنتیک مربوط است.

چه چیزی دانش آموزان تیزهوش را متمایز می‌کند؟

در بررسی سوابق دانش آموز برای آن که مشخص شود آیا وی در تعریف تیزهوش می‌گنجد یا نمی‌گنجد، کارشناسان به چند معیار توجه می‌کنند. یکی از پیش شرط‌های اولیه، سطح بهره‌هوشی است. پژوهشگران عمدتاً معتقدند بهره هوشی بالای ۱۲۰ شخص را دارای توان هوشی برجسته نشان می‌دهد. دانش آموزانی که نمره بالاتر از ۱۶۰ بگیرند، تیزهوش و استثنایی تلقی می‌شوند. بسیاری از والدین و کارشناسان، معیارهایی دیگر را در بچه ذکر می‌کنند. از جمله برخورداری از دایره واژگانی گسترده، پرسیدن سئوالات پیچیده، میل به داشتن دوستان بزرگتر، مشاهدات حسی خاص، خلاقیت بالا، توانایی بالای حل مشکل و حافظه عالی.

برخی دیگر از دانش آموزان تیزهوش استعدادی در یک زمینه خاص مانند ریاضیات، زبان یا موسیقی نشان می‌دهند. به رغم وجود انواع آزمونها برای تعیین بچه‌های تیزهوش، بسیاری از ذهنهای کارآمد ناشناخته می‌ماند.

برخی از دانش‌آموزان تیزهوش در دسر آفرین یا بی‌انگیزه به نظر می‌رسند. آنان اغلب رفتار بی‌نظمی، بی‌توجهی و بی‌قراری نشان می‌دهند. دانش‌آموزان تیزهوش اغلب مقررات کلاس را زیر سؤال می‌برند و به این ترتیب در برابر نظم موجود می‌ایستند. گاه حتی تصور می‌شود آنان مبتلا به عارضه‌هایی همچون نشانگان عدم توجه هستند. مبتلایان این عارضه نشانه‌هایی مانند عدم توانایی تمرکز به مدت طولانی از خود بروز می‌دهند.

با این حال، دانش‌آموزان تیزهوش می‌توانند در تکلیف یا موضوعی که به آن علاقه دارند، غرق شوند و مدت‌های طولانی بر آن تمرکز کنند. اما ممکن است برای آنان سخت باشد که منتظر بمانند دیگر همکلاسان مفاهیم درسی را بفهمند. در مواقعی که علاقه تیزهوشان به درستی شناخته نشده باشد، آنان دچار عوارضی مانند خیال‌پردازی، افت نمره و حرف زدن زیاد می‌شوند.

تجربه نشان می‌دهد هنگامی که این قبیل دانش‌آموزان در کنار هم قرار می‌گیرند، استعدادشان شکوفا می‌شود. اگر آنان در محیط‌های یادگیری چالش‌آور قرار بگیرند، بسیاری از دانش‌آموزان تیزهوش نه تنها بازده بالایی دارند، بلکه احساس پذیرش و اطمینان می‌کنند. آموزگاران دوره دیده می‌توانند در کلاس طوری برخورد کنند که از کشمکش جلوگیری شود و در عوض انگیزه کافی پدید آید.

در محیط نامساعد، تیزهوشی می‌تواند به صورت یک مانع یادگیری درآید. محدودیتهای کلاس عادی برای بسیاری از تیزهوشان ممکن است سرخوردگی ایجاد کند و در نتیجه سبب شود تواناییهای آنان به صورت بی‌توجهی و دشمنی با نظم آموزشی جلوه کند. بنابراین، دانش‌آموزان تیزهوش ضرورتاً کسانی نیستند که بهترین نمرات را به خانه می‌آورند، بلکه چه بسا دانش‌آموزانی باشند که از تواناییهای خود بی‌خبرند.

کمالی: اگر نگران فرار مغزها هستیم عوامل آن را پیدا کنیم*

پدیده فرار مغزها پدیده‌ای است شناخته شده و عوارض آن برای کشورهای توسعه نیافته

زیانبار است و کسانی که نگران فرار مغزها هستند باید عوامل اساسی این پدیده را مورد ارزیابی قرار دهند.

حسین کمالی وزیر کار که در دیدار با اعضای شوراهای اسلامی کار سخن می‌گفت ضمن اعلام این مطلب افزود: فرار مغزها در فضای فاقد امکانات تحقیقاتی پیشرفته بویژه در کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه با امید به یافتن محیطی مناسب و مطلوب و رضایتبخش برای کار و زندگی شکل می‌گیرد و عدم استفاده از توان افراد ماهر و مهارت‌های آنان در کشورهای مبدأ و امنیت سیاسی و اجتماعی لازم مربوط به فرار مغزها را سامان می‌دهد.

وزیر کار و امور اجتماعی در بخش دیگر خواستار برپایی همایش حمایت از تولید ملی از سوی تشکلهای کارگری و کارفرمایی و عمومی دستداران صنعت و تولید کشور شد. وی با اشاره به برگزاری نخستین همایش حمایت تولید ملی در سالهای گذشته، گفت: متأسفانه جایگاه تولید ملی در عرصه اقتصادی به خوبی مورد توجه قرار نگرفته است و این همایش می‌تواند راهکارهای مناسب را برای حمایت از تولید ملی ارائه دهد.

وی تصریح کرد: در صورت عدم توجه به ساختار صنعت و تولید کشور در آینده نزدیک با مشکلات فراوانی روبه‌رو خواهیم شد و همایش تولید ملی می‌تواند محل مناسبی برای تدوین و پیگیری راهکارهای حمایت از صنعت و تولید باشد.

وزیر کار و امور اجتماعی افزود: شاید اساسی‌ترین سؤال همایش ملی از مسؤولان برنامه‌ریزی و اقتصادی و تولید در کشور این باشد که چه تولید کنیم تا کشاورزی و صنعتی پایدار و پیشرو داشته باشیم. کمالی با اشاره به این که مسؤولان و برنامه‌ریزان باید برای تقویت فرهنگ مصرف کالاهای داخلی تلاش کنند، گفت: با کاهش واردات و افزایش خرید کالاهای ساخت داخل و توجه به مقوله ارتقاء کیفیت کالاهای ساخت داخل، می‌توان مشکلات مقطعی را پشت سر گذاشته و برای آینده‌ای بهتر تلاش کرد.

وی افزود: غفلتی که سالیان سال نسبت به تأمین اشتغال با توجه به تخصص‌های موجود صورت پذیرفته امروز خود را در قالب مهاجرت محققان عالی رتبه علمی و مهندسان و تکنیسین‌ها و کارشناسان و پزشکان از توسعه نیافته‌ها به توسعه یافته‌ها شده است. وی ناباوری سالهای گذشته در ارتباط با رشد سریع بیکاری را نشأت گرفته از گزارشها و آمارهای غلطی

دانست که در اختیار مسئولان قرار می‌گرفته است.

رونق کنکورگری در ایران*

پدیده برگزاری کنکور در جامعه ما از ویژگی‌های خاص برخوردار است. این پدیده نه چندان خوشایند به گونه‌ای گسترده، حجیم و قدرتمند شده است که نه تنها اذهان اغلب خانواده‌ها و والدین را متأثر ساخته، که چرخه نظام آموزشی پیش از دانشگاه کشور را، به خصوص در مقطع متوسطه، به طور قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر قرار داده است، به طوری که اصلی‌ترین هدف آموزشی در اکثر دبیرستان‌های کشور عبور از تنگه کنکور و ورود به فضای نسبتاً باز دانشگاه است.

همه ساله کارگزاران دولتی کنکور مجموعه‌ای از سؤالات مختلف را از محتوای دروس مقطع دبیرستان برای آزمون قوت و ظرفیت حافظه و آمادگی ذهنی داوطلبان میلیونی ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور برمی‌گزینند. مدیران و معلمان دبیرستان‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم شاگردان را برای شرکت در این آزمون بزرگ و توفیق ورود به دانشگاه آماده می‌کنند و مسئولان برنامه‌ریزی آموزشی و درسی آموزش و پرورش نیز اسباب و لوازم حرکت این چرخه را در مدارس معین فراهم می‌نمایند.

برای حسن انجام این وظیفه مهم و نیل به مقصود و تقویت حرکت چرخه کهنه و پر قدرت کنکور و گرمی بازار، ناگزیر وزارت آموزش و پرورش با پیش‌بینی تشکیلات لازم و گماردن کارشناسان زبده، زمینه مشارکت بخش خصوصی را برای مدرسانی و تمهید تسهیلات هرچه بیش‌تر و رونق میدان وسیع کنکورگری و بازارچه‌های تست‌زنی فراهم نموده، مجوزهای تأسیس و فعالیت صدها و صدها کلاس و آموزشگاه، مدرسه و مرکز، کانون و مجتمع، انجمن و سازمان روزانه و شبانه برای برگزاری کلاس‌های تقویتی، زبان و کنکور را صادر می‌کنند. کلاسهای به اصطلاح آمادگی کنکور با تبلیغات وسیع مطبوعاتی و رادیو، تلویزیونی چنان بازاری را به پیشه کنکورگری در کشور فراهم می‌آورند که گویا ورود به دانشگاه جز از طریق

* دکتر غلامعلی افروز، روزنامه‌کیهان، شماره ۱۷۰۰۲، ۲ بهمن ۱۳۷۹

آشنایی با شگردهای آن‌ها و بالطبع پرداختن مبالغ هنگفت به ایشان مقدور نخواهد بود. این امر بدان معنی است که نظام رسمی آموزش و پرورش کشور با برنامه‌های مصوب در مقطع متوسطه نمی‌تواند با همه امکانات موجود درصددی از شاگردانش را آماده ورود به دانشگاه نماید. پدیده کنکور به صورتی شکل گرفته است که گویا حتماً حتماً نیازمند یاری رسانی آموزشگاه‌های آزاد و کمک مؤثر کنکورگران حرفه‌ای و دلالت این پیشه‌ناور است. رقابت در این عرصه بسیار فشرده است و صاحبان کارگاه‌های کنکورگری برای جلب مشتری بیش‌تر و کسب درآمد هنگفت و سال افزون، با بهره‌گیری از خدمات جمعی از معلمان و مدرسان رسمی و مجرب دبیرستانها، تبلیغات رسمی و برگزاری کنکورهای آزمایشی، در فزون خواهی خود از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند. به طوری که کم‌تر جمعی است که شاهد برگزاری کنکورگری در یکی از مناطق تهران یا شهرستان‌ها نباشیم.

گاه رونق کارگاه‌های کنکورگری به قدری چشمگیر می‌شود که کارگزاران اصلی کنکور در بخش دولتی را نیز به هوس می‌اندازد که با ایجاد شرکت تعاونی کنکور آن‌ها هم خودشان وارد بازار پیشه‌پر رونق و درآمد کنکورگری شده با برگزاری کنکورهای آزمایشی سراسری طریق کسب درآمد کلان و سود قابل ملاحظه‌ای را برای اعضای شرکت در تعاونی کنکور گران دولتی هموار سازند. در این میان کسانی که عموماً در بالاترین و سردرگمی و بعضاً در تعارض و فشارهای روانی و اجتماعی به سر می‌برند پدر و مادرهایی هستند که فرزندانشان در آستانه شرکت در آزمون ورودی دانشگاهها قرار دارند.

بسیاری از والدین به رغم اشتیاق فراوانی که برای ادامه تحصیل فرزندانشان در دانشگاه دارند، به راحتی نمی‌توانند از عهده پرداخت شهریه‌های فوق‌العاده کلاس‌های کنکور برآیند. تب کنکور و رقابتهای تجاری کنکورگران و فضای تبلیغاتی وسیع کنکورگری، که بسیار از مطبوعات و متأسفانه صدا و سیمای جمهوری اسلامی نیز بدان دامن می‌زنند، آن چنان به طور تصنعی شایع و داغ می‌گردد که گویا اولاً همه دیپلمه‌های کشور حتماً می‌بایست در فکر ورود به دانشگاه باشند و خانواده‌های ایشان نیز برای این منظور باید راه و چاره‌ای بیندیشند، ثانیاً یادشان باشد که راه عبور از تنگه کنکور و خروج موفقیت‌آمیز از آن، از گردنه‌های پریچ و خم کارگاه‌های کنکورگری می‌گذرد.

تبلیغات وسیع کنکورگری به گونه‌ای در جامعه اسلامی ما انجام می‌گردد که بسیار از

اولیایی را هم که فرزندان آنها از هوش فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و با سابقه ممتاز تحصیلی‌شان بدون نیاز به حضور در کلاسهای کنکور به راحتی در رشته مطلوب نظرشان پذیرفته می‌شوند، نگران کرده و آنها نیز درصدد ثبت‌نام فرزند توانمندشان در کلاسهای کنکور بر می‌آیند. البته این کار را عموماً برای کسب مهارت‌های تست‌زنی قلمداد می‌نمایند نه برای دانش‌افزایی! ضمناً با این کار آمار قبولی بعضی از کلاسهای کنکورگری را در دانشگاهها بالا برده و زمینه تبلیغات بیشتری را برای آنان در سالهای بعد فراهم می‌نمایند!

خلاصه کلام این که مسأله کنکورگری در کشور ما به گونه‌ای که هست، باید به عنوان یکی از پدیده‌های مهم اما ناخوشایند اجتماعی، از ابعاد مختلف شناختی، روانی و اجتماعی مورد توجه و بررسی همه جانبه قرار گیرد. به یقین این پدیده به گونه‌ای که امروز شاهد قوت، قدرت و گستردگی آن هستیم نمی‌تواند از دیدگاه اهل نظر و متخصصان مجرب و فهیم تعلیم و تربیت در سطح ملی و جهانی امری مطلوب و پسندیده باشد. البته نیت نگارنده این سطور آن نیست که در این مقاله کوتاه تحلیلی جامع درباره ابعاد مختلف پدیده کنکور و راه‌حل‌های اساسی برای رفع این معضل ارائه کند، بلکه مقصود صرفاً بیان مسأله در حد طرح این موضوع مهم است.

در این جا یادداشت را با طرح چند سؤال قابل تامل در زمینه کنکور دانشگاه‌ها به پایان می‌رسانم:

● آیا باید همه فارغ‌التحصیلان مقطع متوسطه حتماً وارد دانشگاه بشوند؟ اگر پاسخ مثبت است، چگونه؟ به ظاهر صاحبان کارگاه‌های کنکورگری اغلب برای کسب منافع خویش به این امر می‌اندیشند. اگر پاسخ منفی است و دانشگاه‌های کشور فقط می‌توانند همه ساله حدود ۱۰ درصد از داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها را بپذیرند، پس تکلیف قریب به ۹۰ درصد دیگر چیست؟

● آیا به راستی همه سرمایه‌گذاری‌های دولتی در درون آموزش و پرورش، به خصوص مقطع متوسطه و بودجه هنگفتی که همه ساله اولیای دانش‌آموزان دبیرستانی و داوطلب ورود به دانشگاه برای رونق کلاسهای کنکور و کنکورگری‌های آزمایشی اختصاصی می‌دهند برای همین منظور صرف می‌شود؟ یعنی فقط برای حدود ۱۰ درصدی که به دانشگاه‌ها راه می‌یابند و یا این که شایسته است بیش‌ترین هم و توجه و تلاش خودمان را صرف آموزش‌های

کاربردی و اساسی و اکتساب‌های حرفه‌ای و موثر نزدیک به ۹۰ درصد دانش‌آموزانی نمایم که به دانشگاه راه پیدا نمی‌کنند؟

● آیا آموزش و پرورش کشور با همه امکانات و برخورداری از معلمان واجد شرایط کفایت لازم را برای آموزش مؤثر همه دانش‌آموزان و آن ۱۰ درصدی که مستعد ورود به نظام آموزش عالی هستند، ندارد؟ اگر دارد پس چرا مجوز این همه کلاس تقویتی و آموزشگاه‌های موازی آزاد و کارگاهی کنکورگری را صادر می‌کند و آن‌ها را توسعه می‌بخشد؟

● چرا گاهی کارگزاران دولتی خودشان با برگزاری کنکورهای آزمایشی بی‌جهت به این معضل دامن می‌زنند؟ با چه نیت و انگیزه‌ای چنین می‌کنند.

● آیا همه هدف‌ها و جهت برنامه‌های آموزشی مدارس ما به کنکور ختم می‌شود.

● آیا وقت آن نرسیده است که با اندیشه کاربردی کردن مطالب درسی، تجدید نظر اساسی در محتوای برنامه‌های آموزشی و کتاب‌های درسی مدارس، به خصوص در مقاطع راهنمایی و متوسطه صورت پذیرد.

● آیا لازم است ظرفیت موجود دانشگاه‌های کشور افزایش یابد؟ اگر پاسخ مثبت است، چرا و به چه دلیل؟ اگر پاسخ منفی است، پس چه تدبیر بایسته و شایسته‌ای می‌توان برای ۱۰ درصدی که به دانشگاه راه پیدا می‌کنند و نیز ۹۰ درصدی که موفق به ورود به دانشگاه نمی‌شود اتخاذ کرد.

● آیا دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی عالی نمی‌توانند بدون کمک کارگاه‌های کنکورگری موفق به پذیرش درصدی از فارغ‌التحصیلان آموزش و پرورش شوند؟ مگر مجموعه سؤالات از محتوای کتب درسی و برنامه موظف آموزشی ایشان در طول سال‌های مدرسه انتخاب نمی‌شود پس چه اصراری بر محفوظات بیش‌تر وجود دارد؟

● سرانجام آیا می‌شود با بررسی همه جانبه در نظام آموزش و پرورش و برنامه‌های آموزش عالی و با همفکری متخصصان متعهد و کارشناسان مجرب تدبیری اندیشید که بی‌جهت سرمایه و انرژی جمعیت میلیونی جوانان و خانواده‌های ایشان در مسابقه بزرگ کنکورگری که شانس موفقیت در آن فقط ۱۰ درصد است، صرف نشود؟

● آیا می‌توان تدبیری اندیشید که همه راه‌ها به تنگه کنکور ختم نشود و گزینش دانشجو

برای ادامه تحصیل در مراکز آموزش عالی به شیوه‌ای مناسب و معقول فراهم گردد بی آن‌که این همه وقت و سرمایه و انرژی به هدر رود؟ کنکورگری حاصلی جز انباشته شدن محفوظات، فزونی اضطراب و ناامنی روانی و پریشانی خاطر به همراه ندارد. کنکور در کشور ما به پدیده‌ای ملی تبدیل شده است و ناگزیر با عزم ملی و همفکری و مشاورت همه صاحب نظران متعهد و اندیشمندان فرهیخته می‌تواند تعریف و معنایی دیگر داشته باشد.

توسعه اقتصادی وابسته به پژوهش‌های علمی است*

راه‌حلهای جلوگیری از مهاجرت نخبگان و جذب استعداد‌های درخشان در گفتگوی کیهان با دانشجوی برگزیده دوره دکتری در سال ۷۹ تشریح شد. حامد شکوری گنجوی دانشجوی دانشکده برق دانشگاه امیرکبیر که اخیراً از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به خاطر کسب معدل بالا، برگزیده شدن ۱۰ طرح پژوهشی و ارائه ۱۳ مقاله و دیگر فعالیت‌های علمی و فرهنگی به عنوان دانشجوی نمونه برگزیده شده، علاوه بر فعالیت‌های مذکور در طول دفاع مقدس نیز در جبهه‌ها فعالیت داشته است. وی در این مصاحبه درباره عوامل مهم فرار مغزها گفت: پروژه‌های علمی دانشگاه‌های خارج از کشور به دلیل ارتباط نزدیک آنها با بخش‌های اجرایی اعم از خصوصی یا دولتی کاربردی است و محقق می‌تواند نتیجه تحقیقات خود را در عمل مشاهده کند. در کشور ما در بسیاری از موارد تحقیقات انجام می‌شود ولی در عمل چیز دیگری اتفاق می‌افتد. بسیاری از پژوهش‌های علمی تبدیل به جزوه‌هایی می‌شوند که خاک می‌خورند و در مقابل عملکردها مبتنی بر سعی و خطا است. وی افزود: باید با توجه حقیقی به امر «پژوهش» و برقرار کردن ارتباطی همه جانبه با صنعت، بتوان موانع رشد و تنگناهای مالی پژوهشگران و محققین را مرتفع نمود. وی در این زمینه اضافه کرد مسأله جدی که داریم موضوع پایان نامه دکترا است که باید مطابق نیازهای مملکت باشد و بتواند قابلیت اجرایی داشته باشد.

دانشجوی برتر دوره دکتری با اشاره به حل کردن مسایل با روشهای علمی به عنوان رمز پیشرفت قرن، گفت: در کشورهای توسعه یافته برای حل مسائل خود یک هماهنگی و ارتباط منسجم بین صنعت، علم و مؤسسات اجرایی ایجاد کرده‌اند، ولی در ایران ارتباط بین صنعت با دانشگاه ضعیف است و این فاصله باعث شده تا در حل مسائل خود موفقیت چندانی نداشته باشیم و قطعاً تا این مسائل حل نشود، نمی‌توان بستری مناسب برای حفظ نخبگان فراهم نمود. وی اظهار امیدواری کرد: شرایطی به وجود آید که یک محقق با عملی شدن طرحهایش و به دنبال بازیافت هزینه‌های مادی و معنوی خود در حداقل قبول انگیزه ماندن در ایران را حفظ کند. از نکات دیگر ایجاد تسهیلات مناسب برای شرکت در فعالیتهای مشترک علمی خارج از کشور در طول تحصیل و به ویژه پس از آن در زمینه‌های پژوهشی است که باید حتی برای دوران خدمت نظام وظیفه هم فراهم باشد. متأسفانه در زمینه نظام وظیفه برخورد مناسبی با دانش آموختگان صورت نمی‌پذیرد. نکته مهم تشخیص مخاطب و تنظیم و احیاناً اصلاح برخوردها متناسب با مخاطب است که باید در همه سطوح جامعه رعایت شود.

شکوری گنجوی در پاسخ به سؤال دیگر مبنی بر راهکارهای جذب نخبگان گفت: باید یک کار ریشه‌ای انجام شود، ضروری است توسعه اقتصادی وابسته به تحقیقات باشد، برخورد با نخبگان به صورت علمی باشد و سلیقه‌ای رفتار نکنند. گزینش‌ها و قضاوت‌ها براساس صلاحیت علمی باشد. پس باید از آدمهای اهل فن دعوت شود و به نظراتشان اهمیت داده شود. توجه داشته باشیم برخوردهای غیرعلمی انسانهای علمی را دفع می‌کند. باید تدابیری اتخاذ گردد تا محققین بتوانند نیازهای مالی خود را همانند کشورهای توسعه یافته از بودجه تحقیقاتی صنایع تأمین نمایند. اگر زیر ساخت‌های لازم برای توسعه فراهم باشد، امر پژوهش خود خواهد توانست بازگشت هزینه‌ها را در عمل تضمین کند.

وی در مورد ادامه تحصیلات و تحقیقات خود گفت: با توجه به موانعی که پیش روی ماست و از آنجایی که نیاز صنعت و دیگر بخش‌های اقتصادی و نیز جایگاه دانشگاه در این ارتباط بخوبی تدوین نشده است، نمی‌توان برنامه منسجم و پیش‌بینی شده‌ای ارائه داد. به هر حال مطالعات سیستم اقتصاد کلان از زمینه‌های مورد علاقه من است.

آقای خاتمی از دانش‌پژوهان جوان کشور تجلیل کرد*

آقای سیدمحمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران دیروز گفت: نظام و مردم، امروز از جوانان می‌خواهند که بر روی سکوهای خودباوری و اعتماد به نفس محکم بایستند و با حفظ هویت خود آینده سرفراز، درخشان و پیشرفته ایران اسلامی را رقم بزنند.

رئیس جمهور که در مراسم تجلیل از دانش‌پژوهان و نخبگان جوان در سالن شهیدبهبشتی نهاد ریاست جمهوری سخن می‌گفت، افزود: جوانان برومند ایران اسلامی هرگز نباید مرعوب غرب یا ذوق‌زده در برابر دستاوردهای دیگران بشوند.

آقای خاتمی با تاکید به وظایف حساس جوانان و موقعیت ممتاز آنان در جامعه، تصریح کرد: آنان باید با انس بیشتر به عوامل عزت خود از جمله دین، فرهنگ، ملیت و گذشته احساس هویت کنند تا همچون خس و خاشاک در معرض امواج گوناگون و طوفان‌های سهمگین مغلوب نشوند. وی خاطر نشان کرد: ملت ایران بویژه نسل جوان که با اعتماد به نفس امروز خود قادر است به نقد دستاوردهای دیگران پردازد، هیچگاه تقلیدکننده آن هم از ظواهر مادی و زندگی اخلاقی و اجتماعی غرب نخواهد بود.

رئیس جمهوری با تاکید به اینکه تقلید، التقاط، ظاهربینی و غرق شدن در مظاهر غرب ما را در پیشرفت و توسعه کشور کمک نخواهد کرد، اظهار داشت: داشتن قدرت اقتباس و خودباوری و اعتماد به نفس شرط پیشرفت یک ملت و کشور است.

آقای خاتمی با اشاره به اقتباس متقابل اندیشه اسلامی و غربی از یکدیگر و اینکه فرهنگ پویا و زنده جذب‌کننده است و غیر خودی را به خودی تبدیل می‌کند، گفت: تمدن اسلامی و تمدن غربی - هرچه که باشد - نشان داده‌اند آنچه را که اقتباس کرده‌اند در مسیر اهداف خود، شناسنامه‌دار کرده‌اند و هویت خودی بخشیده‌اند. وی همچنین به جوانان حق داد که از نظام و مسئولان کشور بخواهند تا زمینه‌های مناسب رشد و پیشرفت علمی، مشارکت و آزادی بحث و گفتگو با ایجاد فضاهای لازم آموزشی، علمی و تسهیل دستیابی به اطلاعات و امکانات مورد

نیاز برای آنان را فراهم آورند. وی گفت: جامعه‌ای که اکثریت آن از لحاظ سنی با نسل‌های گذشته خود فاصله گرفته است، خواست‌ها و شرایط ویژه‌ای دارد و اداره آن هم مستلزم به کارگیری شیوه و روش خاص خودش است. وی همچنین خاطرنشان کرد که جامعه ما به لحاظ برخورداری از انقلابی جوان که حاصل مبارزات انقلابیون جوان بود، هم جوان است.

رئیس جمهوری با تأکید به اینکه انقلاب اسلامی و منطق ماکه حول محور امام خمینی (ره) شکل گرفت، انقلاب زور در برابر زور نبود، تصریح کرد: انقلاب اسلامی ایران که مردمی‌ترین انقلاب‌های دنیاست، به تشکیل نظام جدید مردمی، دارای ساز و کار قانونی و مبتنی بر دین اسلام منجر شد. وی گفت: ایران امروز دارای یک نظام مردم سالار سازگار با دین است اما باید نقاط ضعف را شناخت و حل کرد تا بتوانیم جامعه و کشور را به سوی آینده‌ای پرافتخار به پیش ببریم. وی سپس به مبارزات مردم قم در روز تاریخی ۱۹ دی ماه در تاریخ انقلاب اسلامی اشاره کرد و اظهار داشت: در این روز بزرگ با فداکاری طلاب جوان و مردم خوب قم بر روی مردم ایران بعد از یک دوره رکورد دریچه‌ای به سوی رشد و قدرت بیان مطالبات خود در کنار مطالب امام (ره) گشوده شد که نتیجه آن هم مردمی‌ترین انقلاب دنیا بود.

ریاست جمهوری از جوانان به عنوان سرمایه‌های اصلی فکری و امیدهای آینده کشور یاد کرد و از حضور در میان جمعی از آنان ابراز خرسندی کرد. رئیس جمهوری داشتن جامعه جوان را فرصتی مناسب برای پیشرفت کشور دانست و گفت که اگر زمینه‌های مناسب حضور جوانان در عرصه فراهم نشود همین جامعه می‌تواند خود تهدیدکننده آینده کشور باشد.

رئیس جمهوری با اشاره به اینکه خوشبختانه با پیشرفت علوم ارتباطات دیگر علم و ابتکار انحصاری نیست، تصریح کرد: دانستن تنها کافی نیست، باید توان به کارگیری علوم مختلف را متناسب با مسائل و نیازهای جامعه افزایش دهیم.

به گزارش ایرنا، رئیس جمهوری در یک اقدام پیش‌بینی نشده برای برگزارکنندگان و حاضران در مراسم پیش از آنکه سخنان خود را آغاز کند، دعوت کرد که تعدادی از دانش‌آموزان نخبه کشور مطالب خود را آزادانه بیان کنند. در پی درخواست رئیس جمهوری، اولین نخبه جوان که یک دانش‌آموز پسر بود، در سخنانی ارتباط دانش پژوهان نخبه کشور با

دو وزارتخانه آموزش و پرورش و علوم تحقیقات و فناوری را یادآور شد و گفت: مشکل اصلی در به اصطلاح «فرار مغزها» را باید در روند امور در وزارت علوم و تحقیقات و فناوری جستجو کرد. این دانش‌آموز با بیان اینکه آموزش و پرورش بویژه باشگاه دانش‌پژوهان جوان در وظایف خود کوتاهی نمی‌کنند، افزود: متأسفانه تا حدودی در دانشگاه‌ها به خواست‌های ما توجه نمی‌شود که گاهی این عدم توجه به سرخوردگی منجر می‌گردد. وی همچنین خطاب به رسانه‌های کشور گفت که ما قشر کوچکی هستیم و حق نیست رفتن ما برای ادامه تحصیل را فرار مغزها بنامند و رفتن از ایران برای کسب علم فرار از کشور محسوب نمی‌شود.

سپس یک دانش‌آموز پسر نخبه دیگر، سخنان خود را آغاز کرد و خواستار حل مشکلات دانش‌آموزان نخبه به ویژه مشکل سربازی کسانی که موفق به کسب مدال علمی بین‌المللی و یا ملی نمی‌شوند، شد.

در ادامه مراسم، به درخواست رئیس‌جمهوری یکی از دختران دانش‌پژوه نخبه، گفت: ما که سنگ زبان ادبیات فارسی و تاریخ ملی را به سینه می‌زنیم، دانشگاه ادبیات تهران از امکانات مناسبی برخوردار نیست و به ویژه از داشتن اساتید جوان و پاسخگوی به نیازهای علمی امروز ما محروم است. وی همچنین خواستار شد که انتخاب رشته دوم به انتخاب دلخواه آنان صورت گیرد.

آخرین دانش‌پژوه نخبه که در این جمع سخن گفت، فردی است که اکنون در رشته علوم کامپیوتر در آمریکا تحصیل می‌کند. وی گفت: خوشحال می‌شوم بتوانم در آینده به مردم و کشوری که رئیس‌جمهوری برای ساخت آن تلاش می‌کند، خدمت کنم.

این دانش‌پژوه نخبه که در سالهای گذشته از افتخار آفرینان المپیاد بوده است، تصریح کرد: فرار مغزها مشکل اصلی مملکت نیست، خود معلول است که مسئولان باید برای رفع آنها و خوب استفاده کردن از منابع مستعد فکری و علمی کشور فکری اساسی کنند. وی با طبیعی خواندن تلاش نخبگان علمی کشور برای ادامه تحصیل در مراکز عملی معتبر جهان، گفت: بهتر است برای رفت و آمد و فراهم کردن امکانات مناسب برای کسانی که رفته‌اند و آماده خدمت به کشور هستند فکر کنیم.

براساس این گزارش رئیس‌جمهوری در انتهای سخنان خود به برخی از مطالبات و خواستهای این دانش‌پژوهان پاسخ گفت. رئیس‌جمهوری با تأیید برخی از خواستهای جوانان

و قول پیگیری آنها در بخشی از پاسخ‌های خود خدمت سربازی را مقدس خواند که باید در انجام آن افتخار کنیم. وی با تقدیر از تلاش‌های دکتر حداد عادل درخصوص بخش ادبیات المپیاد علمی کشور، خواستار اهتمام بیشتر و حتی برگزاری مسابقاتی بین‌المللی در این بخش شد.

آقای خاتمی با تقدیر و تشکر از تلاش‌های وزیر آموزش و پرورش و دیگر دست‌اندرکاران المپیادهای علمی کشور، ضرورت توجه بیشتر به باشگاه دانش‌پژوهان جوان را یادآور شد و گفت: المپیادها هدف نیستند اما همچون ورزش‌های قهرمانی، قله‌هایی هستند که باید برای ایجاد رقابت سالم و پیشرفت در همه عرصه‌ها و صحنه‌ها تا رسیدن به اهداف نهایی، فتح شوند.

برپایه این گزارش پیش از سخنان رئیس جمهوری، حسین مظفر وزیر آموزش و پرورش نیز در گزارشی فعالیت‌های انجام شده را برشمرد.

بررسی علل مهاجرت نخبگان*

۱۲ درصد از دانشجویان بورسیه که برای تحصیل به خارج از کشور اعزام می‌شوند، دیگر به کشور باز نمی‌گردند.

دکتر کامبوزیا نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در مصاحبه با صدای جمهوری اسلامی ایران درباره میزان آمار مهاجرت نیروهای متخصص کشور به سایر کشورها گفت: تاکنون تحقیقات مدونی برای مشخص شدن میزان مهاجرت انجام نگرفته است، ولی تحقیقی را اخیراً وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری انجام داده که هنوز منتشر نشده است و من به استناد این تحقیقات قسمتی از این آمار را به اطلاع می‌رسانم.

وی افزود: طبق آمارهای غیر رسمی وزارت علوم از مجموع چهارهزار و سیصد نفر دانشجوی بورسیه که به طور عمده از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۷۲ برای ادامه تحصیل به خارج از

کشور اعزام شده‌اند، حدود ۱۲ درصد تا سال ۷۷ بازنگشته‌اند و از ۲۸ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی از سال ۶۹ تا ۷۷، ۱۵۱ عضو هیئت علمی یعنی ۶۳ درصد با عناوین مأموریت تحصیلی، ۸ درصد فرصت مطالعاتی، ۲۹ درصد مرخصی بدون حقوق از کشور خارج شده و هنوز برنگشته‌اند. دکتر کامبوزیا متوسط تأخیر این افراد را بین ۲۰ تا ۴۳ ماه ذکر کرد و گفت: این بررسی نشان می‌دهد که برخی به کشور بازگشته‌اند ولی با تأخیر مراجعه کرده‌اند. عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سؤال که چرا پدیده مهاجرت نخبگان و متخصصان در سالهای اخیر افزایش پیدا کرده است گفت در کشورهای دیگر توجه بسیار زیادی به نیروی انسانی دارند و به آنان اهمیت داده می‌شود، ولی متأسفانه در کشور ما هنوز توجه زیادی به نیروی انسانی نمی‌شود. وی افزود در دنیا متوسط سرمایه‌گذاری برای نیروی انسانی ۶۰ درصد است که این رقم در ژاپن ۹۸ درصد و در کشور ما ۳۸ درصد است در حالی که در ترکیه و پاکستان این رقم ۵۸ درصد است و همین کم توجهی به نیروهای انسانی موجب بروز پدیده فرار مغزها خواهد شد.

دکتر کامبوزیا خاطرنشان کرد: فرار مغزها کشور ما را از یک سرمایه ملی که در واقع می‌تواند در خدمت توسعه کشور باشد بی‌بهره می‌کند و در مقایسه با کشورهای دیگر این آمار قابل توجهی است که باید برای جلوگیری از فرار مغزها برنامه‌ریزی شود تا از این معضل پیشگیری شود. وی بهترین و مهمترین روش برای پیشگیری از فرار مغزها را تأمین استادان دانشگاه ذکر کرد و افزود: اگر فضای ذهنی استاد آزاد باشد و در تمامی جنبه‌ها حمایت شود، از فرار مغزها تا حدود زیادی جلوگیری به عمل خواهد آمد.

مهاجرت برای تحصیل و رفاه بیشتر

مهمترین علت فرار مغزها تلاش برای یافتن شغل بهتر، درآمد و رفاه بیشتر و ادامه تحصیل است. دکتر بهادری‌نژاد استاد دانشگاه صنعتی شریف و معاون پژوهشی فرهنگستان علوم در مصاحبه با صدای جمهوری اسلامی ایران گفت: فرار مغزها پدیده جدیدی نیست و از سالهای قبل از انقلاب این مسئله وجود داشته است. همچنین این پدیده در کشورهای دیگر نیز دیده می‌شود.

دکتر بهادری‌نژاد بیش از ۷۰ عامل را مؤثر در پدیده فرار مغزها ذکر کرد و گفت: تلاش در جهت یافتن شغل بهتر، درآمد و رفاه بیشتر یکی از این عوامل است. همچنین ادامه تحصیل از

دلایل دیگر این پدیده است. وی با اشاره به اینکه حقوقی که به اساتید دانشگاه داده می‌شود کفاف کرایه منزل آنان را نمی‌کند، گفت: مهمترین علت فرار متخصصان و مغزها نداشتن رفاه نسبی در کشور است و استادان دانشگاه برای پرداخت هزینه کرایه منزل خود با مشکل مواجه هستند در حالی که همین استاد در دانشگاه‌های کشورهای خارجی از لحاظ رفاهی، بهداشتی و اقتصادی تأمین است.

استاد دانشگاه صنعتی شریف علت دیگر فرار مغزها را ضعیف بودن فرهنگ یک جامعه دانست و تصریح کرد برای پیشرفت و جلوگیری از مهاجرت باید همه افراد یک جامعه پشتکار داشته و کار کنند که لازمه این عمل وجود فرهنگ و عزم ملی است. توسعه فرهنگ مرکز محوری، متوازن نبودن سطح انتظار مردم با توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از مهمترین دلایل فرار مغزها است.

دکتر سعید معیدفر، جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، در مصاحبه با صدای جمهوری اسلامی ایران گفت: آنچه هم اکنون در جامعه ما اهمیت پیدا کرده است مهاجرت بسیاری از نیروهایی است که یا به صورت متخصص یا افراد علاقه‌مند به مهاجرت هستند، یعنی گرایش عمومی برای مهاجرت در میان همه اقشار ایجاد شده است. وی روند توسعه در کشورهای در حال توسعه یا روند توسعه مرکز محور را از مهمترین مسائل ایجادکننده مهاجرت و فرار مغزها ذکر کرد و افزود: روند توسعه در کشورهای در حال توسعه اصولاً براساس الگوهای توسعه‌ای است که از کشورهای توسعه یافته به این کشورها آمده است.

بنابراین بسیاری از مؤلفه‌های این نوع روند براساس ارزشها و معیارهای خاص جوامع توسعه یافته مطرح شده است. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران تصریح کرد: از آنجایی که علوم و فنون و دانشها از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه جریان پیدا می‌کند و حتی نیروهای انسانی برای آموزش به این کشورها مراجعه می‌کنند در نتیجه مرکز محوری در آن جامعه ایجاد خواهد شد.

وی یکی از علل فرار مغزها را ممانعت از برخورداری و استفاده از امکانات موجود ذکر کرد و افزود؛ در جامعه ما سطح انتظار با توسعه اقتصادی و اجتماعی افزایش یافته ولی چون توسعه ناموزون است، بخشی از نیروی انسانی بی‌اراده از جامعه خارج خواهند شد.

در «صادرات مغزها» اولیم*

چندی پیش، البته روز و ماه که نه!... چند دهه پیش یکی از معلمان دلسوخته و متعهد این خاک پاک سخنی گفت گران سنگ: «ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که نیمی از آنها خوابیده‌اند و افسون شده‌اند و نیمی دیگر بیدارند و پا به فرار گذاشته‌اند.» و سپس با آن واژه‌های ناب و شیوا افزود: «وظیفه ما این است که آنانی که افسون گشته‌اند را بیدار کنیم و مانع از گریزشان شویم و آنانی که رفته‌اند و مانده‌اند را باز گردانیم.»

این سخن کسی است که چندین سال قبل در یکی از روزهای خوب سال رفت و چند سال بعد در یکی از همان روزهای سال سربلند بازگشت و البته هیچگاه نماند (!) اما امروزه روز هر مرد و زن ایرانی با گوشت و پوست خود حس و لمس می‌کند که هر مغز متعهد و دلسوزی که رفت و ماند و بازنگشت، چه صدمات جبران ناپذیری بر این مرز و بوم وارد می‌شود و الحق که گرانقدرترین سرمایه ایران، جوانان متعهد و متخصص این خاک پاک و پرعاطفه هستند که در چند سال گذشته کمتر کسی در میان بلوهای سیاسی و تفکر به مطامع مصالح جناحی، به منافع و آینده آنان اندیشیده است و البته گاهی اوقات، کسانی می‌آیند و لب به سخن می‌کشایند: «دولت فعلی بیشترین صحبت را برای جوانان کرده است و...»

زهی خیال باطل که فقط صحبت شده است و هرگاه به متغیرهای رسمی و غیررسمی اقتصادی کشور مراجعه می‌کنیم این ادعا صادق می‌شود که فقط و فقط سخنهای رنگارنگی بر زبانها جاری گشته و بیکاری و فقر بین فرار متخصصان و به اصطلاح «مغزها» که حرف اول و آخر این کشور می‌باشد. می‌شود گفت به قولی ما امروز از نظر «صادرات مغزها» حرف اول را می‌زنیم! به هر حال نیروی انسانی کارآمد و متخصص، یکی از اساسی‌ترین شاخصه‌های «توسعه یافتگی» کشورها محسوب می‌شود و هر چقدر که یک کشور از غنای نیروی انسانی متخصص و متفکر برخوردار باشد، آن کشور توان بالاتری در ارائه خلاقیت، نوآوری و ابتکارات دارا می‌باشد.

اما، ایران سالهاست که با مشکل فرار نیروی انسانی و به اصطلاح «فرار مغزها» دست به

گریبان است و در طول دهه‌های گذشته و هم اکنون تعداد بیشماری از این نیروها از کشور خارج شده‌اند و این افراد، بدین دلیل که - البته در ظاهر - می‌توانند در کشورهای صنعتی دستمزدهای بیشتری دریافت کنند و موقعیت اجتماعی بهتری دست و پا کنند، کشور خود را ترک می‌کنند.

البته این از علائم ظاهری این بیماری می‌باشد، اما وقتی به سراغ نشانه‌های داخلی و درونی این مرض برویم، خواهیم یافت آنچه را که باید بیابیم (!) با آگاهی به این امر، ایران در برنامه‌های توسعه اول و دوم و سوم خود بالغ بر ۱۰۰ میلیارد تومان صرف آموزش و تربیت نیروی انسانی خود کرده است. اما به علت بی‌سیاستی و بی‌برنامه‌بودن در جذب متخصصین و نیروی انسانی کارآمد و علیرغم تحمل میلیاردها تومان هزینه آموزش و تحقیقات، این نیروی عظیم خلاق را مفت و مجانی تقدیم کشورهای پیشرفته صنعتی کرده است. البته بدون آنکه کسی بر ما تحمیل کرده و یا از خارج فشاری بر ما وارد شده باشد.

به هر حال شواهد و قرائن حکایت از آن دارد که ما در تقسیم کار بین‌المللی داوطلب شده‌ایم تا ثروت نفتی خود را بفروشیم، پول آن را در تربیت نیروی انسانی متخصص هزینه کنیم و مغزهای آماده به کار را به رایگان و بدون بازگشت و البته به خرج ملت به خارج صادر کنیم تا در خدمت رشد اقتصادی کشورهای صنعتی قرار گیرند. این خدمت داوطلبانه (!) در واقع نوعی شریک کردن غیر مستقیم کشورهای صنعتی در نفت و سهمیه دادن به آنان از این منبع ثروت ملی می‌باشد. اما آیا تاکنون مسئولان از خود پرسیده‌اند که چرا مغزهای این کشور پس از دریافت مدرک خود از داخل، فی‌الغور بار خود را بسته و... خداحافظ!؟

گفتیم که این بیمار، نشانه‌های درونی نیز دارد و راقم این سطور به مسئولان می‌گوید که علت «رفتنها» و «ماندن‌ها» و «بازنگشتن‌ها» را؛ می‌گوید آنچه را که در مغزهای المپیادها می‌گذرد، می‌گوید تا مسئولان بنگرند چه نیست‌هایی هست و چه هست‌هایی که نیست تا بفهمند و بفهمانند که به راستی چرا اینگونه شد...

متأسفانه، دعوای سیاسی و به بازی گرفته نشدن نیروی انسانی متعهد و متخصص و مغزهای این مرز و بوم و «دلایزه شدن» مناصب و عدم برخورداری از شایسته‌سالاری و گماردن مدیران نالایق در مؤسسات براساس خویشاوندسالاری و به بازی گرفتن مردم با الفاظ

رنگارنگ و به قولی «مردم سواری» به جای «مردم سالاری» و... از علائم باطنی این مریض می‌باشد که ترجیح می‌دهد پول اجنبی را بگیرد و بی‌خیال مردم و مملکت شود و یا شاید این هم یکی از هزینه‌های توسعه سیاسی باشد و به هر حال و کوتاه سخن اینکه، با سه سوت در آن سوی مرزها تخصص خود را به جریان می‌اندازد.

اما آمارهای غیررسمی منتشر شده در ایالات متحده، حکایت از آن دارد که از کشور ایران تعداد ۱۰۵ هزار نفر با تحصیلات عالی و با تخصص‌های ممتاز فقط به این کشور مهاجرت کرده‌اند که دستیابی به چنین نیروی کارآمدی، برای اقتصاد آمریکا معادل ۱۰ میلیارد و پانصد میلیون دلار صرفه‌جویی هزینه‌های آموزشی به همراه داشته است. اگر دقت کنیم خواهیم دید که این کشور و کشورهای مشابه توانسته‌اند در طول چند سال به اندازه مازاد درآمد نفتی ایران صرفه‌جویی ارزی داشته باشند و حال مسئولان ما در داخل بر سر این مازاد درآمد، که محصول چند دهه تلاش (!) است بر سر هم می‌زنند که باید فلان‌ش کنیم و... بهمان (!)

به هر حال، اگر آمار فرار مغزها و متخصصین و تحصیلکردگان ایرانی به سایر کشورهای اروپایی، آسیایی، استرالیا و نیوزیلند و کانادا نیز بدان اضافه شود، روشن می‌گردد که کشورمان سالانه چند میلیارد دلار سوبسید تربیت نیروی انسانی به این کشورها پرداخت کرده است؛ سوبسیدی که از جیب مردم این سرزمین و از کج فهمی برخی از افراد ناشی شده است. و اینگونه است که کشور ایران از نظر «فرار مغزها» در بین ۶۱ کشور در حال توسعه مقام اول را به خود اختصاص داده است و چنین است که نبود این افراد در کشور، از یک طرف باعث بهم خوردن هرم جمعیتی نیروی کار متخصص و ماهر و نیمه ماهر می‌شود و از سوی دیگر، هزینه‌های صرف شده برای تحصیلات و مهارت «مغزهای فرار کرده» فقط برای کشور میزبان به ثمر می‌نشیند و بدین جهت، منابع مؤثر در افزایش تولید ناخالص داخلی کشورمان رو به تحلیل می‌رود و به همین آسانی نتیجه مغزهایی که کشور با تحمیل میلیاردها تومان هزینه آموزشی، شرایط «مغز شدن» آنان را ایجاد کرده، به جیب کشورهای پیشرفته می‌رود.

اما نکته‌ای که مسئولان باید اشرف کامل بدان داشته باشند این است که هرچند در کوتاه مدت این «رفتنها» و «ماندنها» اثرات خود را نشان نمی‌دهد. اما در بلند مدت چنان ضربه‌ای به پیکره اقتصادی کشور وارد خواهد کرد که دود آن به چشمان مردم بیگناه و همان کسانی

خواهد رفت که بیرون گود نشسته‌اند و نظاره گر کسانی هستند که این بازیها را به راه انداخته‌اند؟

گفتم بازی!... و باید گفت که این بازی و بازیهایی که در گذشته و چندسال اخیر شروع شده و خیال تمام شدن هم ندارد، چنان همه را سرگرم خود کرده است که مسئولان نمی‌دانند - یا شاید می‌دانند و خود را... - از ۱۷۵ نفر مغزهای متفکر و آورندگان مدالهای المپیادهای علمی کشورمان پس از انقلاب، حدود ۹۲ درصد آنها به آن سوی مرزها رفته و باقیمانده آنها نیز بار سفر را بسته‌اند(!) البته این آمارها غیررسمی‌اند و فقط برای المپیادها، وای به آن روزی که آمار رسمی خروج مغزهای این مرز و بوم منتشر شود که آن روز فاجعه‌ای است تمام ناشدنی و...

به هر حال آمارهای مربوطه حکایت از آن دارد که صادرات مغزها و متخصصان همچنان در حال گسترش و واردات کالاهای سرمایه‌ای و وابسته در حال افزایش است و اما صادرات کالاهای غیر نفتی درجا می‌زند و وکیوم شدن طلای سیاه این مملکت به سوی کشورهای صنعتی و البته دلارهای حاصله از آن همچنان سیر صعودی به خود گرفته است؛ سبکی که در هیچ کجای دنیا شناخته شده نیست و البته منحصر به فرد می‌باشد!

و در چنین مساعدت و مناسبتی است که مسئولان مالی و بانکی داد بر آسمان بر می‌دارند که ای وای اقتصاد از هم پاشید؟... ای وای نمی‌گذارند توسعه اقتصادی(!) را پی بگیریم و باز هم، ای وای...؟! و در همین حین است که وکیوم شدن گل‌های سرسبد این خاک پاک آغاز می‌گردد و... باقی ماجرا.

در پایان این نوشتار، نگارنده قصد داشت مثل بقیه مطالب همکاران، نوشته را با پایان خوشی به سرانجام برساند و بگوید، امید است فلان مسئول و فلان دولت فرصت را از کف نداده و فلان کار و بهمان وظیفه را انجام دهند تا این کشور مقدس هم به آنجایی که لیاقت دارد برسد. اما وقت آن است که واقعیتها را بشناسیم و خود را دریابیم و برخیزیم و گامی فرا پیش نهیم تا این «مرز پرگهر» را به آبادانی همیشگی نزدیک گردانیم و...

خوش آنکه دریابیم خود را و زمان را!!؟

نخبگان المپیادی جدال بر سر «رفتن» یا «ماندن»*

اینجا دانشگاه «شریف» است. یکی از قوی‌ترین دانشگاه‌های کشور. کعبه آمال بسیاری از پشت کنکوریها و مخزن جوانان نخبه و برتر ایران! به اتفاق یکی از دوستان آمده‌ایم. به کمک وی، با چند تن از دانشجویان امروز و «المپیادیهای» دیروز برای گفتگو قرار گذاشته‌ایم. دوستم در طول راه مدام تذکر می‌دهد که: «این بچه‌ها، بچه‌های حساس و دقیقی هستند خیلی ناملايمات دیده‌اند، تو دیگه آزارشان نده تا انتهای خیابان دانشگاه مجبور می‌شوم، چند دفعه به وی «قول» دهم. به انتهای جاده که می‌رسیم، نزدیک دانشکده شیمی، دوستم می‌ایستد و به نقطه‌ای اشاره می‌کند: اوناهاش، مهدی محسنی، دارنده مدال طلای المپیاد ریاضی در سال ۷۵ و دانشجوی سال چهارم برق شریف. به سمتی که پوریا (همراهم) اشاره می‌کند نگاه می‌کنم. جوانی لاغر اندام، بلند قد و عینکی، مثل خیلی دانشجویان دیگر. روی یکی از نیمکت‌های محوطه سبز روبروی دانشکده نشسته و غرق در بررسی و خواندن یک برگه است. پس از آشنایی و تعارفات معمول می‌پرسم: آقا مهدی، بعد از قبولی در المپیاد، چه تصویری از آینده‌ات داشتی؟ آینده و دانشگاه که می‌خواستی در آن تحصیل کنی.

مهدی: [تصور خاصی نداشتم، در همان دوران المپیاد، یاد گرفته بودم که برای موفقیت در هر کاری باید از «صفر» شروع کنم، برای همین مشکل چندانی با دانشگاه نداشتم. اما در کل ترجیح می‌دادیم در دانشگاه به عنوان یک دانشجوی «عادی» شناخته شویم، نه یک المپیادی. چون در دانشگاه، گذشته اصلاً مطرح نیست، هرکس تلاش کند و بهتر درس بخواند موفق‌تر خواهد بود. این «لقبها» شاید تنها باعث یک سری سوء تفاهم‌های نادرست شود و گرنه هیچ سود و منفعتی ندارد!]

○ تا حالا به فکر خارج شدن از کشور افتاده‌ای؟

لبخندی می‌زند و می‌گوید: این که دیگر مسلم است. از وقتی وارد دانشگاه می‌شوی، «باید»!! به این موضوع فکر کنی! این تنها نظر من نیست، همه بچه‌های المپیادی و نخبه کشور، در این زمینه با هم همفکر و هم عقیده هستند. خیلی‌ها از همین الان اقدام کرده‌اند. تا آنجا که

من می‌دانم، از ۱۵۰، ۱۶۰ نفر دانشجوی رشته برق دانشگاه ما، تا امروز، چیزی در حدود ۷۰ نفرشان برای پذیرش و خروج از کشور «اقدام» کرده‌اند.
○ از بچه‌های المپیادی چطور؟ چند نفر از هم دوره‌ای‌ها یا سایر دوستان المپیادیت از کشور خارج شده‌اند؟

مهدی: خیلی. خیلی زیاد! شاید بیش از ۶۰ درصد. وضع همگی شان هم خوب است. همه راضی، راضی هستند. (مکثی می‌کند، به نقطه‌ای خیره می‌شود و پس از چند دقیقه می‌گوید): بالاخره من هم می‌روم. بعد از اتمام درس برای ادامه تحصیل! چون فکر نمی‌کنم زندگی در ایران و ادامه تحصیل در آن مرا راضی کند اما پس از اتمام تحصیلات برای زندگی به ایران باز می‌گردم. به برگه‌ای که در دست دارد نگاهی می‌کند. آهی می‌کشد به نقطه‌ای خیره می‌شود انگار که با خودش حرف بزند، می‌گوید: این هم از امتحان امروز! اما آخرش چی یک دفعه انگار از خواب بلند شده باشد، با هیجان می‌گوید: اصلاً ولش کنید، بینم مگه شما دنبال بچه‌های المپیادی نمی‌گردید؟ این هم یکی دیگه! (و با دست به درب دانشکده اشاره می‌کند) دانشجویی که در حال خارج شدن از دانشکده است.

گویا وی نیز از سر جلسه امتحان بیرون می‌آید، چون مثل مهدی برگه‌ای حاوی سؤالات امتحان را در دست دارد. کوتاه کوتاه جواب می‌دهد. می‌گوید: دیشب نخوابیده‌ام. امروز امتحان سختی داشتیم. خسته‌ام. وی که خود را امیر ضابط، دانشجوی سال اول شیمی محض دانشگاه شریف و دارنده مدال نقره المپیاد شیمی در سال ۷۹، معرفی می‌کند، در پاسخ به این سؤال ما می‌گوید: البته هنوز زود است که بخواهم در مورد آینده رشته‌ام، قضاوت کنم. اما اگر بخواهیم معیار را داشتن امکانات و آزمایشگاه‌های مجهز و مواد کافی و سایر وسایل آموزشی بگذاریم، باید اعتراف کنم که وضعیت چندان مطلوبی در انتظارم نیست. دانشجو در ایران از لحاظ علمی بسیار محدود و محروم است. از سویی دیگر در ایران همکاری صنعت با دانشگاه، اصلاً معنایی ندارد اگر خدای ناکرده! دانشجویی «خطا» کند و پروژه‌ای تعریف کند، صنعت اصلاً تحویلش نمی‌گیرد!

امیر در مورد خروج از کشور می‌گوید: تاکنون زیاد به این قضیه فکر نکرده‌ام. اما تصور می‌کنم این یک ضرورت است. حداقل برای کسانی که طالب پیشرفت در زمینه مسائل علمی هستند! مثل تمام بچه‌هایی که خیلی راحت جذب دانشگاه‌های معتبر دنیا شدند. خیلی راحت!

فقط کافی است درخواست بدهیم، سریع فرم پذیرش می‌فرستند!

وقت رفتن است. برای عبور از عرض خیابان انقلاب، از پل عابر پیاده مقابل دانشگاه بالا می‌رویم. به بالای پل که می‌رسیم، بی‌اختیار مکثی می‌کنم. نگاهی به سر در دانشگاه و دانشجویانی که در حال وارد شدن و خارج شدن از دانشگاه هستند می‌اندازم. چه جنب و جوشی! به راستی چه کسی جوابگوی این همه شور، اشتیاق و انرژی این نخبگان است؟ رو که بر می‌گردانم، نگاهم با برج «میدان آزادی» تلاقی می‌کند. هواپیمایی در حال عبور از بالای آن است. یکی از دو دختر دانشجویی که در حال عبور از کنار ما هستند به دوستش می‌گوید: نگاه کن ندا، خوش به حالشون. تا چند دقیقه دیگه، اون طرف مرز هستند بعد، خلاص!

نگار فروزانی مدال نقره المپیاد زیست‌شناسی و دانشجوی رشته پزشکی تهران است. او نیز رشته، کشور و خاکش را دوست دارد، اما ادامه تحصیل و ادامه زندگی را...! «بله، من هم مثل بسیاری دیگر از بچه‌ها، دوست دارم برای ادامه تحصیل به یکی از کشورهای معتبر بروم. چون دانشگاه‌های ما، اصلاً «جو» علمی ندارند. در کلاسهای باشگاه دانش‌پژوهان ما یاد گرفته بودیم که هر چیزی را با استدلال قبول کنیم و حتی اعتراض کنیم، اما در دانشگاه، اصلاً به «مفهوم» اهمیتی داده نمی‌شود. دانشجویان یا دنبال پاس کردن واحدها هستند یا احراز رتبه‌های بالا در رشته خود. در مورد تحقیق و پژوهش هم که دیگر فکر نمی‌کنم لازم به توضیح باشد که بگویم وضعیت چگونه است! از طرفی جوی که در باشگاه دانش‌پژوهان بود، جوی صمیمی و در عین حال علمی بود. یک جو ایده‌آل. ما واقعاً با علاقه و امیدوار درس می‌خواندیم و به هم کمک می‌کردیم. این باعث شده، تا جو دانشگاه برایم غیر قابل تحمل شدن شود. علی‌رغم توقعی که از دانشگاه داریم، سطح فرهنگی در دانشگاهها بسیار پایین‌تر از انتظار است و فکر می‌کنم اگر در ایران بمانم، آینده چندان روشن و دلخواهی در انتظارم نخواهد بود. حداکثر آینده‌ای که در انتظارم هست، در بهترین حالت، داشتن یک زندگی تکراری و روزمره است و این اصلاً من را ارضا نمی‌کند».

چند وقتی است که «کافه اینترنتها» کانون توجه بسیاری از خانواده‌هایی قرار گرفته‌اند که عزیزی را در خارج از کشور دارند. از همان زمان که متوجه شدند هزینه ارتباط با اینترنت برای مکالمه با خارج بسیار کمتر از ارتباط تلفنی است برای همین بازار این مراکز در تهران، خصوصاً در روزهای یکشنبه رونق بسیاری دارد. از طریق یکی از همین کافه‌ها و با رضایت

خانواده یکی از این عزیزان، موفق می‌شویم با یکی از بچه‌های المپیادی که هم اکنون در خارج از کشور، مشغول تحصیل در یکی از دانشگاه‌های کانادا می‌باشد، مکالمه‌ای کوتاه داشته باشیم. وی که خود را (م - ک) معرفی می‌کند می‌گوید: «وقتی در ایران بودم آینده روشنی را برای خودم ترسیم نمی‌کردم. اما امروز بسیار امیدوارتر از گذشته‌ام. چرا که هم درس می‌خوانم و هم کار می‌کنم. در اینجا هر کس جایگاه ویژه خودش را دارد. کارها همه مشخص است. امکانات دانشگاه هم در حد بسیار مطلوبی است. حقوق یک مهندس متخصص در کانادا چیزی در حدود ۳۵ تا ۶۰ هزار دلار در سال است، در حالی که هزینه سالانه خیلی پایین‌تر از اینهاست. از طرفی اینجا به متخصصان و محققان احترام ویژه‌ای می‌گذارند، ارزش آنها را می‌دانند. مکتبی می‌کند انگار دنبال جمله‌ای می‌گردد. پس از چند لحظه در حالی که صدایش می‌لرزد می‌پرسد: مادرم صدایم را نمی‌شنود؟ به او اطمینان می‌دهم که مادرش در کنارم نیست. سپس می‌گوید: راستش را بخواهید دلم خیلی گرفته است. برای تهران، برای بچه محلها، برای فوتبال توی کوچه،...! مطمئن باشید اگر روزی حس کنم زمینه حمایت و فعالیت در ایران فراهم شده است نخستین کسی هستم که به کشورم باز می‌گردم!» لرزش صدایش بیشتر شده است. حس می‌کنم شاید همین حد کافی باشد. حرف از وطن شاید برای ما ساده باشد، اما برای جوانی که هزاران کیلومتر از خاک خود دور مانده است چندان ساده نخواهد بود. آیا این همان آینده‌ای است که برای بچه‌های المپیادی خود در نظر گرفته‌ایم؟

نخبگان علمی و شرایط امروز*

□ در سر مقاله یکی از شماره‌های گذشته تحت عنوان «نخبگان علمی و موانع راه» به صورت کلی به مهمترین عوامل مهاجرت نخبگان علمی کشور اشاره شد و نوشتیم این موانع را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول، کمبودها از جمله کمبود امکانات تحصیلی، کمبود امکانات تحقیقی و کمبود امکانات شغلی. و دسته دوم، اموری که زمینه بالندگی علم و

* ابراهیم افتخار، جمهوری اسلامی، شماره‌های ۸-۶۲۶۶، ۵، ۶ و ۸ بهمن ۱۳۷۹

فکر و فرهنگ را از بین می‌برند همچون منازعات سیاسی و جنگ قدرت، هنگامی که عرصه و دانشگاهها را به تسخیر خود رد می‌آورد.

هرچند مسئله مهاجرت نخبگان علمی منحصر به کشور ما و زمان فعلی نبوده و پدیده جدیدی نیز محسوب نمی‌گردد و از حدود نیم قرن قبل تا کنون مطرح بوده و نتیجه آن هم وارد آمدن خسارت‌های سنگین و غیر قابل جبران به کشورهای در حال توسعه بوده است، اما موج جدید این مهاجرت در چند سال اخیر در کشورمان پررنگ تر گشته است و به همین دلیل در شرایط کنونی، توجه جدی تر همه دستگاه‌های تصمیم گیرنده به این موضوع اجتناب ناپذیر است. در این فرصت قصد پرداختن تفصیلی به آمار و ارقام و میزان این مهاجرت‌ها را نداریم، زیرا آمار دقیق و مستندی هم در اختیار نیست، اما با اتکا به همین آمارهای ناقص نیز می‌توان به سیر صعودی این مهاجرت‌ها پی برد، واقعیت تلخ و دردآوری که بسیاری از مسئولین درجه اول کشور نیز به آن اذعان دارند و از آن نیز در رنجند.

مهاجرت نخبگان علمی مسئله‌ای است که به دلیل داشتن ابعاد گوناگون علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بایستی از زوایای مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و ما طی چند شماره سعی می‌کنیم تا حد امکان این عوامل را شناسایی نموده و آماده هستیم تا دیدگاه‌های صاحب نظران منصف فرهنگی را نیز در روزنامه منعکس نمائیم.

عوامل «علمی»، از مهمترین عوامل مؤثر در از دست رفتن ذخایر انسانی یک کشور می‌باشند. دانشمندان و متخصصان و پژوهشگران بواسطه داشتن روحیه کنجکاوی و تحقیق خواهان ایجاد زمینه برای بروز آنچه که در توان دارند، هستند. فقدان شرایط مناسب علمی برای ابراز این توانمندیها، بطور طبیعی باعث می‌شود نخبگان و عالمان به سوی سرزمین‌هایی که این امکانات در آنجا فراهم باشد، مهاجرت کنند و علیرغم میل خود، از خانواده و بستگان و وطن خویش فاصله گرفته در غربت ساکن شوند و مشکلات آن را بپذیرند.

در طول تاریخ نیز مکرر خوانده‌ایم که علاقه نشان دادن دست اندرکاران و پادشاهان یک مملکت به علم و عالمان و محترم شمردن آنها و ایجاد شرایط مناسب برای پرورش روحیه تحقیق و پژوهش سبب مهاجرت دانشمندان سایر سرزمینها به آن مملکت شده است. مهاجرت سیل آسای بسیاری از نخبگان غربی به سرزمینهای اسلامی برای کسب علوم و فنون بخصوص در عصر تاریک قرون وسطای غرب و عصر طلایی تمدن اسلامی در شرق، بر

همگان روشن است. بنابراین موضوع حائز اهمیت در همین رابطه اینست که مسئولین فرهنگی و علمی و دستگاہ‌های عالی سیاستگذار و قانونگذار و مدیریت اجرایی کشور، فارغ از دسته بندی‌های سیاسی کشور می‌توانند در امر تحقیقات سرمایه‌گذاری کنند و بستر لازم جهت استفاده هرچه بیشتر از نیروهای علمی و متخصص را فراهم آورند تا ضمن حفظ نخبگان علمی کشور باعث افزایش تمایل نخبگان سایر کشورهای اسلامی نیز برای مهاجرت به ایران اسلامی بشوند.

واقعیت این است که در ایران عصر انقلاب اسلامی، شرایط عمومی برای حفظ نخبگان علمی کشور از هر زمان دیگری در طول تاریخ این کشور فراهم‌تر است. فرهنگ اسلامی و انقلابی، روحیه استقلال‌خواهی و کوتاه‌کردن دست اجانب از کشور امتیازات منحصر به فردی هستند که در هیچ کشوری به اندازه ایران وجود ندارد، اما باید به واقعیت تلخ دیگری نیز اعتراف کرد و اینکه برای حفظ نخبگان علمی کشورمان نتوانسته‌ایم از این امتیازات بهره کافی ببریم. برنامه ریزی برای بهره‌برداری هرچه بهتر از این شرایط در وهله نخست، وظیفه مسئولین فرهنگی کشور است.

□ واقعیت دیگری که در مورد مسئله مهاجرت نخبگان علمی در کشور وجود دارد، فقدان مدیریت قوی و منسجم در این رابطه است.

موانع موجود بر سر راه حفظ نخبگان علمی در کشور ما بیش از آنکه ناشی از اراده و خواست نظام مقدس جمهوری اسلامی و مسئولین طراز اول آن باشد، به عامل فقدان مدیریت منسجم و همه‌جانبه‌نگر در رابطه با نخبگان علمی در سطح کشور باز می‌گردد. مسئله مهاجرت نخبگان علمی به دلیل در برداشتن ابعاد گوناگون و پیچیده، مدیریت همه‌جانبه، قدرتمند و در عین حال واحدی را نیازمند است تا ضمن شناخت دقیق همه این ابعاد و میزان تأثیر و تأثر آنها برهم، بتواند با ارائه راهکارهای مناسب در رفع این موانع این موانع به موقعیت دست یابد.

مدیریت منابع نیروی انسانی و بخصوص نخبگان علمی و دانشمندان هر کشور تا آنجا اهمیت دارد که یکی از سیاستمداران اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم، زمانی که سیر مهاجرت متخصصان اروپایی به سمت آمریکا شدت گرفت، به جای پرداختن به علل و عوامل دست‌چندم، اعلام کرد: «فاصله‌ای که بین اروپا و آمریکا بوجود آمده در اثر عقب‌ماندگی علمی و

فنی اروپا نمی‌باشد، بلکه نتیجه اختلافی است که در مدیریت و نوع تشکیلات وجود دارد. اگر تعداد زیادی از دانشجویان اروپایی به آمریکا مهاجرت می‌کنند، علت آن پیشرفت تکنولوژی آمریکا نمی‌باشد، بلکه روش‌های جدیدی است که آمریکا در کار دستجمعی و شیوه مدیریت خود در پرورش و استفاده صحیح از نیروی انسانی متخصص بکار می‌برد».

مدیریت کلان‌کشور پیش از انقلاب اسلامی به دلیل عمق وابستگی‌های فکری، سیاسی و اقتصادی به فرهنگ غربی و بخصوص آمریکا، نه توان و علاقه و نه مجوزی برای حفظ و پرورش نخبگان علمی کشور داشت و اگر اقداماتی هرچند محدود صورت می‌گرفت، در حوزه سیاست‌های استعماری آمریکا و با هدف تأمین نیازهای مختلف امپراتوری غرب بود و شناسایی استعداد‌های برتر را به منظور حفاظت از منافع نظام سلطه غرب در ایران انجام می‌داد. پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) باعث درهم ریختن بنیادهای استعماری آمریکا در ایران شد. دمیدن روح خودباوری در کالبد فسرده ملت ایران و به خصوص جوانان و آشنا نمودن با استعدادها و توانایی‌هایش باعث آنچنان تحولی در ملت ایران شد که همه جهانیان نتایج شگفت‌انگیز و متحیرکننده روحیه خود اتکایی ملت ایران را در جنگ تحمیلی شاهد بودند و به خاطر همین روحیه بود که خداوند متعال نیز برکات خود را بر این ملت نازل کرد.

خورشید وجود حضرت امام (ره) یخهای تیره احساس حقارت را ذوب نمود و دم مسیحای او زندگی و حیات را به ملت ایران بازگرداند. ساختن هزاران طرح کوچک و بزرگ عمرانی، صنعتی، نظامی و... در دوران پر افتخار سازندگی که ثمره تلاش متخصصان و نخبگان علمی این کشور بود، نشان از ظرفیت بالای علمی و توان فنی فرزندان باغیرت این کشور دارد. واقعیت تلخ دردآوری که در چند سال اخیر خود را نشان داده است، بی‌توجهی و غفلت دست اندرکاران کشور نسبت به نیروهای انسانی کارآمد و عدم مدیریت صحیح در بکارگیری این نیروهاست که باعث شده مغزها و نخبگان علمی این کشور، سرخورده از بی‌توجهی‌ها به سوی خارج مرزها سوق پیدا کنند. بدون شک تا دیر نشده و انگیزه‌ها و روحیه‌های مقدس که حضرت امام خمینی (ره) بواسطه انقلاب اسلامی و کوتاه کردن دست اجانب در جوانان این مرز و بوم ایجاد کرده از بین نرفته است، مدیران ارشد نظام و جریان‌های سیاسی کشور از تنازعات سیاسی بی‌حاصل دست برداشته، با ایجاد مدیریتی صحیح و

برنامه‌ریزی درست برای حفظ نخبگان علمی کشور و واگذاری نقش‌های مناسب به نیروهای متخصص و ماهر اقدام نمایند.

□ یکی از مدیریت‌های موفق در رابطه با نخبگان علمی و تحصیلی، سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان می‌باشد. این سازمان که وظیفه شناسایی، جذب، آموزش و پرورش دانش‌آموزان ممتاز و بااستعداد و نخبه را در سطح مقاطع راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی در بیش از ۸۰ مرکز تحصیلی در ۴۴ شهر کشور بعهده دارد، می‌تواند الگویی مناسب برای ایجاد مرکزی برای مدیریت امور نخبگان علمی در سطح بالاتر علمی و فنی مورد توجه قرار گیرد. بررسی عملکرد این سازمان تاکنون نشان داده است با وجود برخی تنگناها، این سازمان توانسته است مهمترین تشکیلات موفق در زمینه تحصیلات عمومی در رابطه با نخبگان علمی باشد.

سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان «سمپاد» زیر نظر هیئت امنایی مرکب از وزیر آموزش و پرورش، وزیر علوم و چند تن از شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشور، سیاست‌گذاری و اداره می‌شود. این سازمان توانسته است در چارچوب وظایفی که بر عهده‌اش گذاشته شده، با وجود همه مشکلات و کمبودها و تنگناهای اداری مالی به حیات خود ادامه دهد و تأثیرات شایان توجهی بر آموزش و پرورش کشور، بخصوص در شهرهایی که مراکز آموزشی سازمان حضور دارند بر جای گذارد.

سازمان پرورش استعداد‌های درخشان با وجود تأکیدات مسئولان بلند پایه نظام، هنوز با دلایل غیرکارشناسی و غیر علمی و بعضاً بی‌اساس، برای ادامه حیات با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کند. طبق آمار موجود در حالیکه سرانه یک دانش‌آموز استثنایی (عقب مانده) در کشور ما در سال ۷۹ مبلغ ۳۷۰ هزار تومان تعیین شده، سرانه یک دانش‌آموز تیزهوش فقط ۹۱ هزار تومان می‌باشد!! مقایسه این رقم نشان دهنده میزان توجه برنامه‌ریزان کشور به سرنوشت نخبگان علمی کشور است. واقعیت این است که ادامه حیات این مراکز تاکنون عمدتاً به کمک خانواده‌های علاقمند دانش‌آموزان نخبه، مسئولین، مدیران و دبیران فداکار آن میسر بوده است و از حداقل بودجه و امکانات دولتی نیز برخوردار بوده‌اند. باکمال تأسف باید اعتراف کرد مشکلات مالی و کمبود امکانات برای انجام بهتر وظایف در این مراکز، قبل از آنکه به کمبود واقعی بودجه و امکانات در سطح مملکت ارتباط داشته باشد، از

برخوردهای غیر اصولی و سلیقه‌ای برخی از مدیران سرچشمه می‌گیرد.

بیان مشکلات سازمان پرورش استعداد‌های درخشان با این هدف بود که بدانیم تضعیف چنین مراکزی، یکی از موانع پرورش و حفظ نخبگان علمی می‌باشد. نمونه دیگری از این تنگناها، نوع برخورد با مدارس شبانه روزی نمونه دولتی است (با مدارس، نمونه مردمی اشتباه نشود)، یکی از اقدامات ارزشمند دولت قبلی ایجاد مدارس شبانه روزی نمونه دولتی در مقاطع راهنمایی و متوسطه در مناطق محروم است که از طریق آزمونی سراسری در شهرها و بخش‌ها و روستاها و مراکز استانها، دانش‌آموزان نخبه و اکثراً مستضعف شناسایی و بدون پرداخت هیچگونه هزینه‌ای در این مراکز مشغول به تحصیل می‌شوند و برای اینکه این مدارس از انسجام بیشتری برخوردار باشند، اداره کل مدارس شاهد و نمونه برای سرپرستی آنها در وزارت آموزش و پرورش تأسیس شد که نتایج بسیار درخشانی نیز در سطح کشور داشت. اما هم‌اینک این مدارس به دلیل انحلال این اداره کل در وزارتخانه و نداشتن متولی جداگانه با مشکلات زیادی روبرو هستند، هرچند که به کار خود ادامه می‌دهند. از سوی دیگر روز به روز گرایش به سوی ایجاد مدارس غیر انتفاعی با شهریه‌های گزاف با هدف کسب سود بیشتر تقویت شده و روز به روز از کارآیی مدارس نمونه دولتی شبانه‌روزی کاسته شده است. امروز در سطح نیروهای مؤمن، انقلابی، فرهنگی و عاقبت‌نگر کشور تعمیم وظایف سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان به مراکز ویژه دانشگاهی و حتی پس از آن یک امر بدیهی است، ولی متأسفانه هنوز برخی افراد از بود یا نبود این مراکز سخن می‌گویند. امروز مشکل تیزهوشان و نخبگان علمی که از این مراکز فارغ‌التحصیل می‌شوند، ابهام در آینده آنها بعد از ورود به دانشگاهها، فقدان امکانات علمی لازم، عدم امکانات مادی برای به اجرا در آوردن تجارب آزمایشگاهی و پایین بودن سطح علمی دانشگاهها می‌باشد. بسیاری از آنها معتقدند مشکل اساسی آنها رها شدن پس از پایان دوره تحصیلی و رکود جریان آموزشی ویژه آنهاست و حل این مسئله امکانپذیر نیست مگر آنکه حمایت و هدایت این نخبگان پس از تحصیلات رسمی تا مرحله اشتغال مناسب و دسترسی به امکانات علمی لازم، پیگیری شود.

توجه به نخبگان علمی نه تنها تبعیض نیست بلکه عین عدالت است و اگر از توجه و رسیدگی به این سرمایه خدادادی غفلت کنیم، دیگران آنها را بهتر درک می‌کنند. هم‌اینک

تماس‌های برخی از سفارتخانه‌های خارجی در تهران و شهرستانها با نخبگان علمی با پیشنهادها و دعوتنامه‌ها توسط آنها اگر چه از روی لاقیدی و بی‌اعتقادی و یا از سرسستی احساسات میهن‌درستی و وابستگی‌های عاطفی و اجتماعی نیست، اما به هر حال نگران‌کننده است و باید مدیران و برنامه‌ریزان کشور را به فکر چاره‌جویی سریع‌تر بیندازد. خواهی نخواهی، قرن جدید، قرن «دانایی»، «آگاهی» و «تمرکز بر روی استعدادها» است، حتی نظام‌های آموزشی پیشرفته معتقدند، در نظام آموزشی سنتی خود قادر نبوده‌اند افراد «خلاق» را رشد دهند.

آنچه مسلم است این است که علیرغم اعتقاد به ضرورت فراگیر بودن آموزش و پرورش، نمی‌توان «ذخایر فکری» را معطل نگهداشت. باید با شکوفا نمودن استعداد‌های بالقوه فرزندان ایران اسلامی و با گام‌های سریع «عقب‌نگهداشته‌شدگی» خود را از قافله دانش‌بشری جبران کنیم، چون این «توان» را داریم. پس چرا «تردید» داشته باشیم؟

مشکل جوانان با کدام اندیشه گشوده می‌شود*

بعد از آنکه یک صدای موثق اعلام کرد دسته‌ای از ناهنجاریها رشد برق آسا داشته با مقاومت و انکار چند مدیر روبرو شد. ولی این قبیل واکنشها نباید مایه شگفتی باشد. کاملاً قابل پیش‌بینی است که نهاد‌های متولی جوانان بعد از دریافت میلیاردها تومان بودجه به منظور حل و فصل نارساییها، عنوان‌کنند جوانان ایرانی از آرامش فکری و روانی بهره‌مندند. طرح چنین ادعایی بویژه از جانب سازمان ملی جوانان است که بنای تأسیس آن هشت سال پیش از این و تحت نام شورای عالی جوانان گذاشته شد. به گفته برخی صاحب‌نظران این شورا وظایف و اهداف گسترده‌ای برای خود قایل بود که با توجه به ترکیب اعضای آن تحقق‌پذیر می‌نمود. ولی مرور زمان نشان داده این شورا با حضور شش وزیر و رئیس‌ان سازمانهای مختلف نتوانست در برخی از زمینه‌ها آنطور که در ابتدا می‌گفت «به رشد متعادل و همه‌جانبه شخصیت جوانان کمک کند و نیازهای فکری، اجتماعی، جسمی و روحی آنها را تأمین و عواطف و

احساسات آنان را تلطیف و هدایت نماید.»

شورای عالی جوانان در نظر داشت شخصیت‌های متعالی را به عنوان الگو به جوانان معرفی نماید و در چشمه‌ای دیگر نشاط و شادابی جوانان را به منظور توسعه کشور تقویت کند. حتی این شورا یک منشور تربیتی در ۹۸ اصل تدوین کرد که مدعی ترسیم‌گری سیمای کامل زندگی جوانان و استمرار حرکت فرهنگی انقلاب بود. شورا بعد از چهار سال به این نتیجه رسیده که جوانان نتوانسته‌اند از امکانات و فرصت‌های فرهنگی و اجتماعی بهره‌مند شوند. البته شورا نپذیرفته که در این شکست سهمیم است. بلکه همواره گفته تشکیلات شورا باید تکامل یابد تا این شورا بتواند تولید جوانان را در سطح برنامه‌ریزی به دست گیرد. البته این خواسته شورا نیز دو سال پیش اجابت شد و مرکز ملی جوانان تأسیس شد. مرکز ملی جوانان فهرست بلندبالایی از اهداف، وظایف، اصول و مبانی، راهبردها، رویکردها و سیاست‌های اجرایی تهیه و به هیأت دولت ارائه کرد و در نهایت سی میلیارد تومان از بودجه سال ۷۹ را برای ساماندهی امور جوانان به خود اختصاص داد.

اما هیچکس نمی‌داند این بودجه صرف چه اموری شده است. مسؤولان مرکز ملی جوانان درخواست‌های مکرر گزارشگر روزنامه ایران را برای آگاهی از این موضوع رد کردند و آن را به زمانی نامعلوم احاله دادند.

ولی احسان دلاویز که مشاور وزیر آموزش و پرورش است نکات قابل توجهی درخصوص عملکرد این مرکز بیان می‌کند:

«مقر این مرکز در یکی از آسمانخراش‌های شمال تهران است و مراجعه جوانان به آن به دلیل محدودیت شدید در پذیرش ارباب رجوع بسیار دشوار است. مسؤولان این مرکز نگرش خاص خود را دارند و من به جرأت می‌گویم که شناخت کامل از مسائل مبتلا به جوانان ندارند. شاق‌ترین کار آنها نظرسنجی‌های پراکنده است که اولاً از معیار علمی چندان بهره‌ای ندارد و ثانیاً نتایج نظرسنجی‌ها مخفی است و گاه به صورت وارونه به مقام‌های عالی نظام ارائه می‌شود. چنین مواردی را در نامه محرمانه‌ای به آقای خاتمی توضیح دادم و ایشان نیز پیگیری‌های لازم را به عمل آورده و اگر حسن تدبیر و توجه وی نبود، یکسره از کار برای جوانان ناامید می‌شدم. حقیقت امر این است که شمار مهمی از مسؤولان ما به نسل جوان اعتماد ندارند و به ندای عدالت‌طلبی و آزادیخواهی آنان توجه شایانی ندارند. آنها صرفاً به دنبال این هستند که برخی مسائل جوانان را با دستورالعمل و بخشنامه حل کنند که این هم به دلیل بوروکراسی پیچیده راه به جایی نمی‌برد. اغلب دنبال

جلسه و میزگردهای بی‌فایده‌اند و حرفهای زیبا به زبان می‌رانند. تا آنجا که رهبر معظم انقلاب نیز متذکر شده که خطاب کردن جوانان به عنوان امید ملت و آینده کشور تکراری شده. ولی گوش شنوایی نیست.»

این فرضیه زمانی اثبات می‌شود که به مجموعه‌ای وسیع از نارساییها و محرومیت‌های جوانان نظر کنیم که خود در پیدایش و بروز آن دخالتی نداشته‌اند و در واقع محصول کارکردهای غالباً نامناسب و غیر عقلانی تصمیم‌گیرندگان است. میراث‌هایی چون فقر و بیکاری و فروغلطیدن در ناهنجاری و رویه‌هایی که عمده‌ترین مانع حرکت و رشد شخصیت نسل جوان شده است. برآیند این وضع را در کلینیک‌های روانپزشکی و روانشناسی می‌توان دید. جایی که هر روز موارد زیادی از اختلالات روانی و سوء رفتارهای جوانان گزارش می‌شود.

اما دکتر علی قنبری، نماینده مجلس شورای اسلامی اوضاع جوانان را حاد نمی‌داند و می‌گوید:

«برای رسیدن به هر هدفی باید زمینه‌تئوریک آن را فراهم کرد. اکنون زمینه‌های تئوریک و شعارهای توجه به جوانان و طرح مسائل مربوط به آنان خوب است. در زمینه‌های عملی هم برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفته و اگر اقدام‌های مراکزی مثل سازمان ملی جوانان به بار ننشسته نباید نگران بود. چون زمان زیادی لازم است تا برنامه‌های آنان مدون و عملیاتی گردد. البته من مهر تأیید بر عملکرد این سازمان نمی‌زنم. چون اصولاً و در حال حاضر فاقد کادر کارشناسی و توانمند است. اما به هر حال برای قضاوت نهایی در مورد چنین دستگاه‌هایی باز هم باید منتظر بود.»

ولی به نظر می‌رسد زمان زیادی برای انتظار نمانده است. براساس نتایج یک پژوهش روشن شده که سن ۴۴ درصد معتادان زیر ۲۴ سال است. به این ترتیب معلوم می‌شود که جامعه ایرانی با یک و نیم میلیون معتاد زیر ۲۴ سال مواجه است. اما اعتیاد تنها یکی از چند ناهنجاری است که در میان جوانان ریشه دوانده. وضعیت جوانان در رویارویی با پدیده‌هایی نظیر خودکشی، بی‌مبالاتی جنسی، افسردگی، دین‌گریزی، فرار از خانه و مدرسه، سرقت، جنایت و... هم وخیم است.

اما دکتر علی شریعتمداری عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گوید، چرا باید نگران

بود؟ استدلال او به این ترتیب است:

«جوان باید بفهمد که امکانات مملکت طوری نیست که همه نیازهای او را تأمین کند. به هر جا که برود همین است. اگر او توقعات خود را معقول کند دست به خودکشی نمی‌زند. جوان ما فکر نمی‌کند که در آمریکا ۵۰ میلیون نفر زیر خط فقر هستند. او توجه ندارد که دو میلیون بچه لازم‌التعلیم در آمریکا نمی‌توانند وارد مدرسه شوند. این آمریکا که دنیا را می‌چاپد این وضع را دارد که گفتم. حالا چطور جوان ما می‌خواهد همه چیز داشته باشد.»

شریعتمداری سپس توضیح می‌دهد که مشکل جوانان ایرانی نشأت گرفته از تربیت ناصحیح آنهاست. او می‌گوید:

«نه در آموزش و پرورش و نه در صدا و سیما و مطبوعات، مسند تربیت مطرح نمی‌شود. منظوم از تربیت، تربیت فکری، اجتماعی، اخلاقی و معنوی، عاطفی و حتی بدنی است. ما مشکل عقلانی داریم. اگر جوان خوب تربیت شود که قادر به تفکر باشد، هر مسأله‌ای برای او قابل تحمل خواهد شد.»

شریعتمداری در پاسخ به اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان عالی‌ترین مرجع سیاستگذاری فرهنگی برای گسترش صحیح تربیت که مد نظر اوست چه کرده، می‌گوید:

«شورا حدود ۳۰ عضو دارد. در بین همین اعضا هم هستند کسانی که اگر کار بلد نیستند، وظیفه‌ای را نپذیرند. به هر حال مشکل جوانان ما به تربیت مربوط است. آقای مظفر به من گفت: ۷۰۰ هزار معلمان زیر لیسانس دارند. این معلم چطور می‌تواند درس بدهد. او اصلاً مطلب تکراری تحویل دانش‌آموز می‌دهد. آن وقت چه انتظاری از جوانان می‌توان داشت.»

با وجود نظرات ویژه علی شریعتمداری نمی‌توان از یاد برد که روحیه عمومی برخی از جوانان از دست رفته و این در حالی است که به لحاظ شرایط تاریخی در موقعیتی هستیم که اگر نتوان به مهارت‌های اساسی و اراده آهنین جوانان به منظور عبور از بحرانهای دوران گذار تکیه کرد، به مشکل بیشتری دچار خواهیم آمد. ولی با کدام تفکر می‌توان مانع از این وضع شد؟

دانش آموزان سمپاد در سومین کنفرانس دانشجویی برق کشور

سومین کنفرانس دانشجویی برق کشور مقارن با ولادت با سعادت حضرت ولی عصر (عج) در روزهای ۲۰ الی ۲۲ آبان ماه ۷۹ در دانشگاه علم و صنعت ایران برگزار شد. برنامه ریزی، مدیریت و اجرای این کنفرانس که با توجه به حضور بیش از ۳۰۰۰ دانشجو، کارشناس و صاحب نظر صنعت برق و استاد دانشگاه از سراسر کشور در آن، بزرگترین همایش علمی-دانشجویی کشور می باشد، تماماً به وسیله تعدادی از دانشجویان رشته های برق و کامپیوتر انجام شد.

از نتایج فعالیتهای انجام شده در این کنفرانس می توان به ارائه ۱۶۲ مقاله توسط دانشجویان، برگزاری ۲۴ کارگاه آموزشی، برگزاری ۱۱ سخنرانی توسط اساتید و دو میزگرد با موضوعات «صنعت برق کشور، گذشته، حال و آینده» و «چشم اندازهای صنعت مخابرات و الکترونیک کشور» اشاره کرد.

در کنار این فعالیتهای برگزاری «نمایشگاه کتاب در زمینه تخصصی برق و کامپیوتر» و «نمایشگاه صنعت و دانشگاه» و سمینارهای معرفی شرکتها برای ارتباط و آشنایی هر چه بیشتر دانشجویان با

صنعت برق کشور از دیگر دستاوردهای این کنفرانس به شمار می‌رود. طبق آمار ارائه شده توسط برگزارکنندگان، از میان ۸۸۴ چکیده مقاله رسیده، پس از داوری، ۷۵۰ چکیده مورد پذیرش قرار گرفت و پس از مکاتبه با نویسندگان تعداد ۳۴۸ مقاله کامل به دبیرخانه کنفرانس واصل شد که از بین آنها ۱۴۷ مقاله جهت ارائه شفاهی و ۱۵ مقاله جهت ارائه پوستری مورد پذیرش نهایی قرار گرفت. دانش‌آموزان «دبیرستان علامه حلی تهران» نیز (به عنوان تنها دبیرستان ارائه‌کننده مقاله در این کنفرانس) ۱۶ چکیده مقاله به دبیرخانه ارسال کرده بودند که همگی آنها مورد پذیرش واقع شد ولی به علت محدودیتهای زمانی موجود فقط ۱۰ مقاله آماده ارسال به دبیرخانه کنفرانس گردید و در مرحله نهایی داوری مقالات، ۹ مقاله برای ارائه به شکل شفاهی انتخاب شد.

مقالات ارائه شده به کنفرانس از دبیرستان علامه حلی تهران عبارت بودند از:

- ۱- بررسی و شبیه سازی Pipeline بر روی پردازنده‌ها؛ کاری از آقای مصطفی حاجی‌زاده، دانش‌آموز سال سوم، به سرپرستی: آقای مهندس شهاب جوانمردی.
- ۲- تشخیص شماره پلاک خودرو؛ کاری از: آقای محمود رضا سعادت، دانش‌آموز سال سوم به سرپرستی: آقای مهندس مهرتاش تفضلی هرندی
- ۳- تبدیل تلویزیون به اسیلوسکوپ؛ کاری از: آقای رضا لطفیان دانش‌آموز سال سوم به سرپرستی: آقای مهندس حسین نظر بلند.
- ۴- تبدیل تلویزیون به مانیتور؛ کاری از: آقایان سیاوش رادپور و حسین میرزایی دانش‌آموزان سال سوم. به سرپرستی: آقای مهندس حسین نظر بلند.
- ۵- قلم نوری تلویزیون؛ کاری از: آقای سالار ساجدی دانش‌آموز سال سوم. به سرپرستی: آقای مهندس پرویزی
- ۶- طراحی و پیاده سازی یک سیستم کنفرانس ویدئویی؛ کاری از: آقایان محمد سیاحتگر و رضا رضمانی‌رند. به سرپرستی: آقای مهندس مهرتاش تفضلی هرندی
- ۷- طراحی و ساخت دستگاه نمایشگر متن؛ کاری از آقایان محمد مجدم و محمود رضا سعادت دانش‌آموزان سال سوم.

۸- طراحی و ساخت دستگاه سوراخکاری و چاپ نقشه روی مدار چاپی توسط کامپیوتر؛ کاری از

آقای محمد نجفی دانش‌آموز سال سوم و با همکاری خواهرشان خانم هدی نجفی

۹- منشی تلفنی میکروکنترلری؛ کاری از: آقای سید محسن آزاد منجیر دانش‌آموز سال سوم

به سرپرستی: آقای مهندس امیر حسن درویشان

۱۰- طراحی و ساخت دستگاه تست خوان؛ کاری از: آقای سعید سیف‌محمدی دانش‌آموز سال

سوم. به سرپرستی: آقای مهندس مهدی پرویزی

نکته قابل توجه اینکه دبیرستان علامه حلی تهران پس از دانشگاه‌های علم و صنعت، صنعتی

امیر کبیر، تبریز و خواجه نصیرالدین طوسی همراه با دانشگاه شیراز رتبه پنجم را از نظر تعداد

مقالات پذیرفته شده به خود اختصاص داد (آمار ذکر شده بدون احتساب ۴ مقاله‌ای که توسط

مربیان گروه‌های پژوهشی مرکز ارائه شده، می‌باشد).

علاوه بر این تسلط دانش‌آموزان مرکز بر مقالات نگاشته شده و ارائه مناسب آنها تحسین

خیل مشتاقان حاضر در سالن را برانگیخت به طوری که خیلی از دانشجویان حتی پس از اتمام

سخنرانی‌ها علاقمند به صحبت با دانش‌آموزان و کسب اطلاعات بیشتر درباره پروژه‌های انجام

شده بودند.

نکات قابل توجه:

□ نمایشگاه دستاوردهای صنعتی و علمی در زمینه برق و رایانه در کنار برنامه‌های دیگر

کنفرانس برگزار گردید که از بزرگترین شرکتهای صنعتی و دانشگاه‌های معتبر در آن شرکت

کرده بودند.

□ در این نمایشگاه علاوه بر دبیرستان علامه حلی تهران، مرکز فرزندگان تهران و مرکز

زینب(س) شهر ری از سمپاد به همراه دبیرستان البرز شرکت کرده بودند.

پروژه‌های دستگاه‌های ارائه شده در غرفه دانش‌آموزان علامه حلی شامل:

۱- تست خوان Mark Reader مجری: سعید سیف‌محمدی

معرفی پروژه: این دستگاه با داشتن تعداد ۳۲ عدد سنسور مادون قرمز، پنج ردیف تست را به

طور همزمان خوانده و به طور کلی وضعیت ۲۵۰ تست را تعیین می‌کند. وضعیت هر تست در

نرم‌افزار دستگاه با فایل جوابهای درست مقایسه می‌شود و نمره مربوط را مشخص می‌کند. دستگاه در ابتدای هر برگه کد دانش‌آموز را خوانده و نمره دانش‌آموز را در فایلی هم نام با کد دانش‌آموز ذخیره می‌کند. فرم نرم‌افزار این پروژه در هنگام خواندن برگه، اطلاعات را به طور همزمان روی صفحه نمایش می‌دهد.

۲- نبض شمار (برنده کشوری جشنواره خوارزمی) مجری: حسین کورکچی

معرفی پروژه: این دستگاه تعداد ضربان قلب را در واحد زمان نشان می‌دهد. این دستگاه کمترین تماس ممکن با بدن را دارد و هیچگونه مداری به بدن انسان وصل نمی‌گردد. تغییر مقدار خون در رگها بر شدت اشعه مادون قرمز تأثیر می‌گذارد. این تأثیر بسیار کم است که خود نشاندهنده مشکل بودن ساخت دستگاه است. گیرنده این دستگاه دیود معمولی مادون قرمز است که به همراه بخش آنالوگ (تقویت کننده، اشویت تریگر) وظیفه تشخیص ضربان و تولید یک پالس را دارد.

۳- نمایشگر متن

مجریان: محمد مجدم، سید محمود رضا سعادت، محمد اسماعیل زاده، غلامرضا صادق زاده
معرفی پروژه: دستگاه نمایشگر متن، دستگاهی است که ضمن نمایش تصاویر دارای قابلیت‌های زیر است:

■ دریافت اطلاعات کد شده تصویر از پورت موازی کامپیوتر.

■ نمایش تصاویر در ۲۵۶ مد نمایشی

■ استفاده از میکروکنترلر خانواده ۸۰۵۱ برای کنترل مدار.

در این دستگاه تصویر به صورت فشرده ذخیره شده است و در نتیجه از کمترین حافظه ممکن روی برد استفاده شده است.

دستگاه نمایشگر متن کاربردهای بسیاری در مکان‌های مختلف از قبیل ادارات، سالن‌های کنفرانس و فروشگاهها و ... دارد.

۴- پیاده سازی مدار چاپی مجری: محمد نجفی

معرفی پروژه: این دستگاه به کمک دو محور عمود بر هم، مته و قلم نقشه کش را در جهت‌های عمودی و افقی به حرکت در می‌آورد و نقاط مورد نظر را سوراخ کرده و به کمک قلم خطوط مدار را رسم می‌کند. این دو محور توسط دو الکترو موتور به حرکت در می‌آیند و چون این دستگاه توسط کامپیوتر کنترل می‌شود از دقت بالایی برخوردار است و می‌تواند مدار را با مقیاسهای مختلف پیاده سازی کند.

۵- فیبر سوراخ کن مجریان: علیرضا میرزایی - امیر رضا محسن زاده

معرفی پروژه: این دستگاه با دریافت مختصات سوراخ‌های مدار چاپی از کامپیوتر (برنامه P.C.B) مدار چاپی مذکور را سوراخ می‌کند. این دستگاه توسط پورت موازی و یک نرم‌افزار در محیط پاسکال کنترل می‌شود. این دستگاه شامل دو استپ موتور برای جابجایی در راستای X-Y و یک موتور DC برای سوراخ کردن مدار چاپی و یک موتور DC دیگر برای بالا و پائین بردن سوراخ کن است.

۶- نرم افزارهای تشخیص سکوت مجری: محمد آذین

معرفی پروژه: این نرم‌افزار قادر است با دریافت فایل صوتی صحبت، سکوت بین کلمات را تشخیص داده و از روی آن کلمات را تشخیص دهد. این نرم‌افزار در تشخیص صحبت (Speech Recognition) کاربرد فراوان دارد.

۷- تشخیص کلونیهای کربن در چدن مجریان: فؤاد خشوعی - پویا جعفریان

معرفی پروژه: در صنعت متالورژی، شمارش تعداد و بدست آوردن در صدگرافیت در چدن از اهمیت بالایی برخوردار است. ورودی این نرم‌افزار یک فایل تصویری است که عکس از یک لایه چدن در زیر میکروسکوپ می‌باشد. نرم‌افزار ابتدا یک سری عملیات پیش پردازش بر روی تصویر انجام می‌دهد و در مرحله آخر تعداد کلونی‌ها و درصدگرافیت را بدست می‌آورد. این نرم‌افزار با زبان ++C نوشته شده است. لازم به ذکر است که این پروژه با همکاری مؤسسه رازی به انجام رسیده است.

۸- شبیه سازی تداخل امواج مجری: حبیب الله عبدالهی پور

معرفی پروژه: نرم‌افزار حاضر امکان وارد کردن ۲ پارامتر طول موج و دامنه را همراه با مشخص کردن منبع آن‌ها روی صفحه را به کاربر می‌دهد. سپس، پس از Render کردن، کاربر می‌تواند تداخل امواج را روی صفحه بصورت هماهنگ مشاهده کرده و یا آنها را بصورت هماهنگ ذخیره و بعداً توسط همین برنامه بازنگری کند. همچنین کاربر می‌تواند تصاویر بصورت عکس از یک Frame فیلم ذخیره و بعداً مشاهده کند. محیط برنامه بصورت کاربر پسند طراحی شده و امکان استفاده از آن توسط کاربر براحتی فراهم شده است.

۹- شبیه‌سازی حیات مجری: محمد آذین

معرفی پروژه: علم شبیه‌سازی حیات (ARTIFICIAL LIFE) علوم نوین می‌باشد که از ترکیب دو علم زیست‌شناسی و کامپیوتر تشکیل یافته است. نرم‌افزار حاضر یک محیط طبیعی شامل مقادیر مختلف غذا و یاخته را شبیه‌سازی می‌کند. در این محیط تعدادی سلول وجود دارند که هر کدام دارای یک رشته DNA می‌باشد. این سلولها قابلیت تکثیر دارند که در هر تکثیر امکان جهش DNA وجود دارد. از دیگر خصوصیات سلولها نوع هوشمندی آنهاست که بر اساس آن بهترین جهت حرکت انتخاب می‌شود. در نسخه دیگر این نرم‌افزار دو نوع موجود (سلول و ویروس) تعریف شده است.

۱۰- تشخیص هدف بینایی مجریان: علیرضا معیرزاده - حبیب‌الله تلاوتی فرد - حسین احمدی
معرفی پروژه: این برنامه یک فایل تصویری را به عنوان ورودی دریافت می‌کند. این فایل حاوی تصویری از زمین و حیاط مدرسه می‌باشد که هدفی دایره شکل و سفید رنگ در آن مشخص شده است. برنامه با استفاده از روشهای تصویر، هدف را تشخیص می‌دهد و با علامت ضربدر آن را مشخص می‌کند.

۱۱- تشخیص پلاک خودرو مجری: سید محمود رضا سعادت

معرفی پروژه: یک فایل تصویری به عنوان ورودی به برنامه داده می‌شود. این فایل حاوی تصویری از پلاک خودرو می‌باشد. نرم‌افزار فوق می‌تواند در کمترین زمان، پلاک خودرو را به صورت اتوماتیک تشخیص دهد.

نرم‌افزار ابتدا یکسری مراحل پیش پردازش را بر روی تصویر انجام می‌دهد و سپس با استفاده از یک شبکه عصبی چند لایه، حروف و اعداد شماره پلاک را تشخیص می‌دهد. این نرم‌افزار در محیط MATLAB نوشته شده است.

۱۲- تشخیص امضاء مجری: حسین غفاری سعادت

معرفی پروژه: یک فایل تصویری به عنوان ورودی به برنامه داده می‌شود. این فایل تصویری حاوی چندین عکس از امضاها و امضاهای مختلف و یک امضای نمونه می‌باشد. برنامه ابتدا چند مرحله پیش پردازش بر روی تصویر انجام می‌دهد سپس در مرحله آخر درصد شباهت هر امضاء را به امضای نمونه بدست می‌آورد. این برنامه به زبان Pascal نوشته شده است.

۱۳- منشی تلفنی میکروکنترلی مجری: سید محسن آزاد

معرفی پروژه: دستگاه حاضر یک منشی تلفنی چند منظوره می‌باشد که دارای قابلیت‌های زیر می‌باشد.

- ضبط پیام در «حافظه» دیجیتال و پخش آن به صورت مجزا از راه دور (پشت تلفن) و نزدیک (برای صاحب دستگاه).

- کنترل رله‌هایی که به وسیله آنها با فشار دادن شماره از پشت تلفن می‌توان وسایل برقی خانه را از راه دور خاموش، روشن کرد.

- ایجاد ارتباط تلفنی خودکار از طریق مرکز تلفن داخلی، تعبیه شده در مدار.

۱۴- قلم نوری تلویزیون مجری: سالار ساجدی

معرفی پروژه: این دستگاه از یک آشکار ساز بر روی قلم بهره می‌گیرد. هنگامی که اشعه جاروب کننده به نوک قلم می‌رسد سیگنالی به قسمت کنترل می‌دهد و بخش کنترل این نقطه را بر روی تلویزیون روشن می‌کند.

قسمت اصلی کنترل یک RAM است که به طور مداوم اطلاعات داخل آن نظیر به نظیر به صفحه تلویزیون منتقل می‌شود و با قلم می‌توان اطلاعات داخل آن را تغییر داد. نکته قابل توجه اینک در این دستگاه برای تولید سینک‌های افقی و عمودی یک مدار جداگانه طراحی شده

است.

۱۵ - Image Filtering مجری: محمد آذین

معرفی پروژه: این نرم‌افزار با دریافت یک تصویر قادر به تشخیص کانالهای رنگی آن (R,G,B) می‌باشد. همچنین دارای قابلیت فیلتر کردن (Nedian Filter) تصویر نیز می‌باشد. سپس مرزهای تصویر حاصل را مشخص می‌نماید. از مهمترین کاربردهای این نرم‌افزار حذف نویز تصویر و تشخیص اجسام موجود در آن می‌باشد.

۱۶ - CURVE 3D مجریان: محمد هادی فروغمند اعرابی - محمد طوسی

معرفی پروژه: این نرم‌افزار با دریافت یک تابع $f(z)$ به صورت رشته بر حسب x و y ، آن را به صورت ۳ بعدی رسم می‌کند. این نرم‌افزار قابلیت دوران، تغییر مبدأ مختصات و زاویه دید، نورپردازی $zoom$ ، $raise$ ، تغییر ارتفاع تابع رسم شده (Height) و تغییر مختصات منبع نور را دارد. این نرم‌افزار به صورت شیء گرا به زبان پاسکال و پیاده سازی شده است.

۱۷ - Function Drawer مجری: عبدالله آراسته

معرفی پروژه: نرم‌افزار Function Drawer یک تابع را با دادن آن تابع بصورت یک رشته (مثلاً $\sin(x) * \cot(x)$) روی صفحه در پنجره‌ای رسم می‌کند. این برنامه دارای قابلیت $Zoom In$ ، $Zoom Out$ تغییر مختصات مبدأ و $Scope$ روی صفحه است. امکان بدین صورت است که پس از انتخاب این امکان، کاربر می‌تواند نشانه ظاهر شده روی صفحه را به حرکت در آورد و مقادیر هر نقطه از تابع یا صفحه را به دلخواه ببیند. (مثلاً به ازای $x=0/2$ ، $\sin(x)$ در آن نقطه برابر 1 است). محیط برنامه Userfriendly طراحی شده و برنامه بصورت شیء گرا نوشته شده است. این برنامه به زبان پاسکال طراحی و پیاده سازی شده است. برای تشخیص نوع تابع از تحلیل رشته (String Processing) استفاده شده است.

۱۸ - حل مدارهای الکتریکی مجری: امید آلادینی

معرفی پروژه: این نرم‌افزار قابلیت رسم مدارهای الکتریکی بصورت مقاومتهای سری، موازی و ... انواع ترکیب مقاومتها و تحلیل مدارهای طراحی شده را با قوانین کریشهف (KVL & KCL) به کار می‌دهد. این برنامه بصورت Visual به زبان Delphi تحت ویندوز طراحی و پیاده سازی شده است.

برخی پروژه‌های ارائه شده توسط مرکز فرزنانگان تهران:

○ روشنایی و رسم نمودارهای پخش روشنایی مجری: نیکو منصوری

معرفی پروژه: از آنجایی که انسان عمده اطلاعات خود از محیط اطرافش را به کمک حس بینایی بدست می‌آورد، توجه به نور محیطی که در آن زندگی می‌کنیم اهمیت ویژه‌ای دارد. امروزه ما از لامپهایی با ساختمانهای متفاوت استفاده می‌کنیم. نور منابع مختلف بسته به نوع منبع، از لحاظ شدت و رنگ نور و اثری که بر بینایی ما دارد متفاوت است. در طراحی سیستم‌های روشنایی باید تمام نکات فنی و اقتصاد مد نظر قرار گیرند تا چشمان ما از جانب نور محیط متوجه خطری نباشند. بررسی نحوه تولید نور در لامپهای مختلف و همچنین بدست آوردن منحنی پخش نور لامپها و چراغها، از ابزارهایی هستند که ما را در طراحی سیستم‌های روشنایی یاری می‌کنند.

○ شمارشگر دیجیتالی مجری: پگاه واصل‌زاده

معرفی پروژه: امروز سیستمهای دیجیتالی به جای بسیاری از مدارهای آنالوگ قدیم در محصولات گوناگون استفاده می‌شوند. در این پروژه، به بررسی اصول و تکنیک‌هایی که در یک ساعت دیجیتالی استفاده می‌شوند، پرداخته شده است. این ساعت شامل شش (Seven segment) است که نمایانگر ساعت، دقیقه و ثانیه هستند. همچنین این مدار با کمی تغییر می‌تواند به عنوان یک شمارشگر (مثلاً کرنومتر) استفاده شود. در این مدار می‌توان سرعت شمارش رانیز تنظیم کرد.

برخی پروژه‌های ارائه شده توسط مرکز زینب (س) شهرری:

○ نمایشگر اعداد فارسی مجریان: راضیه اختری - حلیمه‌السادات میراقایی

معرفی پروژه: نمایشگر اعداد فارسی وسیله‌ای برای نمایش اعداد یک رقمی است. مدار آن

یک ماتریس دیودی است. صفحه نمایش آن از بیست مثلث کنار هم تشکیل شده است که در هر مثلث یک لامپ وجود دارد و برای نمایش هر عدد تعداد خاصی از این لامپ‌ها روشن می‌شود. موارد استفاده آن در جاهایی است که بخواهیم عددی را نمایش بدهیم. مانند میادین و ورزشگاه‌ها و این طرح به مرحله کشوری «جشنواره خوارزمی» راه یافت و به همراه ۲۳ طرح دیگر برگزیده کشوری جشنواره امسال شد.

○ صدابردار الکتریکی مجریان: مریم بیگ زاده، مهدیه گلپا

معرفی پروژه: دستگاه یا صدابردار الکتریکی است که از دو بخش اصلی تشکیل شده است: بخش اول یک آنتن بشقایی شکل و بخش دوم یک مدار تقویت کننده صوتی است. آنتن بشقایی در نقش جمع کننده امواج صوتی عمل می‌کند و امواج متراکم شده در کانون سطح مقعر، وارد میکروفونی می‌شود که در آنجا کار گذاشته شده و سپس از طریق آن وارد مدار تقویت کننده صوتی شده و در نهایت از راه بلندگوی مدار پخش می‌شود. این دستگاه در واقع یک وسیله مناسب برای دریافت امواج صوتی راه دور است.

○ ساخت یک دستگاه آسانسور مجریان: ثریا پناهی، رویا کریمی

معرفی پروژه: در این پروژه سعی شده است ماکت ساده‌ای از یک دستگاه آسانسور به طور کاربردی ساخته شود. این آسانسور که برای حرکت در دو طبقه طراحی شده است به وسیله چند رله کنترل می‌شود. متوقف ساختن این دستگاه با تحریک یک رله توسط دو میکروسویچ صورت می‌گیرد.

○ ○ ○

□ در پایان کنفرانس از میان دانش‌آموزان ارائه دهنده مقاله دانش‌آموز محمد نجفی از دبیرستان علامه حلی تهران به عنوان مقاله برگزیده انتخاب گردید.

□ همچنین در بخش مسابقات علمی کار آقایان احسان ایرانی و سید محمد حسین سیدرضی دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان علامه حلی با عنوان (طراحی و ساخت یک کنترل کننده فازی برای کنترل دور پمپ) مورد تقدیر قرار گرفت.

□ در این سمینار نیز حضور گسترده فارغ التحصیلان سمپاد مشهود بود.

جشنواره بین‌المللی خوارزمی در چهاردهمین سال

«امسال دومین سال است که جشنواره خوارزمی، مجزا از بخش دانش‌آموزی و دانشجویی برگزار می‌گردد و کارهای خوب دانش‌آموزی در فضای خاص خود مطرح می‌گردد. با وجود این نمی‌توان از گزارش این رویداد ارزشمند علمی کشورمان بی‌توجهی گذشت با هم نگاهی داریم به جشنواره چهاردهم و همینطور دومین جشنواره جوان خوارزمی.» «سمپاد»



در چهاردهمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی از میان ۸۷۵ طرح ارسالی داخلی و خارجی، ۲۷ طرح داخلی و ۱۳ طرح خارجی به عنوان طرح‌های برتر انتخاب شدند و طراحان آنها طی مراسمی روز دوشنبه، ۱۷ بهمن ۷۹، با حضور رئیس محترم جمهوری مورد تقدیر قرار گرفتند.

در این دوره از جشنواره ۵۶۱ طرح از نوآوران و مبتکران داخلی، ۲۹۸ طرح از پژوهشگران ۴۷ کشور خارجی و ۱۶ طرح از محققان ایرانی مقیم خارج از کشور در گروه‌های «تحقیقات بنیادی»، «تحقیقات کاربردی»، «اختراع» و «ابتکار» مورد ارزیابی داوران قرار گرفت که سرانجام ۵ طرح رتبه اول تحقیقات کاربردی، ۴ طرح رتبه دوم ابتکار، ۸ طرح رتبه سوم ابتکار و ۲ طرح رتبه سوم اختراع را به دست آوردند.

از میان طرح‌های خارجی و طرح‌های ایرانیان مقیم کشورهای خارجی، ۱۳ طرح برگزیده شد که سه طرح آن مربوط به ایرانیان مقیم خارج بود و ۱۰ طرح دیگر به محققان خارجی تعلق داشت. براساس این گزارش طرح‌های برتر ایرانیان مقیم خارج در زمینه‌های علوم پزشکی، برق و کامپیوتر و عمران و از کشورهای آمریکا و انگلستان رتبه اول جشنواره را به خود اختصاص دادند.

همچنین ۵ طرح از کشورهای پاکستان، هندوستان، تایلند و کانادا در رتبه اول جای گرفتند و به یک طرح از قزاقستان رتبه دوم اختصاص یافت. سه طرح از گرجستان، مصر و هندوستان به عنوان طرح‌های رتبه سوم شناخته شدند. در این دوره از جشنواره طرح یک محقق عربستان سعودی نیز به عنوان طرح برگزیده جهان اسلام انتخاب شد. یادآور می‌شود که طرح‌ها به ترتیب مربوط به رشته‌های کشاورزی ۱۳۵ طرح، برق و کامپیوتر ۱۱۰ طرح، دفاعی ۱۰۷ طرح، مکانیک ۱۰۳ طرح، علوم انسانی ۹۹ طرح، صنایع شیمیایی ۹۸ طرح، علوم پایه ۸۸ طرح، علوم پزشکی ۶۵ طرح، متالورژی و مواد ۲۸ طرح، عمران ۲۲ طرح، بیوتکنولوژی ۱۷ طرح و صنایع ۳ طرح بود.

در چهاردهمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی طرح‌هایی از پژوهشگران ۴۷ کشور خارجی از جمله آذربایجان، اردن، ارمنستان، اسلواکی، اندونزی، ازبکستان، افغانستان، ایتالیا، بنگلادش، بحرین، بلغارستان، بوسنی، بلاروس، پاکستان، تاجیکستان، ترکیه، تایلند، تانزانیا، چین، روسیه، رومانی، زلاندنو، ژاپن، سنگال، سوریه، سودان، سوئیس، سوئد، عراق، فیلیپین، فلسطین، قزاقستان، کویت، کره، کرواسی، کانادا، کوبا، گرجستان، گینه، لبنان، لهستان، مالزی، مصر، مراکش، یمن، هندوستان و نیجریه به دبیرخانه جشنواره ارسال شده بود که ۷ طرح در زمینه مکانیک، ۵ طرح در زمینه برق، ۲ طرح در صنایع شیمیایی، ۲ طرح در زمینه کشاورزی و یک طرح در زمینه علوم پایه حائز بالاترین امتیازها شدند.

چهاردهمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی را ۱۰ سازمان جهانی زیر با اختصاص نشان و جوایزی، حمایت کردند:

«مرکز انتقال فناوری آسیا و اقیانوسیه»، «کمیسیون علم و فناوری برای توسعه پایدار در جنوب»، «کمیته همکاری‌های علمی و فناوری - سازمان کنفرانس اسلامی»، «کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه»، «بانک توسعه اسلامی»، «فدراسیون بین‌المللی حمایت از نوآوران»، «آکادمی علوم جهان سوم»، «سازمان توسعه صنعتی ملل متحد»، «سازمان علمی - فرهنگی ملل متحد»، «سازمان جهانی مالکیت معنوی».

در پایان مراسم اهدای جوایز به برگزیدگان چهاردهمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی، رئیس جمهوری طی سخنانی ضمن قدردانی از محققان، مبتکران و مخترعان، اهمیت علم و فناوری را در پیشرفت ایران اسلامی مورد تأکید قرار داد. حجت‌الاسلام خاتمی گفت: این جشنواره در حالی برگزار می‌شود که موضوع تازه‌ای در عرصه مدیریت کشور پیش آمده و آن تغییر نام وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. این نشان دهنده سمت و سوی دولت در توسعه علوم، تحقیقات و فن‌آوری کشور است. وی افزود: امروز وجود ۱/۵ میلیون دانشجو، اساتید، دانشکده‌ها و پژوهشکده‌ها سرمایه بزرگی برای ایران است و سرمایه‌های علمی کشور برای تأمین عزت و اقتدار آن روز به روز باید افزایش یابد. وی افزود: تردیدی نیست که در هر کاری بخواهیم انجام دهیم نیازمند پژوهش و تحقیق هستیم.

حجت‌الاسلام خاتمی گفت: جهان امروز که بر مدار علم و فن می‌چرخد، حسنها و عیبهای خاص خود را دارد که از دید علما پوشیده نیست. وی با بیان اینکه بسیاری از مشکلات قابل پیش‌بینی هستند گفت: همین مشکلات هم باید با علم و فناوری بر طرف شوند، بنابراین گریزی از دستیابی به علم و فناوری نیست و پژوهش مهمترین راه دستیابی به این مهم است. رئیس جمهور در پایان گفت: جهان در صورتی می‌تواند تأمین‌کننده شأن والای انسان برای یک زندگی آرام و آزاد و سرفراز باشد که بر دو بال عشق و علم حرکت کند، عشقی که توجیه‌گر بی‌خردیها و نفی واقعیت‌های زندگی نباشد و علمی که بتواند زیباییهای هستی را دریابد.

در طرحهای ارائه شده از سوی محققان و مبتکران داخلی، گرایش به تحقیقات کاربردی و اجرای پروژه‌های مورد نیاز صنایع کاملاً مشهود است. شرکت دانشمندان برجسته خارجی و کیفیت بالای طرحهای آنها یکی دیگر از نکات قابل ذکر است. به عنوان مثال پروفیسور جوناس از کانادا که در رشته متالورژی و مواد شرکت کرده و دارای ۵۵۰ مقاله علمی و چندین اختراع ثبت شده و تألیفات متعدد است.

در این مراسم اسامی برگزیدگان چهاردهمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی به شرح زیر اعلام و جوایز آنها اهدا شد.

الف - اسامی برگزیدگان داخلی

- ۱- یوسف ثبوتی رتبه اول تحقیقات بنیادی، عنوان طرح: «نوسانات اجرام سماوی».
- ۲- سیدمحمد میرباقری رتبه اول مشترک تحقیقات کاربردی، عنوان طرح: «تدوین تکنولوژی کنترل آتش مدرن».

- ۳- سیدمحسن میرکمالی رتبه اول مشترک تحقیقات کاربردی، عنوان طرح: «ساخت و تولید کنترل آتش مدرن و مجموعه اپتیکی»
- ۴- محسن فتحی جگرکندی رتبه اول مشترک کاربردی، عنوان طرح: «ساخت موشک صیادا»
- ۵- قاسم تقی زاده رتبه اول مشترک تحقیقات کاربردی، عنوان طرح: «ساخت موشک پدافند شهاب ثاقب».
- ۶- اردشیر حسین پور رتبه دوم تحقیقات کاربردی، عنوان طرح: «خط تولید مغناطیسهای سرامیکی سخت».
- ۷- روزبه معینی مازندران و سیدحسین صادقی رتبه دوم تحقیقات کاربردی، عنوان طرح: «بسته نرم‌افزاری آنالیز الکترومغناطیسی ساختارهای سه بعدی در حوزه زمان (آزما)».
- ۸- محمدرضا شاه‌نظری رتبه دوم تحقیقات کاربردی، عنوان طرح: «بررسی و تحقیق در طراحی و ساخت دی‌اریتور».
- ۹- جلیل وند یوسفی رتبه دوم تحقیقات کاربردی، عنوان طرح: «تهیه و استاندارد کردن واکسن سه تایی لیتوسپیرا در گاو و گوسفند».
- ۱۰- مسعود میرزرگر رتبه دوم تحقیقات ابتکار، عنوان طرح: «سیستم تکسوساز فشارقوی الکترواپتیک پر قدرت صنعتی»
- ۱۱- غلامرضا حسن‌بیگ رتبه دوم ابتکار، عنوان طرح: «طراحی و ساخت ماشین آلات سنگین».
- ۱۲- سیدعلاء لاجوردی رتبه سوم تحقیقات کاربردی، عنوان طرح: «ماکس نوری ۳۴مگابایت»
- ۱۳- سیدابراهیم افجه‌ای رتبه سوم تحقیقات کاربردی، عنوان طرح: «طراحی و ساخت موتورهای راوکتانس با توان کمتر از یک اسب بخار و راه انداز مربوطه».
- ۱۴- علیرضا سرقینی رتبه سوم تحقیقات کاربردی، عنوان طرح: «طراحی نقشه‌های اجرایی به روش سه بعدی و طراحی محاسبات کانال کشی و نقشه کشی آن»
- ۱۵- حسن بیگی رتبه سوم تحقیقات کاربردی، عنوان طرح: «کسب دانش فنی و تولید HMX و پیمر HTPB»
- ۱۶- یدالله بیات و فرداد اکبریان رتبه سوم تحقیقات کاربردی، عنوان طرح: «تهیه CAC به طور مستقیم از اسیداستیک»
- ۱۷- علی عطاران‌کافکی رتبه سوم تحقیقات کاربردی، عنوان طرح: «شناسایی آلاینده‌های هوا»

- ۱۸- مهرداد مستقیمی رتبه سوم اختراع، عنوان طرح: «شناسایی تشخیص فاز»
- ۱۹- حسن حاجیان رتبه سوم اختراع، عنوان طرح: «طراحی و ساخت دستگاه حفارچاه نیمه عمیق دهانه گشاد و کول‌گذار مکانیکی و متعلقات»
- ۲۰- فرزاد فرهمند رتبه سوم ابتکار، عنوان طرح: «طراحی و تولید دبی سنج فراصوتی زمان‌گذر»
- ۲۱- حسین عسکریان‌ایبانه رتبه سوم ابتکار، عنوان طرح: «طراحی و ساخت دستگاه تست جامع رله‌ها»
- ۲۲- حبیب‌الله صالحی سده رتبه سوم ابتکار، عنوان طرح: «حذف کامل فلاکسیل‌های آب سیستم خنک‌کننده»
- ۲۳- مسعود فرقدانی چهارسوقی رتبه سوم ابتکار، عنوان طرح: «کسب دانش فنی و راه‌انداز خط تولید پیمانانه گر‌ها با جابجایی مثبت»
- ۲۴- میرعلی اکبراصل‌خادمی رتبه سوم ابتکار، عنوان طرح: «طراحی و ساخت دستگاه آبیاری بارانی خطی»
- ۲۵- مصطفی رناسی رتبه سوم ابتکار، عنوان طرح: «طراحی و ساخت بزرگترین ضربه‌گیر اسکله»
- ۲۶- محمد غلامرضائی رتبه سوم مشترک ابتکار، عنوان طرح: «طراحی و ساخت خودروی زرهی چندمنظوره»
- ۲۷- محمدرضا مطهری رتبه سوم مشترک ابتکار، عنوان طرح: «طراحی و ساخت خودروی زرهی مین‌کوب»

ب - اسامی برگزیدگان ایرانی مقیم خارج

- ۱- محمد قنبری مقیم انگلستان رتبه اول، عنوان طرح: «شبکه ویدئویی»
- ۲- محمد رئوف مقیم انگلستان رتبه اول، عنوان طرح: «مشخصات استاتیک، دینامیکی و کابلهای فولادی پیچشی حلزونی»
- ۳- بیژن صفایی مقیم آمریکا رتبه اول، عنوان طرح: «سرطان و مصونیت»

ج - اسامی برگزیدگان خارجی

- ۱- محمد سهیل‌زیری از پاکستان رتبه اول، عنوان طرح: «فیزیک لیرزواپتیک کوانتومی»
- ۲- سانکاپال از هندوستان رتبه اول، عنوان طرح: «پردازش تصویر و تشخیص الگو با

محاسبات نرم»

- ۳- سورن چای تواری سوان از تایلند رتبه اول، عنوان طرح: «شیمی درمانی مالاریا»
- ۴- بینا صدیقی از پاکستان رتبه اول، عنوان طرح: «مطالعه بر روی مواد شیمیایی موجود در درخت Neem و استخراج مواد ضد حشره از آن»
- ۵- جان جوناس از کانادا رتبه اول، عنوان طرح: «عمل آوری ترمومکانیکی فولاد»
- ۶- بولات موکاشف از قزاقستان رتبه دوم، عنوان طرح: «اصلاح ساختار سیلیکون با پرتو یونی»
- ۷- نودرتسین تسادز از گرجستان رتبه سوم، عنوان طرح: «مقابل متقابل لیرز و ماده»
- ۸- فرید بدری از مصر رتبه سوم، عنوان طرح: «تولید عوامل محافظت کبدي از محصولات طبیعی»
- ۹- گوپاکومار گوماراپانی کر از هندوستان رتبه سوم، عنوان طرح: «تولید کتین و کیتوزان از ضایعات میگو»
- ۱۰- علی الدفعه از عربستان سعودی برگزیده جهان سوم، عنوان طرح: «تاریخ علم در اسلام»

□ دومین جشنواره جوان خوارزمی

تعداد طرح‌های دریافتی و برگزیده «دومین جشنواره جوان خوارزمی» در بخش‌های «دانش‌آموزی»، «دانشجویی - آزاد» به ترتیب ۷۶۰۳ و ۲۰۴ مورد و تعداد برگزیدگان نهایی بخش دانش‌آموزی ۲۲ نفر، بخش دانشجویی ۱۵ نفر (با احتساب دونفر دانشجوی برگزیده کاردانی آموزش و پرورش) و شرکت‌کنندگان آزاد ۵ نفر می‌باشد. بخش دانش‌آموزی جشنواره خوارزمی از سال ۱۳۶۸ با ۱۴ طرح آغاز و در سال ۱۳۷۸ به ۵۶۳۳ طرح - و همینطور که آمد - در سال جاری هم به ۷۶۰۳ طرح رسید. که از تهران ۱۷۲۵ طرح از اصفهان ۱۳۳۰ طرح و از مشهد ۱۲۳۷ به جشنواره رسیده بود کمترین‌ها هم به ترتیب از آخر عبارت بودند از: سیستان و بلوچستان ۳ طرح، کهگیلویه و بویراحمد ۵ طرح، هرمزگان ۷ طرح، سمنان و قزوین هر کدام ۱۱ طرح و اردبیل ۱۵ طرح. در این میان مازندران هم با ۷۹۴ طرح بعد از مشهد رتبه چهارم را کسب نمود. همینطور که ملاحظه می‌گردد از چهار استان در مجموع ۵۰۸۶ طرح (۶۷ درصد) و از ۶ استان هم در مجموع ۴۵ طرح (کمی بیش از نیم درصد) به جشنواره جوان خوارزمی ارسال شده بود. در ضمن در گروه علوم انسانی ۳۸۰۶ طرح، فیزیک ۹۱۲ طرح و علوم زیستی ۸۳۶ طرح را به خود اختصاص داده بودند.

○ برگزیدگان دانش‌آموزی

- «فیل و فنجان»، یلدا بحرینی / هنرستان خدمات رازی بوشهر
- «نمایشگر اعداد فارسی»، راضیه اخضری، حلیمه‌السادات میرآقایی / مرکز آموزشی حضرت زینب(س) شهرری
- «ساخت‌گرایی در ریاضی»، سیدمصطفی کلامی / شهید قاضی طباطبائی (آذربایجان شرقی)
- «لوله جمع شونده»، ارسالن مساحی و صادق‌سیدمحمدی / استقلال (آذربایجان غربی)
- «دستگاه جمع‌آوری اطلاعات و کنترل و نرم‌افزار آریا»، پژمان قضایی / البرز - تهران
- «دستگاه شوینده سطوح افقی»، رضا ریاحی سامانی / شریف (چهارمحال و بختیاری)
- «ترجمه شعر»، امید صادقی سراجی / مبین - تهران
- «نرم‌افزار انجام سریع کارها»، امید غلامی / ارشاد - تهران
- «کتابخانه الکترونیکی شبکه جهانی»، مهدی شاملو / شهید هاشمی نژاد - مشهد
- «کنترلر ماشین تزریق پلاستیک»، حمید کتابدار / شهید جباریان - خراسان
- «مینی اسیلوسکوپ»، احمد ثابتی / هنرستان شهید مهدیزاده - خراسان
- «مجموعه طرح‌های ابتکاری»، حسن حضرتی / امام‌خمینی(ره) - خراسان
- «نورون (Neuron)»، مزدک تمجیدی / علامه حلی اراک
- «اصلاح آنزیم‌تروپی در عینک»، محمد مهدی فلاح‌احمدی‌زاده / حبیب‌بن‌مظاهر -

فارس

- «قالی جدید در نویسندگی با نام داستان ادبی»، علی صفی‌پور / خراسان
- «حدس‌هایی نو در مثلث خیام - پاسکال»، زهرا رحیم‌پور / فرزانه‌گان - زنجان
- «نقشه‌خوانی قالی کامپیوتری»، حامد احمدی‌نژاد، محمد رضازاده / سپاه - کرمان
- «جداسازی و شناسایی مواد موجود در گیاهان»، محمدرضا سیلانی / شهریار - کرمان
- «مرگ پایان کبوتر نیست»، حمیده محمدی آذر تلکه / علوم انسانی - فارس
- «پارکومتر»، سید محمد هاشمی، احسان کدخدایی / توحید ۱ - فارس
- «دستگاه خش‌گیر CD»، پوریا مهر عشقی / علامه حلی - تهران
- «بررسی اثر میدان‌های الکتریکی و مغناطیسی»، محمدرضا سعادت / ولی‌عصر - کرمان
- «بررسی تأثیر گفتگوی تمدنها در آینده جهان»، ساجده شریفی یزدی / فرهنگ - کرمان

○ عناوین طرح‌های برگزیدگان بخش دانشجویی

- «برخی شرایط ترکیباتی روی گرده‌ها»، دکتر علیرضا عبداللهی / دانشگاه اصفهان

● «بررسی و جداسازی در تعیین ساختمان آلکالوئیدهای گیاه»، دکتر پریسا سرخیل / علوم پزشکی تهران

● «فرهنگ الفبایی قیاسی و توصیفی اصطلاحات و ترکیبات ارتودنسی»، دکتر کوروش نظرنیا / دانشگاه شاهد

● «کاربرد مدل ریاضی و تکنیک GIS در ترسیم و تحلیل منحنی‌های همبارش»، اکبر کیانی / تربیت مدرس

● «طراحی سیستم اطلاعات شهری»، حسین طلعی / دانشگاه شهیدبهشتی

● «تهیه آنتی‌بادی منوکلونال علیه مرفین»، فاطمه رهبری / تربیت مدرس

● «نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان»، توران روز بهانی / الزهرا

● «خواص ساختاری و الکترونی بلور تلوریوم»، محمدرضا محمدی‌زاده / صنعتی اصفهان

● «طراحی و ساخت سیستم ارسال تلفنی سیگنالهای قلبی»، جلیل مظلوم / صنعتی امیرکبیر

● «طراحی و ساخت خودروی انسانی»، علیرضا آصف و ... / علم و صنعت ایران

● «رباتهای توپ جمع‌کن»، مرضیه ماندی‌زاده و ... / علم و صنعت ایران

● «گونه‌شناسی سیاسی علمای دینی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، محمدعلی متولیان / مؤسسه

باقرالعلوم

● «کارت اسیلوسکوپ»، حمیدرضا صادقی / تربیت معلم تهران

● «دستگاه شش کاره»، یعقوب تقی‌زاده‌کندی / آموزشکده شهیدهاشمی نژاد - مازندران

● «مته سوراخ چهارگوش»، مهدی سازگار / آموزشکده فنی شهید باهنر - فارس

□ عناوین طرحهای برگزیدگان آزاد:

● «عیب‌یابی سیستم‌های متصل به شبکه مخابراتی»، علیرضا راستگار عباسعلیزاده

● «تقلیل میدان گردش دستگاههای محرک زنجیری»، فرهاد عبادی‌گندشمین

● «ربایش بارهای همنام و تأثیر آن در رمبش پلیمرهای زیست‌شناختی»، دکتر رامین گلستانیان

● «کشف اندام هوشمند»، فرامرز مرادی

● «به‌کارگیری شاخص‌های نورزا به منظور هدایت و راهنمایی در معابر فاقد روشنایی

(شب‌تاب)»، سید احسان واعظی

گزارش و خبر

مراسم بزرگداشت دهه فجر در مراکز سمپاد

مراکز سمپاد در سراسر کشور به استقبال دهه فجر رفتند و با بزرگداشت پیروزی نور بر ظلمت بیست و سومین سال انقلاب شکوهمند ایران اسلامی را جشن گرفتند. در این مراسم، دانش‌آموزان سمپاد با اجرای نمایشنامه، تواشیح، سرود، شعرخوانی و اجرای برنامه‌های موسیقی حضور فعالی داشتند.

سرپرست سازمان نیز در دو حضور در مرکز راهنمایی فرزنانگان تهران در تاریخهای ۱۶ و ۲۳ بهمن ۷۹ ضمن ایراد سخنرانی کوتاه به پرسشهای عزیزان دانش‌آموز در این مرکز پاسخ گفت.

کارگاه آموزش علوم دبیرستان فرزنانگان تهران

از تاریخ ۱۳ تا ۱۹ بهمن ۷۹، به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و دهه مبارکه فجر «کارگاه آموزش علوم دبیرستان فرزنانگان تهران» با تلاش عزیزان پایه سوم دبیرستان برگزار گردید. این نمایشگاه همه روزه از ساعت ۸/۳۰ تا ۱۴ جهت بازدید دانش‌آموزان آماده بود. این کارگاه در بخشهای «فیزیک»، «زیست»، «شیمی»، «کامپیوتر»، «ریاضی»، «انجوم» و «هنر» تقسیم شده و در هر قسمت دانش‌آموزان با ذوق و شوق یافته‌های خود را جهت بازدیدکنندگان ارائه می‌نمودند.

نکته قابل تأمل نمایشگاه امسال فرزنانگانیهای تهران کارها و تحقیقات جدید آنها بود مثل:

«خاصیت ضد اشعه عصاره سیر بر روی موش»، «رنگ‌بینی لاک‌پشت‌ها»، «بررسی اثرات سوء آسپیرین بر روی معده موش»، «تشخیص زعفران تقلبی»، «تولید چسب چوب و سیمانی از کازین شیر»، «رادیو اخترشناسی مشتری، رصد صدای زمینه کهکشان و صدای شهابها»، «موشک کاغذی»، «ساخت هواپیمای مدل»، «طرح استفاده از انرژی امواج دریا» و «نان و ضایعات آن» .
به علت علاقه و اهمیتی که سرپرست سازمان برای اینگونه کارگاههای آموزشی قائل هستند، همانند سال قبل و این بار در دو نوبت روزهای ۱۷ و ۱۸ بهمن جمعاً به مدت ۶ ساعت از کلیه غرفه‌ها با حوصله بازدید نمودند.

برخی از موضوعات ارائه شده توسط دانش‌آموزان در این نمایشگاه، غیر از موارد ذکر شده عبارت بودند از: «شفق قطبی»، «روباتیک»، «آفتاب پرست»، «ماره»، «دید در شب»، «مبدل حرارتی»، «واندوگراف»، «غلظت سنج صوتی»، «فیزیک سرا»، «سازه‌های مکانیکی»، «شمارنده‌های دیجیتالی»، «باتری خورشیدی»، «فرکانس متر»، «پیل سوختی»، «بررسی کشش سطحی»، «رادیو ترانزیستوری»، «رقابت دوچشمی»، «اسپیرومتر»، «الانیرا»، «شبه‌سازی عضلات پا هنگام رکاب‌زدن»، «بررسی اثر الکترولیت بر دستگاه گوارش موش»، «بررسی سرطان گیاهی»، «تحریک الکتریکی مغز موش»، «تأثیر شوک الکتریکی بر حافظه»، «فاگوسیتوز»، «کشت سلول جانوری»، «طراحی شبکه عصبی جهت پردازش صدای قلب»، «اثر محیط بر رنگ ماهی»، «ترکیبات سیمان»، «جامدات گرما رنگ»، «تهیه استیلن»، «تعیین درصد اکسیژن هوا»، «کاغذ نسوز»، «دستگاه مولد ازون»، «فرکتال»، «ماتریسها»، «آموزش الکتريسته»، «آموزش کار و انرژی»، «تله کنفرانس»، «آموزش هندسه فضائی»، «کشتی‌سازی»، «آموزش سیستمهای هیدرولیک»، «مجموعه‌های ژولیا و مندلیبرات»، «آشوب»، «ماشینهای متناهی الحال»، «شهاب سنگ»، «خسوف و کسوف»، «آسمان‌نما»، «آلودگی نوری»، «بناهای ایرانی»، «آبرنگ»، «دستگاههای موسیقی ایرانی».

همینطور بچه‌های خوش ذوق دبیرستانی با انتشار ویژه‌نامه روزانه نمایشگاه به نام «گذر از آفتاب» به بازگویی رویدادهای نمایشگاه پرداختند.

کار سوق در مراکز سبزوار

کارسوق‌های «الکترون» و «اینترنت» مراکز شهید بهشتی و فرزنانگان سبزوار در روزهای هشتم تا دهم بهمن ۷۹ - به صورت موازی برای مراکز راهنمایی و دبیرستان - برگزار شد. این کارسوق‌ها با حضور گسترده دانش‌آموزان مراکز و همکاری مسئولان دو مرکز توسط یک کمیته علمی هفت نفره از فارغ‌التحصیلان مرکز شهید بهشتی ارومیه برگزار گردید. این کارسوق توانست مقدمات آشنایی

دانش آموزان با علوم مرتبط به الکترون (فیزیک، الکترونیک و کامپیوتر) در مقطع راهنمایی و «اینترنت، کاربردها و روشهای کار» در مقطع دبیرستان را به صورت تئوری و علمی فراهم سازد.

«گزارش از: آراز فیضی»

شیوع انواع لاتاری در کشور

«پنتاگونو» (Pentagon) یک لاتاری که شایع است توسط دو نفر ایتالیایی طراحی شده و بعلت ممنوعیت کار خود در ایتالیا و مکزیک به ایران کشیده است، در مقابل مدارس، دبیرستانها، سینماها و حتی در بازار در دسترس است و کپی های آن به سرعت پخش می شود و تنهاگرانی آن سرعت گیر شده است.

متأسفانه به دلیل برگزاری «ارمغان بهزیست» و «همای رحمت» دیگر قبیح این امور از بین رفته است و توجیه نسل جوان در تمایز این گونه برنامه ها از هم بسیار سخت و در واقع غیر ممکن شده است. نکته تأسف آور در تبلیغات روی مسأله «نیت» افراد است که در مقابل نهی از شرکت در این برنامه ها، به «نیت خوب خود» اشاره می کنند. آنچه از لحاظ تربیتی دردآور است، فاصله گرفتن ذهنی جوانان برای روبروشدن با مسائل زندگی و معیشت به طور عاقلانه و فعال است که این برنامه ها سم مهلک و خطرناکی است که به جان نسل جوان ایران اسلامی افتاده است که فکر می کنند فرصتی برای پولدارشدن پیدا کرده اند.

«محمد ناصرزاده»

اولین کارسوق ریاضی فرزنانگان زنجان

مرکز آموزشی فرزنانگان زنجان در روزهای ۲۸ و ۲۹ مهرماه ۷۹ اولین کارسوق ریاضی خود را برگزار نمود.

در این کارسوق دکتر مهري، اشکان زاهدی، پیمان خانتیموری، مرتضی بیات، دکتر ورسایی، محمد تحقیقی، آزاده فرجی، بردیا حسام، پریسا باباعلی، مهندس عابدینی، محمود معصومی زاد و مسعود آریاپور به ارائه مقالات خود پرداختند. این کارسوق در آمفی تاتر مرکز تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان برگزار گردید.



کامپیوتر مذکر است یا مؤنث؟*

یک استاد دانشگاه که قبلاً در یانورد بود نظرش نسبت به این نکته که چرا در در یانوردی معمولاً کشتی‌ها را مؤنث فرض کرده، اسامی و ضمائر را در حالت تأنیث برای آنها به کار می‌برند، جلب شد. چنین پرسشی در مورد کامپیوتر هم برای او مطرح شد او میل داشت بداند که به نظر مردم کامپیوترها مؤنث هستند یا مذکر به همین منظور دو گروه از متخصصان کامپیوتر را تشکیل داد که در گروه اول همگی خانم و در گروه دوم همگی آقا بودند. از اعضا هر دو گروه خواسته شد تا با ذکر حداقل ۴ دلیل بگویند که جنسیت کامپیوتر چیست؟

گروه خانم‌ها معتقد بودند که کامپیوتر را باید «مرد» فرض کرد زیرا:

- ۱- برای جلب نظرشان حتماً باید اول آنها را روشن کرد.
- ۲- داده‌های زیادی درونشان هست ولی اصلاً آنها خبر ندارند.
- ۳- آنها برای کمک به ما هستند اما بیشتر وقت خود را صرف حل مشکلات خودشان می‌کنند.
- ۴- بلافاصله پس از انتخاب یکی از آنها می‌فهمید که اگر کمی بیشتر صبر کرده بودید می‌توانستید مدل بهتری پیدا کنید.

اما گروه آقایان معتقد بودند که کامپیوتر را باید «زن» فرض کرد زیرا:

- ۱- هیچ کس به جز سازنده‌شان به منطق درونی آنها پی نمی‌برد.
- ۲- زبانی که کامپیوترها برای ارتباط با دیگر همجنس‌هایشان به کار می‌برند فقط برای خودشان قابل فهم است.
- ۳- کوچکترین اشتباه شما برای مدت بسیار طولانی در حافظه‌شان باقی می‌ماند.
- ۴- پس از اینکه یکی از آنها را تهیه کردید می‌بینید که همه درآمدها را باید برایش خرج کنید.

آیا دانش آموزان سمپاد دلایل منطقی دیگری دارند؟ به آدرس مجله ارسال کنید.

نامه‌های رسیده

هوالشکور

یکی بود یکی نبود. چند سال پیش توی شهر قشنگ تبریز دختری زندگی می‌کرد. دختری که فقط ۱۱۵ سانتیمتر بلندی داشت و به عقیده خیلی‌ها قدش خیلی کوتاه بود. به روز گرم تابستونی وقتی که تازه از خواب بیدار شده بود و هنوز داشت چشمش رو می‌مالید از مادرش خبری شنید که به اندازه تمام دنیا خوشحالش کرد و به این ترتیب عضو خانواده‌ای بزرگ و بسیار دوست‌داشتنی به نام سمپاد شد. اول مهر همان سال که مصادف با ۱۱ سالگی دختر ۱۱۵ سانتیمتری قصه ما بود مثل همه سالهای دیگر مدرسه‌ها باز شد. ولی آن سال اول مهر جور دیگری بود. آن روز روی پیشانی دختر کوچولو یک برچسب گنده چسبانند که روی آن نوشته شده بود: تیزهوش.

دختر کوچولو وارد مدرسه‌ای شد که همه بچه‌های آن از این برچسبها داشتند و همه شان هم عجیب به آن می‌بالیدند! او هم یاد گرفت که به مال خودش افتخار کند!

- وارد مدرسه‌ای شد که حیاطش گلی بود و او هم مثل بقیه یاد گرفت که روزهای بارانی کفشهایش را توی کیسه فریزر بکند تا کفش و شلوارش گلی نشود.

- وارد مدرسه‌ای شد که در آن معلمها و شاگردها این قدر عاشق هم بودند که هیچ سری بینشان نمی‌ماند. شاگردها از معلمها غیبت می‌کردند و بعدبه خود معلم می‌گفتند که ما فلان حرف را پشت سر شما زدیم. او هم یاد گرفت عاشقی را و صاف و صادق و بی‌ریا بودن را.

- یاد گرفت چگونه دوست بدارد و چه کار کند که بیشتر از همه دوستش بدارند!

- یاد گرفت چه طور مثل بعضی همکلاسیهایش (فقط بعضی وقتها!) خرخوانی کند و چه طور

(باز هم فقط بعضی وقتها!!) با معلمها سر حذف امتحان بحث کند.

- یادگرفت چه‌طور نمره‌های کم ورقه‌های امتحانیش را خودش امضا کند و فقط خوبهایش را به مامان و بابا نشان دهد.

- یادگرفت این قدر پر سر و صدا باشد که همیشه نمره انضباطش را تهدید کنند.

- یادگرفت همیشه به عظمت فیل زرد و عظیم شهیدمدنی در مقابل فنجان زرد و کوچولوی فرزندگان حسودی کند و وقتی توپ اون‌ور دیواریها می‌افتاد این‌ور دیوار دیگر توپ را به آنها پس ندهد.

- یادگرفت توی مدرسه در کنار دوستانش این قدر شاد باشد که همه غمهایش را از یاد ببرد و این قدر بخندد که کسی باور نکند که او گریه کردن هم بلد است.

- یادگرفت چه طوری می‌شود با دست در دست هم دادن همه بچه‌های کلاس سوم راهنمایی پوزه غول بی شاخ و دمی مثل امتحان مقطع را به خاک مالید.

- یادگرفت اعتصاب کردن برای کمبود امکانات و همیشه معترض بودن را.

- یادگرفت دلتنگی برای مدرسه در تابستان و تعطیلات را و اینکه با هر بهانه کوچکی به خاطر دوری از مدرسه عزیزش یک دل سیر گریه کند و یادگرفت یادگرفتنی‌های بسیار دیگری را...
حالا شش سال است که دختر کوچولو دارد یاد می‌گیرد و یاد می‌گیرد و یاد می‌گیرد و سانتیمتر به سانتیمتر بزرگتر می‌شود و بزرگتر می‌شود.

حالا دیگر کسی به او نمی‌گوید که قدش کوتاه است چون ۱۶۵ سانتیمتر درازا دارد. ولی دلش آن قدر کوچک است که با اندک تلنگری پُر می‌شود و کاسه چشمانش آن قدر کم‌گنجایش که فوراً اشکهایش را نمایان می‌کند.

حالا او فقط یک اول مهر دیگر را مهمان مدرسه عزیزش خواهد بود و بعد باید برچسب تیزهوشی را به جوانترها تقدیم کند و خود....

دختر کوچولوی قصه ما که دیگر بزرگ شده نمی‌تواند از مدرسه عزیزش دل بکند. مدرسه‌ای که کودکی او را در بر دارد و حالا می‌رود که نوجوانیش را نیز در دل خود مدفون سازد. محلی که همه خاطرات او را شامل می‌شود از خوب خوب گرفته تا بد بد....

محلی که دختر کوچولو یک روز گل سر سبدش بوده و روزی باز خواهد گشت و خواهد دید که دیگر جایی در آن ندارد. روزی باز خواهد گشت و خواهد دید همه به چشم یک غریبه - غریبه‌ای مثل

غریبه‌های دیگر به او نگاه می‌کنند. روزی باز خواهد گشت و خواهد دید که دیگر هیچ‌کس حتی خود مدرسه هم او را نمی‌شناسد و آن وقت حتی نمی‌تواند ادعای روزهای از دست رفته و خاطراتش را بکند....

ولی حالا که هنوز نرفته می‌خواهد برای جلوگیری از چنین اتفاقاتی از مدرسه عزیزش عهده‌ی بگیرد: مدرسه کوچولو و دوست داشتنی‌ام قول بده همان طور که ما عاشقت هستیم تو هم ما را دوست بداری و حتی اگر ما تو را فراموش کردیم تو هرگز بچه‌هایی که روزی فرزندانانت بودند را فراموش نکنی. قول بده مثل همه مادران همیشه به یاد ما باشی و اگر خواستیم روزی به عنوان فارغ‌التحصیل به آغوشت بازگردیم با لبهای خندان و دستهای گشوده استقبالمان کنی و دوباره ما را بپذیری. اگر نامه‌ام را چاپ کنید خیلی خوشحال می‌شوم چون:

دوست دارم نوشته‌ام را همه جوان‌های سمپادی بخوانند و نصیحت من را به عنوان یک ریش سفید!! سمپادی آویزه گوش کنند و قدر مدرسه‌شان را خیلی بدانند و تا وقتی که هنوز سمپادی‌اند حداکثر استفاده را از روزهایشان ببرند.

ارادتمند شما

فاطمه نیکنامی. سوم تجربی فرزانه فرزنانگان تبریز

بسمه تعالی

خدمت محضر دکتر اژه‌ای:

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت جنابعالی و با تشکر از اینکه به شهر ما تشریف آوردید. می‌دانم که وقتتان بسیار کم است بنابراین سریع سر اصل موضوع می‌روم. جناب دکتر چند موردی بود که می‌خواستم خدمتتان عرض کنم:

اولاً راجع به دیدارهایتان و سفرهایتان به مراکز باید عرض کنم احتمالاً (۰/۹۹۹) بسیار تعداد سفرهایتان کم است می‌دانم که اولاً وقت ندارید و ثانیاً تعداد مراکز زیاد است اما فکر می‌کنم هر ۴ یا ۵ سال هم اندکی بی‌انصافی است البته من با توجه به تجربه خودم عرض می‌کنم که ۴ سال است در این مرکز هستم و این اولین باری است که شما را دیده‌ام. قبلاً اسمتان را زیاد در مجله دیده بودم لکن خودتان را یا حتی عکستان را نه. اگر نمی‌توانید تشریف بیاورید حداقل بدهید عکستان را هر چند شماره یکبار در مجله چاپ کنند تا دانش آموزان جدیدی که به مرکز می‌آیند اندکی بیشتر با شما آشنا

شوند. (البته امیدوارم خدای نا کرده از دستم ناراحت نشوید.)

دومین مسئله‌ای که می‌خواستم خدمتتان عرض کنم راجع به اوضاع مالی خودم و یکی دو نفر دیگر از دانش‌آموزان بود جناب دکتر اژه‌ای من خودم را می‌گویم، آخر جای من [که با کارگری درس خوانده و می‌خوانم (مشکلات مالی و اجتماعی خانواده را فکر می‌کنم خودتان حدس زده باشید که از چیست به هر حال گفتن آن‌ها جز اینکه وقتتان را بگیرم چیز دیگری نیست) من که هنوز تا به الان که پیش دانشگاهی هستم با کیف سال اول راهنمایی‌ام به مدرسه می‌آیم] بین دانش‌آموزان شماس است که یکی پدرش دکتر است دیگری مهندس و...؟

من خودم که هر جور بود درسم را تا به حال خوانده‌ام و با تمام مشکلاتم باز هم می‌خوانم ولی چون از تأثیر شدید آن بر روح باخبرم و پیامدهای آن را شدیداً تجربه کرده‌ام خواهش می‌کنم به دیگرانی که بعد از من می‌آیند توجه بیشتری کنید. راستش اگر بخواهم از غم‌ها و ناراحتی‌هایم بگویم نمی‌دانم تا کی طول می‌کشد بنابراین زیاد وقتتان را نمی‌گیرم.

و در آخر آرزویم را برایتان می‌گویم شاید شما بتوانید برآورده‌اش کنید البته می‌دانم آرزو و خواسته‌ی بسیار بسیار بزرگی است اما حداقل اش این است که امیدوار می‌شوم. راستش من سالهاست که آرزو دارم با رهبرمان آیت‌الله خامنه‌ای دیدار داشته باشم و ایشان را از نزدیک ببینم و می‌خواستم خواهش کنم اگر امکان دارد در هر زمانی حتی سال‌های دیگر در قالب گروه‌های دانش‌آموزی با مقام معظم رهبری دیدار داشته باشیم.

آقای اژه‌ای در پایان به خاطر بدخطی‌ام عذر می‌خواهم. مشکلی است که سالها با آن سر و کله می‌زنم.

خداوند یاورتان

مهدی.ج. دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی

استعدادهای درخشان : جان نامه شما همان مطلبی است که عذایی دائمی را برایمان به ارمغان

آورده است اینکه چرا برای امثال شماها نمی‌توانیم امکانات بیشتری تهیه کنیم. ولی حافظان ایران

عزیز را از میان شما یافته‌ایم. درخواست ملاقات با رهبری هم زیاد است و پس از آن ملاقات ۲۵۰۰

نفری دیگر نتوانسته‌ایم به صورت انبوه ملاقاتی برای شما عزیزان تدارک ببینیم.

به نام خدا

با عرض سلام خدمت جناب آقای دکتر اژه‌ای.

من یکی از سмпادی‌های مشهدی هستم که می‌خواهم با دلی پر با شما صحبت کنم و شاید هم

درد دل کنم. من امسال کلاس سوم راهنمایی هستم و به قول معروف امسال نوعی کنکور دارم که واقعاً ترسش تمامی وجود و تفکر من و امثال من را فرا گرفته است، دانش آموزی هستم که البته نه این که بخوام تعریف کنم ولی خوب به هر حال به عنوان واقعیت باید گفت که نمراتم در دروس حفظی و همچنین شیمی و زیست همیشه ۲۰ - ۱۹ است اما نمرات ریاضی و فیزیک مخصوصاً ریاضی...! اصلاً قابل گفتن در برابر سایر نمرات نیست و این امر باعث شده است که هیچ وقت آن معدل واقعی را که خودم دلم می‌خواهد نگیرم.

من واقعاً روحیه خودم را از دست داده‌ام و بسیار می‌ترسم که در امتحان ورودی دبیرستان قبول نشوم، زیرا نمراتم واقعاً برایم نگران‌کننده‌اند، دختری هستم که تا همین تابستان امسال زیاد برایم قبولی در این مدرسه برای ورود به دبیرستان مهم نبود ولی الان که در جوی قرار گرفته‌ام که اکثریت در حال تلاش برای کنکور و درس خواندن و تست زدن هستند واقعاً می‌ترسم، می‌ترسم که اگر قبول نشوم مورد تمسخر و به ظاهر دلسوزی مردم و اطرافیانم واقع شوم و این آن چیزی است که فکرش تمام اعصاب و آسایش من ۱۵ - ۱۴ ساله را به هم می‌ریزد. آخر چرا؟ فقط به خاطر این که در درس ریاضی ضعیف هستم باید از ادامه تحصیل در مرکز سمپاد که به آن می‌بالم و مایه افتخار من است محروم شوم در حالیکه می‌خواهم به خاطر شدت علاقه‌ای که به زیست دارم رشته آینده‌ام را تجربی انتخاب کنم ولی باز هم در این مدرسه درس بخوانم به هر حال من هم یک دانش آموز هستم مانند تمامی دخترها و پسرهای دانش آموز و آرزوها و نقشه‌هایی برای آینده خود دارم که فکر می‌کنم با قبول نشدن من به این مرکز از هم پاشد! می‌خواهم بدانم که آیا دیگر آن تیزهوش سه ساله قبل نیستیم؟ آیا دیگر دارای بهره هوشی بالا نیستیم؟ آخر مگر می‌شود؟ من که مغزم و گنجایشش تغییر نکرده است پس چرا سنجش مجدد؟ چرا کنکور و آزمون مجدد؟؟ فقط تنها فرقی که الان با سه سال پیش دارم این است که الان با کوله‌باری از اطلاعات بیش از حد ستم هستم که باید در این آزمون آن‌ها نیز سنجیده شوند. خواهش من از شما این است که بیشتر به نکات و سؤالات هوشی تکیه کنید و ثانیاً طرحی را برنامه ریزی کنید که در آن و به موجب آن دانش‌آموزانی که علاقه به علوم طبیعی دارند و دانش‌آموزانی که علاقه‌مند علوم ریاضی هستند در طی یک نظر خواهی جدا شوند و سپس از هر گروه آزمونی گرفته شود که بیشتر حاوی سؤالات زیست یا برای گروه دوم ریاضی باشد (تقریباً مانند کنکور سراسری و آزاد دانشگاهها) که در این صورت افراد بسیاری که همه آرزوی ورود به دبیرستان تیزهوشان را دارند (حتی دانش‌آموزان مدارس معمولی) شانس قبولی و موفقیتشان بیشتر شود، در حالیکه در حال حاضر آزمون

ورودی بیشتر تأکید بر علوم ریاضی و فیزیک دارد و حتی در بعضی از سالها هیچ سؤالی از زیست مطرح نمی‌شود که این واقعاً به ضرر امثال من است از طرف دیگر پس ما برای چه در این سه سال راهنمایی باید زیست بخوانیم و کتابهای زیست دبیرستان را آموزش بینیم فقط به این امید که شاید (آن هم شاید!!) دو، سه سؤال زیست مطرح شود، آخر چرا؟

البته این موضوع را قبول دارم که خواندن زیست در این سه سال بسیار به نفع من در سالهای بالاتر است ولی در مورد افرادی که قصد رفتن به رشته ریاضی را دارند چه؟ هیچ. این است جواب سه سال زیست خواندن آنها، به هر حال از شما خواهشمندم در مورد برنامه‌ای که گفتم کمی فکر کنید و حتی الامکان آن را اگر قصد اجرا دارید، امسال اجرا کنید که مطمئن هستم مورد تأیید بسیاری از دانش‌آموزان واقع شود. (از شما خواهشمندم که این نامه را در مجله استعداد‌های درخشان چاپ کنید زیرا این سخنان درد دل بسیاری از دانش‌آموزان هم سن و سال من است و یقین دارم که پس از چاپ این نامه درخواستهای بسیاری برای عملی شدن برنامه ذکر شده برای شما فرستاده شود.)

از شما خواهشمندم باعث پایان بخشیدن به خاطرات خوب من نباشید.

«این موضوع را لازم به ذکر می‌دانم که بگویم دانش‌آموزی هستم که بر خلاف رضایت والدین و به خصوص مادرم وارد این مرکز شدم و با وجود تمامی اختلافات ایجاد شده وارد شدم و حالا مادرم مانع خروج من از این مرکز و سازمان است.»

با تشکر و قدردانی فراوان

مروارید - گ. مرکز راهنمایی فرزاتگان مشهد

استعدادهای درخشان: ما نیز امیدواریم که شما در دبیرستان هم با ما باشید. در مورد ریاضی هم به هر حال هر یک از دو رشته را بخواهید ادامه دهید ضرورت دارد به آن مسلط باشید. هوش شما هم سرجایش، رقابت با دیگران هم جای خود.

به نام خالق بی‌همتا

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما، خدمتگزاران عرصه‌ی علم و فرهنگ:

دانش‌آموزی هستم سال سوم دبیرستان شهیدرضا خانی از شهرستان ساوجبلاغ از شهر نظرآباد توابع استان تهران با معدل ۱۵/۰۲ به تحصیل مشغول هستم. از شما عزیزان بزرگوار دو سؤال دارم:
(۱) آیا با بالا بردن معدل سال سوم دبیرستان به بالای ۱۸ می‌توان دوره‌ی پیش‌دانشگاهی را در مراکز

سمپاد گذراند آیا امکان دارد؟ اگر امکان این عمل وجود دارد برای حضور در این مراکز آزمون ورودی گرفته می‌شود؟ آیا شرط معدل نیز به حساب می‌آید؟ اگر این عمل امکان‌پذیر است لطفاً مرا راهنمایی کنید.

۲) آیا می‌توان طرح‌های ابداعی و سازنده‌ی خود را (دانش آموزان عادی) برای این مراکز (سمپاد) ارسال کرد؟ اگر این عمل نیز امکان‌پذیر است لطفاً مرا راهنمایی کنید. به امید موفقیت شما در عرصه علم فرهنگ.

با تشکر از شما

دانش آموز سال سوم دبیرستان رشته‌ی ریاضی - فیزیک - علی نوروزی

استعداد‌های درخشان: دوست عزیز، از اینکه با ما مکاتبه نموده‌اید متشکریم، متأسفانه کنکورهای ورودی به مراکز سمپاد برای پایه‌های اول راهنمایی و اول دبیرستان است و در پایه‌های دیگر کنکور برگزار نمی‌شود، تا شرط معدل آن مشخص شود.

به نام آفریننده‌ی استعداد‌های درخشان

جناب آقای دکتر اژه‌ای! خدمت شما و کلیه همکارانتان سلام عرض می‌کنم. اول از همه سلامتی شما را از خداوند متعال خواستارم و بعد از آن می‌خواستم از شما تشکر کنم و در پایان هم یک پیشنهاد (گله) دارم! من از زحمات شما بسیار تشکر می‌کنم. زحماتی که فکر نمی‌کنم کسی نظیر آن را در تاریخ هیچ سازمان دولتی یا غیردولتی دیده باشد. من می‌دانم که از آرزوهای شما این است که دانش آموزان سمپادی با رشد و ترقی خود، باعث پیشرفت جامعه و تکنولوژی کشور شوند ولی می‌خواستم بگویم که آخر با جزوه گفتن معلم‌هایمان و حفظی نمودن اکثر درس‌ها که حتی ریاضی هم درصدی از آن حفظی شده است، آیا فکر می‌کنید که این دانش آموزان بعد از فارغ‌التحصیلی و ورود به دانشگاه‌ها باز هم ذهن خلاقیت خواهند داشت؟!!!! اگر ما قرار باشد درس‌هایی را در یک سال تحصیلی حفظ کنیم و قسمت عمده آن را در سال بعد فراموش کنیم این همه سرمایه، انرژی و زمانی که مصرف می‌شود، آخرش به کجا می‌رود؟ آیا پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، در بازار کار از ما می‌پرسند فلان فرمول را توضیح بده یا فلان قضیه را اثبات کن یا کاشف این عنصر کیست؟ مسلماً خیر!! ما برای چه به جای آن که خود علم را بخوانیم، تاریخ آن را می‌خوانیم؟ اگر دانش آموزان (سمپادی یا غیرسمپادی) از همان پایه به تئوری اهمیت کم‌تری بدهند و آن را در کنار درس‌های عملی خود فرا بگیرند، مطمئناً کشور ما به چنان پیشرفتی دست خواهد یافت که هیچ کس تصورش را نمی‌کند.

من از شما خواهش می‌کنم که حتی به مقدار بسیار ناچیزی، تغییر و تحولی در سیستم آموزشی سمپاد ایجاد کنید. (مثلاً به عنوان یک طرح غنی‌سازی!!). از دبیران ما بخواهید بیشتر به کارهای آزمایشگاهی و عملی اهمیت بدهند. از آن‌ها بخواهید که جزوه نگویند. به نظر من اگر معلمی بخواهد چیزی را که خودش در فهم واقعی آن مشکل دارد، به دانش‌آموزان منتقل کند، گناه می‌کند.

با تشکر فراوان از زحمات بی‌پایان شما

س. ه. دانش‌آموز دبیرستان فرزنانگان امین اصفهان

استعدادهای درخشان: در بیشتر موارد با شما همفکریم ولی باید هم همکلاسیهای شما در سمپاد و هم همکاران ما، هر دو، در این مورد این دیدگاه را که دیدگاه سمپاد هم هست قبول داشته باشند. آنجا هم که این امر مقبول افتاده است پیشرفت را - براساس نگاه سمپاد - شاهد بوده‌ایم.

هوالمحبوب

سمپاد عزیز، سلام .

حدود ۲-۳ ماه است که از تو دور افتاده‌ام. دانشگاه می‌روم اما... حالا می‌فهمم که مدرسه یک چیز دیگر است. و می‌فهمم که تمام (یا شاید خیلی اغراق کرده باشم) زندگی‌ام را و شور و حال را مدیون تو هستم. اما حیف... حیف که زودتر این را نفهمیدم.

برای تو، آرزوی موفقیت می‌کنم و افتخار می‌کنم که سمپادی هستم.

شعر زیر را هم تقدیم به همه همکلاسیهایم می‌کنم و خوشحال می‌شوم اگر آنرا در مجله چاپ کنید. روزگار مدرسه، ای دریغ زود رفت.

هرچه می‌دوم نمی‌رسم،

رفته دیگر او نمی‌رسد.

رفته قصه‌ها و خنده‌ها و اشک‌ها،‌های و هوی‌های مدرسه، قصه شکافهای سقف و خنده‌ها.

یک زمان، در کلاس، قصه نشاط و شورزندگی، در میان هوی وهای و جیغ و داد می‌تپید.

شور و حال کودکی، از صدای دادهای ما زبانه می‌کشید.

من اسیر یک کلاس خالیم،

یادشون نمی‌ره از دلم.

با تشکر

شریفه رضاقلی. فارغ‌التحصیل سال ۱۳۷۹ - فرزنانگان کرمان.

استعدادهای درخشان: قسمتی از شعر سمپادی عزیزمان را در انتهای نامه آوردیم.

به نام خدا

جناب آقای دکتر اژه‌ای، ریاست محترم سمپاد،

با سلام و عرض ادب:

حرف‌های بسیاری هستند برای گفتن، حرف‌هایی که می‌بایست در این چهار سال می‌گفتم و نگفتم. حرف‌هایی که می‌بایست در این سیزده سال می‌گفتند و نگفتند.

تا آنجا که بنده می‌دانم نام این سازمان را نهاده‌اند سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان. یعنی آنکه این سازمان وظیفه دارد استعدادها را شناسایی کرده و آن‌ها را پرورش دهد. پس مرحله اول شناسایی این استعدادهاست. «آقایان دکتر و مهندس دور هم نشستند و گفتند چه کنیم؟ کنکوری ترتیب دهیم با سؤالات ریاضی و علوم تجربی. ولی سؤالات هوش نباشند. هر کسی هم تست‌ها را جواب داد اسمش را بگذاریم تیزهوش!»

عجب گزینش جالبی است! بگذریم. گمان کنیم این حضرات دانش‌آموز حقیقتاً چیزی بیشتر از دیگران دارند. مرحله دوم این است که دانش‌آموزان درس بخوانند. چه بخوانند؟ «آقایان دکتر و مهندس دور هم نشستند و گفتند چه بخوانند؟ مهندس‌ها گفتند ریاضی و فیزیک، دکترها گفتند زیست و شیمی. آخرش هم هر چهار تا درس را علوم پایه نامیدند و گذاشتند تا دانش‌آموزان تیزهوش بخوانند، اما نمی‌دانیم چه شد که یکباره گفتند: سازمان را بر مبنای ریاضی - فیزیک بگذاریم.»

نیازی به جارزدن ندارد. همه می‌دانند در این سازمان ریاضی - فیزیک‌ها را روی دستشان بلند می‌کنند، تجربی‌ها را تحمل می‌فرمایند، علوم انسانی‌ها را به بیرون پرتاب می‌نمایند و اگر هم دستشان بر علاقه‌مندان رشته هنر برسد... عقیده دارند جای آنها زیر خاک است! اصلاً چه معنی دارد کسی که استعداد دارد هنر بخواند؟!!

جناب آقای دکتر اژه‌ای! لطفاً فرمائید که اگر در مرکزی ۱۰ نفر خواستار تشکیل کلاسی برای رشته‌ای شوند آن مرکز موظف است که رشته را ایجاد کند. زیرا معلوم است که رشته ایجاد نمی‌شود. چرا؟ زیرا شما نمی‌خواهید. زیرا سازمان به دانش‌آموزان اینگونه تلقین می‌کند که علوم انسانی و هنر برای دانش‌آموزان تنبل است و در هر حال عاقبت ندارد. هرچه هست در ریاضی است و تجربی.

آقای دکتر! شما که خود تحصیل کرده یکی از رشته‌های علوم انسانی هستید و می‌دانید استعداد‌های درخشان تا چه اندازه می‌توانند سبب ارتقاء علمی رشته علوم انسانی در کشور شوند، چرا این چنین سیاست‌هایی را اجرا می‌کنید؟

این اولین پرسش بنده از شما بود. در هر حال در مقایسه با آنچه که می‌خواستیم بگویم هیچ چیزی نو شتم و بسیاری از مطالب را به واسطه خودسانسوری ذکر نکردم.

با تشکر

محمدرضا شمشیرگر. سال دوم دبیرستان مرکز شهید بهشتی اهواز.

استعداد‌های درخشان: کسب رتبه‌های برتر در کنکور رشته هنر از سمپاد پاسخ شما در مورد رشته هنر است و چهار سال در دو مرکز آموزشی با وجود کاهش دانش‌آموزان در یک مدرسه با سه نفر و در یک مرکز با ۹ نفر رشته علوم انسانی را ادامه دادن شاهد دیگری در مورد علاقه ما به رشته علوم انسانی است. ولی برادر شمشیرگر، شمشیر را از رو بسته‌اید مگر می‌شود در ۸۰ مرکز آموزشی ۳۲۰ کلاس سه چهار نفره دایر کرد، حرف ما منطقی است، عشق شما هم طبیعی.

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت پدر مهربانم در سازمان؛

سلام علیکم.

بارها شنیده‌ایم و باور هم کرده‌ایم که اعضای سازمان، اعضای یک خانواده‌اند. خانواده‌ای که شاید نقشی مهمتر از سایر خانواده‌های اجتماع داشته باشد. چرا که اعضایش از برگزیدگان هستند. و این نقش مهم، نتیجه‌اش سنگین‌تر شدن وظیفه مسؤول خانواده است و من که عضوی از این خانواده‌ام اگر مطمئن باشم که مسؤول خانواده، پدری مهربان است که به حرفهایم گوش می‌دهد، آرامش خیال خواهم داشت و آسوده به وظایفی که به من می‌سپارند عمل می‌کنم. پدر خوب سمپاد! امیدوارم همیشه سرفراز باشید و ما بتوانیم زحمات شما را جبران کنیم. ان شاء الله روزی برسد که نتیجه این همه تلاش را ببینید و مانند هر پدری که از فرزندانش راضی است، شما هم لبخند رضایت بزنید و بر داشتن چنین فرزندان بی‌باید.

اما ای پدر مهربان به عنوان عضو کوچکی از این خانواده می‌خواستم، مطالبی را خدمتتان عرض کنم، باشد که به وظیفه‌ام نسبت به دیگر اعضا عمل کرده باشم.

من سه سال و اندی است که عضو این خانواده شده‌ام. هنگام ورود برای تلاش و کار آماده بودم.

زیرا در ذهن من عضویت در این خانواده بسیار مهم بود و همه نیروی مرا می‌طلبید تا بهترین بهره‌ها را ببرم. ولی... متأسفم که بگویم در روزهای اول و پس از آن اندک‌اندک آن ذهنیت و آمادگی جای خود را به بی‌تفاوتی و کم‌کاری داد. تدریس غیر قابل فهم بعضی دبیران دروس اصلی از جمله ریاضی و فیزیک مشکلات عمده‌ای برای ما ایجاد می‌کرد به طوری که دبیران خوب سال سوم ما مشکلات زیادی داشتند و از اینکه درسها را نفهمیده‌ایم شکایت می‌کردند. بالاخره به هر زحمتی بود تا اواخر سال سوم و اوایل پیش‌دانشگاهی، خودمان را رساندیم. ولی آنچه دبیران هنوز از آن ناراضی‌اند تلاش کم ماست. آنچه مسلم است نمی‌توان در یک سال به اندازه سه سال زحمت کشید و علی‌رغم تذکرات ما به مدرسه هنوز شاهدیم که بچه‌های سالهای اول و دوم از دبیران ریاضی و فیزیک خود ناراضی‌اند و در درک مفاهیم این دروس مشکل دارند.

مسئله مهم دیگری که به ذهن من می‌رسد، نحوه برخورد بچه‌ها با دبیران و بزرگترهای مدرسه است. صحبت با بزرگترها آدابی دارد که بعضی از بچه‌های مرکز به دلیل غروری که ناشی از تحصیل در مدرسه‌ای بهتر است، آنها را رعایت نمی‌کنند. من نمی‌گویم که در مدرسه ما را مغرور می‌کنند، نه، بالطبع انسان هنگامی که خود را در موقعیتی برتر از دیگران می‌یابد، دچار غرور می‌شود و آنچه لازم به نظر می‌آید، تربیت این حس است. حس غرور هم مانند سایر امیال درونی باید رشد و تربیت یابد. آنچه که بچه‌های ما به آن می‌بالند، این مدرسه است. در نتیجه معمولاً تحت تأثیر تربیتهای خانواده خود قرار نمی‌گیرند و اینجا یعنی خانواده دوم ماست که باید این وظیفه را بر عهده گیرد. زیرا ما از این خانواده تأثیر بیشتری می‌پذیریم، چراکه آن را مایه برتری خود می‌دانیم. پس باید چاره‌ای اندیشید تا این غرور کاذب از بین برود و تواضع جای آن را پر کند. مگر نه اینکه ما از برگزیدگانیم و در آینده احتمال اینکه در پستهای کلیدی کشور عزیز اسلامی مشغول به خدمت شویم. پس باید پایه‌های تواضع از هم اکنون در وجودمان بنیانگذاری شود تا به هدف اصلی تحصیل که خدمت است نایل شویم وگرنه این استعدادها و این موقعیتهای احتمالاً مهم اگر همراه غرور باشند از بهترین راههای هجوم دشمنان می‌گردند.

امیدوارم این تذکرات مورد توجه شما قرار گیرد و همه ما بتوانیم در جهت رضای خداوند متعال گام برداریم. پیشاپیش از عنایاتی که مبذول می‌فرمایید تشکر می‌کنم.

خداوند یار و نگهدار شما

یکی از دانش‌آموزان مرکز فرزندان قم

به نام آنکه لطفش بی‌زوال است

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت سنگ صبور عزیزمان جناب آقای دکتر اژه‌ای: دقیقاً وقتی یک سال و چهار ماه پیش خبر قبولی‌ام را در آزمون فرزنانگان شنیدم نزدیک بود از خوشحالی بال در بیاورم.

چند هفته بعد از اعلام نتایج و ثبت‌نام مدرسه‌ها باز شد و من هم مانند سایر دوستانم به مدرسه جدید رفتم. روی هم رفته مدرسه ساختمانی قشنگ با چشم‌اندازی زیبا و فضایی باز داشت. اما یک مشکل وجود داشت و آن هم خاکی بودن جاده فرعی مدرسه که با آمدن باران تبدیل به گل می‌شد و سر تا پایمان را گلی می‌کرد که با تلاشهای بی‌امان مدیر مرکز بعد از یکسال و دو ماه تازه کار آسفالت آن شروع شده است.

آخر شما بگوئید ما چه گناهی کردیم که به این مدرسه آمدیم؟ بعضی وقتها که با خودم فکر می‌کنم می‌بینم اگر به این مرکز نمی‌آمدم چقدر بهتر بود چون اولاً اینهمه پول شهریه نمی‌دادیم، لباسمان گل نمی‌شد، معلمان بهتری داشتیم و هزاران هزار مشکل دیگر که از گفتشان معذورم و نتیجه‌ای جز درد آوردن سر شما ندارد. تازه من که جزو شورای مدرسه هستم جرئت کرده‌ام و پنهانی این نامه را نوشته‌ام و در واقع چیزی جز خالی کردن عقده‌هایم نمی‌خواهم و می‌دانم که امسال هم باید مثل سال قبل بدبختی و فلاکت کشید. و وقتی هم به فامیل و آشنا می‌رسی می‌گویند شما که تیزهوشانید و مشکلی ندارید و ما هم مجبوریم تحمل کنیم. دیگر عرضی ندارم خدانگهدار.

با تشکر - ف.ح.

نامه‌های شما عزیزان دریافت شد.

ایلام، مرکز فرزنانگان: «ش.ر» و «خ.ح» بجنورد، دانش‌آموز سال دوم دبیرستان فرزنانگان بیرجند، مرکز فرزنانگان: خدیجه خواجه آبادان، ولی دانش‌آموز مرکز فرزنانگان اهواز، لیلا نیام تبریز، فارغ‌التحصیل فرزنانگان، فهیمه فرشی ازهر / دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی فرزنانگان تهران، راهنمایی فرزنانگان: فاطمه عشقی نژاد / بهتاش شاکری قائمشهر، مرکز فرزنانگان: فاطمه حسین‌زاده کاشان، مرکز فرزنانگان: دانش‌آموز ت. لار، شورای دانش‌آموزی دو مرکز یاسوج، مرکز فرزنانگان: م - ب